

﴿ بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ ﴾



در کتاب شناخت قرآن می خوانیم :

مقدمه ی مؤلف و شرح خطبه امیرالمؤمنین درباره قرآن

سخن گفتن قرآن نقش قرآن در زندگی اولین فرمان، فرمان فرهنگی

محتوا و مطالب قرآن برای بندگان برگزیده ما (خدا) آثار و خواص قرآن

مسئولیت ما فضیلت قرآن قرآن خود را این چنین معرفی می کند

وصف مصحف علی امام خمینی(ره) و شناخت قرآن مشخصات قرآن

ترتیب سوره های قرآن اختلاف قرائت ویژگیها و خصوصیات قرآن

حروف مقطعه ی قرآن سجده های واجب و مستحب اسامی و صفات قرآن

محکمت و متشابهات لوح محفوظ و ام الكتاب تفسیر و تاویل آیات قرآن

اعجاز قرآن مجید آیات و روایات ده گانه درباره آینده جهان نفوذ در آسمان ها

تحدی قرآن مجید عدم تحریف فلسفه ناسخ و منسوخ

آیات انذاری و تبشیری احترام به قرآن آداب گوش سپاری

عدم اختلاف در قرآن علوم و دانش قرآنی بهره گیری از قرآن

قرآن و تحولات اجتماعی

سرشناسه : زارع پور، محمود، ۱۳۳۶ طرح جلد : بهار حیدری آرام

شمارگان: ۵۰۰۰ نوبت چاپ: دوم ۱۴۰۱ قیمت: ۶۰.۰۰۰ تومان

چاپ و صحافی : فراز اندیش سبز

آدرس نویسنده : <http://m5736z.blog.ir> لطفا پیام ارسال نمایید

آدرس کتاب های منتشر شده: <http://zarepoorketab.blog.ir>

حق چاپ برای مؤلف محفوظ است

مقدمه ی مؤلف

سخنان شگفت از پیامبر امی یکی از دلایلی که باعث شد عده ای زیادی از مردمان بر پیامبر ایمان بیاورند، این بود که پیامبر ما با اینکه از کسی چیزی نیاموخته بودند، چطور میتوانستند چنان حرفهای عجیبی بزنند؟ چطور می تواند مردم را از گذشته و آینده و حال آگاه سازد؟ چطور این چنین شخصی میتواند این گونه سخنانی بر زبان جاری سازد، مردم را پند و اندرز دهد، از سایر پیامبران بگوید، شرح اقوامی که در گذشته دچار عذاب و یا نعمت الهی گشته اند را بدهد، از روز رستاخیز سخن بگوید و.....؟

این خود یک معجزه بود، معجزه ای بس بزرگ و جاوید به طوریکه تمام پیامبران تا مدتی زیستند و برای اثبات حرفهای خود معجزه ای آوردند و پس از درگذشت آنان معجزاتشان نیز به همراه آنان می رفت ولی پیامبر گرامی معجزه ای جاوید برای ما و جهانیان به ارمغان آورد که تا قیامت و بعد از آن نیز جاوید خواهد ماند.

قرآن و فصاحت و بلاغت

قرآن همچون دیگر کلامها از کلمات تشکیل شده است. هندسه کلمات قرآن به گونه ای است که نه می توان کلمات آنرا با کلمات دیگر جایگزین نمود و نه می توان نظیر عبارات و جملات بی بدیل قرآنی، جمله ای آورد. اسلوب قرآن سابقه ندارد؛ یعنی نه پیش از آن کسی بدین سبک سخن گفته و نه پس از آن کسی را یارای رقابت و مبارزه با قرآن است. قرآن، کلام فصاحت است، اما فصاحتی بالاتر از فصاحت های فنی که علوم بلاغت از آن سخن می راند .

قرآن، آهنگی متناسب با عوالم معنوی دارد. آهنگی که نه در چارچوب نثر می آید و نه همگونی و هماهنگی با شعر دارد. از امور شگفت دیگر آنکه پس از تأمل در سیاق قرآن، از یک نظر تصور می شود که الفاظ آن در ساختار و ترتیب تابع معانی اند و از نظر دیگر چنین می نماید که در آن، معانی پیرو الفاظ اند و همواره این تبدیل رأی و

کشمکش نظر وجود دارد. با دقت نظر در الفاظ و معانی قرآن، فکر بر یک جهت مستقر نمی شود و معلوم نخواهد شد که تمایل کدامیک بیشتر است .

از دیگر نکات حیرت آور اینکه، کلام خود پیامبر که قرآن بر زبان او جاری شده بروشنی با قرآن متفاوت است. سخنان آن حضرت از خطبه و دعا و حدیث، هیچ کدام رنگ و بوی قرآن را ندارد؛ همچنین سخنان حضرت علی، که آینه تمام نمای فصاحت و بلاغت است برای مثال علی علیه السلام در ضمن خطبه‌های فصیح خود، هر جا آیه‌ای از قرآن می آورد، آن آیه کاملاً متمایز است و لذا تحدی قرآن و دعوت برهانی آن همچنان و برای همیشه پابرجاست. استعمارگران آمریکا و انگلیس و گردانندگان بازی سیاست جهان، قرن‌هاست که برای زیر سلطه درآوردن کشورهای اسلامی و غارت ثروت آنان و تضعیف عظمت اسلام، به طور آشکار و نهان با قرآن مبارزه می کنند . مدعیان پیروی مسیحیت و کذابان کلیسانشین، هر سال اموال گزافی را در تضعیف عقاید مسلمین و مبارزه با اسلام هزینه می کنند، اما هیچ کدام جرأت آن را در خود ندیده‌اند که هیئتی از سخنوران جهان را تشکیل دهند و به فریاد همیشه برقرار تحدی قرآن پاسخ گویند و حتی یک سوره چون قرآن بیاورند.

الفاظ قرآن همچون دانه‌های یک تسبیح‌اند! قرآن مجموعه‌ای کامل از معارف، فضایل اخلاقی، قوانین اجتماعی، قصص، تاریخ، اخبار غیبی و ... است که طی ۲۳ سال در حالات و شرایط و مکان های مختلف (مکه، مدینه، حضر، سفر، جنگ، صلح و ...) نازل شده. ولیکن کوچکترین اختلاف و تناقض و فساد مضمون و سخافت بیان در آن یافت نمیشود و حسن اسلوب و سلاست و حلاوتی که در اول آن مشاهده میگردد؛ تا پایان آن حفظ گشته است . قرآن کریم از ابعاد و زوایای مختلف مانند وضع قوانین، طرح مسائل تاریخی، پیشگویی‌ها و اخبار غیبی، علوم روز و مسائل ناشناخته علمی در عصر قرآن، معارف و طرح مسائل عقیدتی و... معجزه است.

جلوه‌هایی از حقیقت قرآن از دیدگاه نهج البلاغه

قرآن، تنها کتاب آسمانی در اختیار انسان

امام علی (علیه السلام) در بیش از بیست خطبه نهج البلاغه به معرفی قرآن و جایگاه آن پرداخته است و گاه بیش از نصف خطبه به تبیین جایگاه قرآن و نقش آن در زندگی مسلمانان و وظیفه آنان در قبال این کتاب آسمانی اختصاص پیدا کرده است. قرآن در دسترس و جلوی روی همه می باشد. بر خلاف کتب آسمانی ادیان دیگر از قبیل کتاب حضرت موسی و حضرت عیسی علیهما السلام، قرآن در اختیار شماست.

امم گذشته و بخصوص در بین یهود بنی اسرائیل کتاب مقدس در اختیار عموم مردم نبوده؛ بلکه تنها نسخه‌های محدودی از تورات در نزد علمای یهود موجود بوده و برای عموم امکان مراجعه به تورات وجود نداشته است.

درباره کتاب آسمانی حضرت عیسی وضع از این هم نگران کننده‌تر بوده و هست؛ زیرا آنچه امروز به نام انجیل در میان مسیحیان شناخته می‌شود کتابی نیست که بر حضرت عیسی مسیح نازل شده؛ بلکه مطالبی است که به دست افرادی گردآوری و به نام اناجیل اربعه معروف شده است. بنابراین امم پیشین از دسترسی به کتب آسمانی محروم ماندند. اما وضعیت در مورد قرآن متفاوت است. کیفیت نزول قرآن و قرائت و تعلیم آن از جانب پیامبر صلی الله علیه و آله به گونه‌ای بود که مردم می‌توانستند آن را فرا بگیرند و آیاتش را حفظ کنند و قرآن به طور کامل در دسترسشان باشد.

از دیگر ویژگی‌های مهم این کتاب آسمانی آن است که خداوند متعال بر امت اسلام منت نهاده و خود، حفظ قرآن کریم را از هر گونه تهدیدی به عهده گرفته **انا نحن نزل الذكر و انا له لحافظون**. بعلاوه پیامبر اکرم به قدری به فراگیری مسلمانان و حفظ آیات الهی اهتمام داشتند که در همان زمان رسول الله، عده زیادی از مسلمانان حافظ قرآن بودند و نسخه‌هایی از آیاتی که جدید نازل می‌شد در اختیار داشتند و به

تدریج آنها را حفظ می‌کردند و به هر حال از طریق تکثیر این نسخه‌ها یا نقل سینه به سینه از حافظی به حافظ دیگر، قرآن در اختیار همگان قرار می‌گرفت. حضرت علی علیه‌السلام می‌فرماید: **کتاب الله بین اظهرکم؛** کتاب خدا در میان شماست، در دسترس شماست. **ناطق لا یعی لسانه.** این کتاب گویاست و زبانش به کندی نمی‌گراید، از سخن گفتن خسته نمی‌شود و هرگز لکنت پیدا نمی‌کند، بنایی است که پایه هایش فرو نمی‌ریزد و پیروزمندی است که یارانش شکست نمی‌خورند.

سخن گفتن قرآن امام علی علیه‌السلام از سویی در مورد اوصاف قرآن در نهج‌البلاغه می‌فرماید: این کتاب کتاب ناطق است؛ خودش سخن می‌گوید؛ از سخن گفتن خسته نمی‌شود. سخن و مطلب خویش را به روشنی بیان می‌کند و از دیگر سوی، می‌فرماید این قرآن، ناطق نیست؛ باید آن را به سخن درآورد و من هستم که این قرآن را برای شما تبیین می‌کنم. و گاه در بعضی از تعابیر آمده است که قرآن صامت ناطق؛ قرآن ساکت است و در عین حال ناطق (نهج‌البلاغه، خطبه ۱۴۷)

براستی معنای این سخن چیست؟ به نظر می‌رسد این تعبیر بیانگر دو نگاه متفاوت به این کتاب آسمانی است که در یک نگرش قرآن کتابی مقدس، ولی خاموش در گوشه‌ای نشسته است و با کسی سخن نمی‌گوید و کسی با او ارتباطی ندارد و از نگاهی دیگر کتابی است گویا که همه انسان‌ها را مخاطب خویش قرار داده است و آنها را به پیروی از خود فرامی‌خواند و به پیروان خود نوید بهروزی و سعادت می‌دهد.

بدیهی است قرآنی که تنها وصف آن تقدس باشد و بس، کلمات و جملات و آیاتی است منقوش بر صفحاتی از کاغذ که مسلمان‌ها به آن احترام می‌گذارند، آن را می‌بوسند و آن را در بهترین جای خانه خویش نگه می‌دارند و گاه در مجالسی بدون توجه به حقیقت و معانیش آن را تلاوت می‌کنند. اگر با این دید به قرآن بنگریم، قرآن کتاب صامتی است که با صوت محسوس سخن نمی‌گوید

و کسی که چنین نگرشی به قرآن دارد هرگز سخنی از قرآن نخواهد شنید و قرآن کریم مشکلی از او حل نخواهد کرد. بنابراین ما موظفیم به نگرش دوم روی بیاوریم؛ یعنی قرآن را کتاب زندگی بدانیم و با ایجاد روحیه تسلیم در برابر خدای متعال، خود را برای شنیدن سخنان قرآن کریم که تمامی آنها دستورات زندگی است آماده کنیم. در این صورت است که قرآن ناطق و گویاست؛ با انسان‌ها سخن می‌گوید و آنها را در تمام زمینه‌ها راهنمایی می‌کند. حضرت می‌فرمایند قرآن صامت است و باید آن را به سخن درآورد و این من هستم که قرآن را برای شما تبیین می‌کنم.

در عین حال چنین نیست که مضامین همه آیات آن برای انسان‌های عادی قابل فهم و دسترسی باشد و خود مردم بدون تفسیر و تبیین پیامبر صلی الله علیه و آله و امامان معصوم علیهم السلام و راسخین در علم بتوانند به مقاصد آیات نایل شوند. به عنوان مثال، تفصیل و تبیین جزئیات احکام در قرآن نیامده است، همچنین آیاتی از قرآن کریم مجمل است و نیاز به تبیین و توضیح دارد. بنابراین قرآن از بسیاری از جهات صامت است یعنی برای انسان‌های عادی، بدون تفسیر و تبیین کسی که با غیب ارتباط دارد و به علوم الهی آگاه است قابل استفاده نیست.

پیامبر و تبیین قرآن یکی از وظایف پیامبر صلی الله علیه و آله نسبت به امت، تبیین آیات الهی است. قرآن کریم خطاب به پیامبر می‌فرماید **وَ أَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الذِّكْرَ لِتُبَيِّنَ لِلنَّاسِ مَا نُزِّلَ إِلَيْهِمْ وَ لَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ** نحل، ۴۴

بشد حجتی و کتابی عطا

که بر هر رسولی ز سوی خدا

که گوئی به خلق آنچه ایزد نمود

بیامد به سوی تو قرآن فرود

درین دین برحق تدبّر کنند

که شاید که یک دم تفکر کنند

ما قرآن را بر تو نازل کردیم و وظیفه توست که قرآن را مردم بخوانی و معارف آن را برای ایشان تبیین نمایی؛ معارف آنچنان عمیق است که برای انسان‌های عادی چندان

قابل فهم نیست، بنابراین آیات قرآن تفسیری خاص خود دارند که این تفسیر و تبیین و علوم آن نزد پیامبر و ائمه معصومین علیهم السلام است آنها نیز معارف قرآن را در اختیار مسلمان‌ها گذاشتند و پیام قرآن را به گوش مردم رسانیدند .

پس قرآن به این اعتبار ناطق است و پیامبر و ائمه علیهم السلام معارف قرآن را بیان فرمودند. لکن باید توجه داشت که قرآن سخن خویش را اعم از خوشایند مخاطب بیان می‌کند، خواه موافق خواهش دل او، یا مخالف هوای نفس انسان باشد. و نیز شیاطین انس حق ندارند خواسته‌های خود را بر قرآن تحمیل کنند و به اسم برداشت خود از قرآن، کلام خداوندی را به رای خود تفسیر کنند،

بنابراین در این فراز از سخن، علی علیه السلام قرآن را چنین معرفی می‌کند که، قرآن این کلام الهی در بین شماست و پیوسته با لسانی گویا و رسا انسان‌ها را به فلاح و رستگاری فرا می‌خواند و پیروانش را به سعادت و خوشبختی نوید می‌دهد و از انجام رسالت خویش هرگز خسته نمی‌شود.

در خطبه ۱۵۷ در وصف قرآن کریم چنین می‌فرماید: **ذلک القرآن فاستنطقوه و لن ینطق و لکن اخبركم عنه، الا ان فیه علم ما یاتی، و الحدیث عن الماضي، و دواء دائکم، و نظم ما بینکم هان،** این قرآن است، پس از او بخواهید تا برای شما سخن بگوید در حالی که هرگز قرآن (بدون تبیین و تفسیر پیامبر و امام معصوم صلوات الله علیهم سخن نخواهد گفت. شما باید با معارف قرآن آشنا شوید و علوم قرآن را از آنها دریافت کنید. قرآن دریای معارف و علوم الهی است که غواصی در این دریای عمیق و بی انتها و صید گوهرهای انسان ساز آن تنها از عهده کسانی برمی آید که با غیب عالم هستی در ارتباطند و خدای متعال نیز از مردم خواسته تا با توسل به ذیل عنایت پیامبر و ائمه هدی علیهم السلام و استفاده از علوم اهل بیت و کمک و راهنمایی آن بزرگواران به معارف بلند قرآن راه یابند .

حال که امام معصوم علیه السلام می باید علوم و معارف قرآن را برای مسلمانان بیان کند و خود قرآن سخن نمی گوید و مردم خود نیز قادر نیستند مستقیماً پیام های الهی را دریافت کنند. اکنون: **اخبركم عنه؛** من شما را از قرآن آگاه می کنم و از علوم و معارف قرآن به شما خبر می دهم. بدانید تمام آنچه مورد نیاز شماست در قرآن کریم است: **الا ان فيه علم ما ياتي و الحديث عن الماضي و دواء دوائكم و نظم بينكم** علم گذشته و آینده در قرآن است و درمان درد شما و راه نظم و سامان امورتان در قرآن است. این شما هستید که باید با استفاده از قرآن کریم و علوم اهل بیت علیهم السلام به امور خود سامان بخشید.

ذکر دو نکته

۱. قرآن مهمترین سند تاریخی برای مسلمانان است. آنجا که قرآن از تاریخی سخن می گوید و تفکرات و معتقدات اقوام و ملل پیشین و روش زندگی و سرگذشت آنها را بیان می کند، معتبرترین سند تاریخی است و در مقایسه با کتب و مطالب تاریخی، که سند قرآنی ندارد، گرچه به صورت تواتر نقل شده باشد، ارزش و اعتبار آنها در حد قرآن نیست. این ما هستیم که باید با مراجعه به قرآن و مطالعه داستان زندگی اقوام و ملل پیشین از آنها درس عبرت گرفته، زندگی خود را بر اساس حق و روش صحیح سامان بخشیم.

۲. قرآن کریم علاوه بر آن که تاریخ گذشتگان را برای ما نقل می کند و با بیان حوادثی که برای آنان رخ داده است ما را در فضای زندگی آنها قرار می دهد و از ما می خواهد که درس عبرت بگیریم، از آینده نیز خبر می دهد. بدیهی است سخن علمی و یقینی راجع به آینده گفتن کار کسی جز خداوند متعال و کسانی که به اذن او از آینده خبر دارند نیست. این خداست که آینده و گذشته و حال برایش معنا ندارد و می تواند راجع به آینده سخن بگوید و از آن خبر دهد، اوست که می تواند راه را برای بندگانش روشن کند که چگونه رفتار کنند تا به سعادت برسند. این قرآن کریم است که از گذشته و

آینده خبر می‌دهد و انسان را نسبت به آن آگاه می‌کند. **الا این فیه علم ما یاتی و الحدیث عن الماضي** آگاه باشید که علم آنچه می‌آید و آنچه گذشته است در قرآن کریم است.

نقش قرآن در زندگی حضرت علی علیه السلام کلید حل همه مشکلات را قرآن معرفی می‌کند و در وصف آن می‌فرماید **و دواء دائکم ما بینکم**؛ دواي درد و راه حل مشکلات شما و راه سامان بخشیدن به امورتان در قرآن است. قرآن داروی شفابخشی است که همه دردها را درمان می‌کند و با وجود قرآن دردها و ناراحتی‌ها التیام می‌یابد. باید این نسخه شفابخش را خواند و آن را به دقت مطالعه کرد و با راه درمان دردها و مشکلات فردی و اجتماعی آشنا؛ شد. بدیهی است قبل از احساس و شناختن درد و مشکل، سخن گفتن از درمان، خارج از مسیر طبیعی است. امروز در جامعه ما مشکلات فراوانی اعم از فردی و اجتماعی وجود دارد که همه خواهان رفع این مشکلاتند و با این که پیشرفت‌های چشم‌گیری در زمینه‌های مختلفی وجود داشته، حضرت در این خطبه می‌فرمایند: **و دواء دائکم و نظم ما بینکم**؛ قرآن نسخه درمان دردها و مشکلات شماست، و در خطبه ۱۸۹ با این تعبیر که **و دواء لیس و بعده داء** می‌فرمایند: قرآن دارویی است که بعد از آن دردی باقی نمی‌ماند.

باید با تمام وجود باور داشته باشیم که درمان حقیقی دردها و مشکلات ما، اعم از فردی و اجتماعی، در قرآن است. همه ما به این مطلب اقرار می‌داریم؛ لکن مراتب ایمان و یقین افراد متفاوت است. هر چند هستند کسانی که با تمام وجود باور داشته باشند که اگر به قرآن روی بیاورند و معارف و راهنمایی‌های آن را به کار بندند، گاه کسانی در اثر ناآگاهی و یا کج اندیشی ممکن است این فکر انحرافی را مطرح کنند که با وجود این که قرآن در اختیار ماست و مدعی پیروی از آن هستیم پس چرا هزاران مشکل فردی، اجتماعی، اخلاقی و فرهنگی رنج می‌برند؟

قرآن؛ راهنمای خطوط کلی بسیار ساده انگارانه به نظر می آید که کسی انتظار داشته باشد قرآن مانند کتاب حل المسائل، دردها و مشکلات فردی و اجتماعی را یکی بیان کند و سپس راه حل آنها را به ترتیب توضیح دهد. قرآن با سرنوشت ابدی انسان سر و کار دارد و هدف قرآن فلاح و رستگاری انسان در دنیا و آخرت است.

در این عرصه، قرآن کریم راه‌های کلی و خطوط اصلی را به ما نشان می‌دهد که با به کار بستن آنها می‌توانیم زندگی سعادت‌مندان‌ای داشته باشیم، این خطوط کلی چراغ‌هایی هستند که جهت سیر و حرکت را نشان می‌دهند.

لکن باید توجه داشته باشیم که برای رسیدن به سعادت و رستگاری در دنیا و آخرت و رفع مشکلات و تحقق جامعه‌ای مترقی و در عین حال دینی و اسلامی، خداوند متعال دو وسیله در اختیار انسان قرار داده است: یکی دین و دیگری عقل.

قرآن خطوط اصلی ترقی و تکامل انسانی را روشن می‌کند و جامعه اسلامی موظف است با نیروی تفکر و اندیشه و استفاده از تجارب علمی دیگران (حتی غیر مسلمانان) را منع نمی‌کند؛ بلکه علم را ودیعه الهی می‌داند و مسلمانان را به آموختن آن تشویق می‌کند. پیامبر صلی الله علیه و آله جهت ترغیب و تشویق مسلمانان به یادگیری علوم می‌فرماید: **اطلبوا العلم و لو بالصین** دانش بیاموزید و از تجارب علمی دیگران بهره‌مند شوید هر چند برای تحقق این منظور پیمودن مسیری بس طولانی لازم باشد.

البته امروزه روابط بین المللی، بسیار پیچیده است و کشورهای استکباری و قدرت‌های اهریمنی با انواع حيله‌ها و ابزارهای گوناگون تکنولوژی، اقتصادی، و به طور کلی با استفاده از محصولات تجارب علمی بشر در صددند تا روابط سلطه جویانه خود را تحکیم بخشند، لکن ما باید با ذکاوت بسیار، بدون این که از اهداف اسلامی و قرآنی خود کم‌ترین عقب نشینی کنیم از نتایج علوم بشری در زمینه‌های مختلف در راه بهبود وضع اقتصادی و رفع مشکلات معیشتی مردم بهره جوییم.

اولین فرمان، فرمان فرهنگی ... الَّذِي عَلَّمَ بِالْقَلَمِ ۴ عَلَّمَ الْإِنْسَانَ مَا لَمْ يَعْلَمْ ۵

خدائی که چون آفرید از عدم
ترا دانش آموخت خود با قلم
به انسان بیاموخت علم از نهفت
هرآنچه ندانست او را بگفت

از افتخارات اسلام این است که کارش را با قرائت و علم و قلم شروع کرد. و اولین فرمان خداوند به پیامبرش فرمان فرهنگی بود. آنجا که موضوع خواندن و یادگیری و قلم مطرح است، خود را اکرم خوانده است. **اقْرَأْ وَرَبُّكَ الْأَكْرَمُ ۳**

همیشه بخوان این کتاب مبین **خدايست خود اکرم الاکرمين**

خداوند، آنجا که به مسأله آفرینش انسان نظر دارد، خود را کریم خوانده است :
يَا أَيُّهَا الْإِنْسَانُ مَا غَرَّكَ بِرَبِّكَ الْكَرِيمِ . الَّذِي خَلَقَكَ فَسَوَّاكَ فَعَدَلَكَ انفطار ۶ و ۷

ترا چیست ای آدمی این غرور
به درگاه رب کریم و غفور
خدائی که از هیچ دادت وجود
چنینت بیاراست زیبا نمود

ولی آنجا که موضوع خواندن و یادگیری و قلم مطرح است، خود را اکرم خوانده است.
اقْرَأْ بِاسْمِ رَبِّكَ الَّذِي خَلَقَ ۱ خَلَقَ الْإِنْسَانَ مِنْ عَلَقٍ ۲ اقْرَأْ وَرَبُّكَ الْأَكْرَمُ ۳

بنام خدایت بخوان کافرید **ز نطفه بیاورد انسان پدید**



محتوا و مطالب قرآن کریم

توحید: محتویات و مطالب قرآن مجید را دو نوع می توان بیان کرد: از مجموع (۶۲۳۶) حدود (۱۳۰۰) آیه درباره توحید و خداشناسی است. اعم از وجود خدا، وحدانیت و صفات او.

و اینکه خلقت عالم و اداره آن در دست خداست و جهان، تک محوری، یک قطبی و یک کانونی است **الله لا اله الا هو** بیان ذات خدا، صفات خدا، یگانگی خدا و آنچه باید خدا از آن منزّه باشد. و آنچه باید خدا به آن متصف باشد صفات ثبوتیه و سلبيه.

معاد: حدود (۱۴۰۰) آیه درباره معاد، قیامت، مرگ و برزخ، حشر و نشر، بهشت و جهنم و خلود است .

احکام: حدود (۵۰۰) آیه درباره احکام است. از قبیل حلال و حرام، تجارت، جنگ و صلح، قصاص، احکام: نماز، روزه، زکات، خمس، حج، نذر، سوگند، بیع، رهن، نکاح، هبه، حقوق زوجین، حقوق والدین، طلاق، ظهار، وصیت، ارث، حدود، قضاوت، ثروت، مالکیت، حکومت، شورا، حق فقرا و غیره

انبیاء: حدود (۲۰۰۰) آیه در حالات انبیاء، امتها و پیروزی حق بر باطل می باشد. حوادث و وقایع ۲۳ ساله بعثت رسول اکرم صلی الله علیه و آله .

و بقیه آیات، درباره اخلاق، مواعظ، امثال و نظیر آنها است.

سرگذشت پیامبران: یا انسانهایی که وحی الهی را دریافت کرده و به انسانهای دیگر ابلاغ نموده اند. و میدان حق و باطلی که به وسیله آنها به وجود آمده است .

اما به طور مشروح:

۱ - ملائکه، یعنی واسطه های فیض و نیروهای با شعور و آگاه، همچنین جن و شیاطین .

۲ - معجزات و خوارج عادات انبیا علیهم السلام و تایید کتب آسمانی مخصوصا

- تورات و انجیل و تصحیح اغلاط آن دو، و امثال این مطالب .
- ۳ - جهان و قوانین پایدار جهان، ناپایداری زندگانی دنیا و عدم صلاحیت آن اینکه ایده آل مطلوب باشد.
- ۴ - توصیف قرآن در حدود پنجاه صفت : تسبیح موجودات جهان و نوع آگاهی درون موجودات، تسبیح به خالق و آفریننده خودشان .
- ۵ - ترغیب و تشویق برای ایمان به خدا و معاد، و ملائکه، پیامبران و کتب آسمانی
- ۶ - خلقت آسمانها، زمین، کوهها، دریاها، گیاهان، حیوانات، ابر، باد، باران، شهابها، و غیره و خلقت همه عالم .
- ۷ - دعوت به پرستش خدای یگانه و اخلاص در عبادت. کسی و چیزی را برای خدا شریک قرار ندادن.
- ۸ - احتجاجها و استدلالها در مورد خدا، قیامت، پیامبران و نقل خبرهای عینی در ضمن احتجاجها.
- ۹ - تقوی، پارسى، و تزکیه نفس، توجه به نفس اماره و خطر وساوس نفسانی و شیطانی و نظیر آن.
- ۱۰ - اخلاق فردی: شجاعت، استقامت، صبر، عدالت، احسان، محبت، ذکر خدا، محبت خدا، شکر نعمت ترس از خدا، توکل به خدا، رضای خدا، تسلیم در برابر امر خدا، تعقل و تفکر، صدق و امانت و ...
- ۱۱ - اخلاق اجتماعی ، از قبیل : اتحاد، توصیه بر حق و صبر، تعاون در نیکیها، امر به معروف و نهی از منکر، جهاد با مال و جان در راه خدا و تشویق بر اطعام مساکین و غیره .
- ۱۲ - توصیف کلی در همه اعصار از سه گروه : مؤمنین، کافرین و منافقین .

در قرآن دنبال چه باید گشت؟

قال علی علیه السلام : **وَ فِي الْقُرْآنِ نَبَأُ مَا قَبْلِكُمْ وَ خَبْرُ مَا بَعْدِكُمْ وَ حُكْمٌ مَا بَيْنَكُمْ** (نهج البلاغه حدیث ۳۱۳) سرگذشت نسلهای پیشین شما، و خبرهای مربوط به نسلهای آینده شما، و احکام و دستورات مربوط به اموری که بین شما جاری است، همه در قرآن آمده است. آنچه انسان، در زندگی این جهانی خود به آن نیازمند است، به طور کلی، خارج از این سه مورد نیست:

۱- نخست، می خواهد بداند که پدران و مادران و نیاکان او، در گذشته، چگونه بوده، چگونه زیسته اند، چه ها می اندیشیده، چه سرانجامی داشته، و در چه وضعی و حالی در گذشته و عاقبت آنان چه شده است.

۲- آنگاه، می خواهد بداند که پس از مرگ او، دنیا چه صورتی خواهد داشت، و نسلهای آینده در چه اوضاع و شرایطی خواهند زیست، و احوال آنها، در دنیای آینده چگونه خواهد بود. (البته این منظور از آینده می تواند اعم از آینده دنیا بوده و آخرت را نیز شامل شود)

۳- و سپس می خواهد بداند در حال حاضر، در دوران بین گذشته و آینده، که خود در آن زندگی می کند، با مردم چگونه باید رفتار کند، و اموری را که بین او و دیگران جاری است، چگونه سر و سامان دهد، تا به راه نادرست نرود و در طریق آسایش و رستگاری گام بردارد.

قرآن مجید، کلام الهی و آسمانی ما مسلمانان، کتاب سازنده و روشنگری است که این سه موضوع مهم و حیاتی را، برای ما، به روشنی و بدون تردید یا ابهام، توضیح داده است. پس ما، اگر می خواهیم با درک و آگاهی زندگی کنیم و در منجلا ب گمراهیها فرو نرویم، و به سوی سعادت گام برداریم، باید قرآن را به دقت بخوانیم، معنی آن را درک کنیم و مفاهیم آن را دستور زندگی خویش قرار دهیم، و دستورات و احکام آن را به کار بندیم.

عظمت قرآن کریم

إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةٍ مُبَارَكَةٍ دُخَانٌ ۳ قرآن کریم از سه جهت دارای عظمت است:

۱. ذات آنکه سخن الهی است. ۲. نزول آن در شب پر برکت شب قدر است.

۳. محل نزول آن که قلب مبارک پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله است.

مجد و شرافت قرآن کریم وَ اللَّهُ مِنْ وَرَائِهِمْ مُحِيطٌ , بَلْ هُوَ قُرْءَانٌ مَجِيدٌ , فِي لَوْحٍ

مَحْفُوظٍ بروج ۲۰ تا ۲۲

| | | |
|------------------------------|----|-----------------------------|
| فرستاد تا ره کند آشکار | ۳ | که آن را مبارك شبی کردگار |
| بود آگه از فکر و احوال و کار | ۲۰ | محیط است بر کارشان کردگار |
| کتابی که از سوی یزدان رسید | ۲۱ | بلی هست قرآن کتابی مجید |
| شده ثبت با این شکوه و کمال | ۲۲ | که در لوح محفوظ آن ذوالجلال |

جد و شرافت قرآن بسیار است . از جمله :

۱ یکی از دو ثقلین است که تمسک به آن مایه ی سعادت بشر است .

۲ معجزه ی جاویدان پیامبر تا دامنه ی قیامت است .

۳ به بهترین و محکمترین راه ها هدایت می کند إِنَّ هَذَا الْقُرْآنَ يَهْدِي لِلَّتِي هِيَ أَقْوَمُ

همانا که قرآن شود راهبر به راهی کز آن نیست پاینده تر

۴ یکی از شفعا ی روز قیامت است .

۵ تلاوت هر سوره ی آن، بلکه هر آیه ی آن از فضیلت خاصی برخوردار است .

توصیف قرآن در ۵ جمله

امام علی علیه السلام در بخشی از خطبه ۱۸ نهج البلاغه به توصیف قرآن مجید می پردازد

و در پنج جمله کوتاه و بسیار پرمعنا حقایق زنده ای را درباره اهمیت قرآن بیان می کند

قرآن ظاهرش بسیار زیبا و شگفت آور است **وَ إِنَّ الْقُرْآنَ ظَاهِرُهُ أُنِيقٌ .**

این جمله اشاره به فصاحت و بلاغت قرآن دارد، الفاظش بسیار موزون، تعبیرات بسیار حساب شده و آهنگ آیات، آهنگی مخصوص به خود دارد که هر قدر انسان آن را بخواند و تکرار کند هرگز خسته نمی شود. و باطن آن عمیق است **وَ بَاطِنُهُ عَمِيقٌ**. غالباً پرداختن به زیبایی های ظاهر، انسان را از عمق معنا دور می سازد و این حقیقتی است که انسان در قرآن مجید به روشنی در می یابد که ظاهرش فوق العاده آراسته، روح پرور، جذّاب و دلپذیر است و باطنش فوق العاده عمیق و پرمحتواست. ژرفا و عمق قرآن آن گونه است که هرچه، قویترین اندیشه ها درباره آن به کار بیفتد باز پایان نمی گیرد. چرا چنین نباشد در حالی که تراوش وحی الهی است و کلام خدا همچون ذات پاکش بی انتهاست. نه تنها ظلمت جهل و تاریکی کفر و بی ایمانی و بی تقوایی، بلکه ظلمات در صحنه زندگی اجتماعی و سیاسی و اقتصادی نیز بدون تعلیمات قرآن از میان نخواهد رفت

نکات شگفت آور قرآن هرگز فانی نمی شود و اسرار نهفته آن هرگز پایان نمی پذیرد **لَا تَفْنِي عَجَائِبُهُ، وَلَا تَنْقُضِي غَرَائِبُهُ** اشاره به جاودانگی و ابدی بودن شگفتیها و زیباییها و حقایق برجسته قرآن می کند، چرا که کتابهای زیادی را می توان نام برد که در عصر خود، بسیار شگفت آور و جالب بودند ولی با گذشت زمان گرد و غبار کهنگی بر آنها نشست و شگفتیهایش بی رنگ شد ولی قرآن هرگز چنین کتابی نیست چرا که تمام کسانی که با آن آشنايند همیشه از مطالعه و بررسی در الفاظ و معانی لذت می برند. جمله دوّم اشاره به اسرار نهفته قرآن است که با گذشت زمان هر روز بخش تازه ای از آن آشکار می گردد. ظلمات و تاریکی ها جز در پرتو نور قرآن برطرف نخواهد شد! **وَ لَا تُكْشَفُ الظُّلُمَاتُ إِلَّا بِهِ**. ژرفا و عمق قرآن آن گونه است که هرچه، قویترین اندیشه ها درباره آن به کار بیفتد باز پایان نمی گیرد. چرا چنین نباشد در حالی که تراوش وحی الهی است و کلام خدا همچون ذات پاکش بی انتهاست.

امروز با این که دنیا از نظر صنایع، فوق العاده پیشرفت کرده، ولی با این حال انواع ظلمتها بر جامعه بشری سایه شوم خود را گسترده است، جنگها و خونریزیهها، ظلم و بی عدالتیها، فقر و بدبختی و از همه مهمتر ناآرامی های درونی همه جا را فراگرفته و تمام اینها نتیجه مستقیم ضعف ایمان و تقوا و فقر اخلاقی و معنوی است که بهترین راه درمان آن پناه بردن به قرآن است. از همه اسفناک تر رها کردن قرآن و پناه بردن به آرای ظنی و افکار قاصر بشری در زمینه احکام است که گروهی از مسلمانان به خاطر دور بودن از قرآن گرفتار آن شدند.

قرآن ارثیه برای بندگان برگزیده ما (خدا)

خدای متعال در آیه ۳۲ فاطر به حاملان قرآن، این کتاب بزرگ آسمانی اشاره کرده همان کسانی که بعد از نزول قرآن بر قلب پاک پیامبر صلی الله علیه و آله این مشعل فروزان را هم در آن زمان و هم در قرون و اعصار دیگر، حفظ و پاسداری نمودند. می فرماید: سپس، این کتاب آسمانی را به گروهی از بندگان برگزیده خود به ارث دادیم تعبیر به ارث. **ثُمَّ أَوْرَثْنَا الْكِتَابَ الَّذِينَ اصْطَفَيْنَا مِنْ عِبَادِنَا فَمِنْهُمْ ظَالِمٌ لِنَفْسِهِ وَمِنْهُمْ مُقْتَصِدٌ وَمِنْهُمْ سَابِقٌ بِالْخَيْرَاتِ بإذنِ اللَّهِ ذَٰلِكَ هُوَ الْفَضْلُ الْكَبِيرُ**

| | |
|------------------------------|-------------------------------|
| وز آن مردمانی که حق آفرید | گروهی از آن بندگان را گزید |
| که خود ارث قرآن بر آنها نهاد | کتابی الهی به آنها بداد |
| ولی باز از آنها گروهی به ظن | بکردند بس ظلم بر خویشان |
| گروهی برفتند بر خیر و داد | نبردند حق را زمانی زیاد |
| که فضل بزرگ الهی است این | که آورده اندش به دست این چنین |

ارث به چیزی گفته می شود که : بدون داد و ستد و زحمت به دست می آید، و خداوند این کتاب بسیار بزرگ را این گونه در اختیار مسلمانان قرار داد. در اینجا روایات فراوانی از طرق اهل بیت (علیهم السلام) وارد شده، که در همه آنها بندگان برگزیده خدا، به امامان معصوم (علیهم السلام) تفسیر شده است.

به گواهی قرآن مجید، خداوند بزرگ، مواهب عظیمی به امت اسلامی داده، که از مهمترین آنها همین میراث بزرگ الهی قرآن است.

امت مسلمان را بر سایر امم برگزیده، و این نعمت را به آنها داده، ولی به همان نسبت که آنها را مورد لطف خاص خویش قرار داده، مسئولیت سنگین نیز بر عهده آنها گذارده است.

تنها در صورتی می توانند، حق پاسداری این میراث عظیم را انجام دهند که، در صف **سابقین بالخیرات** (فاطر ۳۲) در آیند.

یعنی از تمام امتهای در انجام نیکیها پیشی گیرند، در فراگیری علم و دانش سبقت جویند، در تقوا و پرهیزگاری، در عبادت و خدمت به خلق، در جهاد و کوشش، در نظم و حساب، و در ایثار و فداکاری، در همه این امور پیشگام باشند، در غیر این صورت، حق آن را ادا نکرده اند. مخصوصاً تعبیر به سابقین بالخیرات.

آن چنان مفهوم وسیع و گسترده ای دارد که، تقدم در همه جنبه های مثبت زندگی، اعمال نیک را شامل می شود.

آری، حاملان چنان میراثی تنها چنین کسانی می توانند باشند.

حتی آنها که به این هدیه بزرگ آسمانی پشت می کنند، و حرمتش را نگاه نمی دارند، به مصداق **ظالم لنفسه** بر خویشان ستم می کنند.

چرا که محتوای آن چیزی جز نجات و خوشبختی و پیروزی آنها نیست، آن کس که نسخه شفابخشی را پشت سر می افکند، به ادامه درد و رنج خود کمک کرده، و آن کس که، به هنگام طی طریق ظلمانی چراغ روشن خود را می شکند، خویشان را به بیراهه و پرتگاه سوق می دهد، چرا که خداوند از همگان بی نیاز و مستغنی است.



آثار و خواص قرآن

در حقیقت قرآن به عنوان آخرین وحی الهی که بر افضل انبیاء نازل شده ، نور هدایت ابدی برای بشر و تجلی کلام خداوند می باشد.

قرآن؛ شاهد زنده بر نبوت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و قویترین برهان بر حقانیت او و دلیل دائمی و حجت همیشگی به شمار می آید. قرآن؛ مهمترین سرمایه معنوی یک مسلمان است که با داشتن آن، همواره سرفراز و از بیگانگان بی نیاز و دست نیاز دیگران به سوی او دراز است.

قرآن؛ ارزنده ترین اندوخته ای است که در رویدادهای خطرناک زندگی و هجوم امواج سهمناک کفر و الحاد و انحراف و کج روی، انسان را نجات می دهد و خیر و صلاح و رشد او را تاءمین می کند. قرآن گرانقدرترین موهبت خدایی و گوهر گرانبهایی است که منشاء آثار سعادت انسانی می شود و در پرتو آن ، می توان از چنگال عفریت جهل رها گردید و به کمال مطلوب دنیا و آخرت نائل شد و با ملکوتیان و جهان ابدیت نیز رابطه برقرار کرد.

قرآن؛ فرشته نجات و پاره کننده بندهای اسارت از گردن توده گرفتار و بی نوا و برقرار کننده نظام های صحیح و مجری عدالت اجتماعی و کوبنده اساس شخص پرستی و اختلاف طبقاتی و خاموش کننده فریادهای گوش خراش ضلالت و گمراهی و زنده کننده روش های ستوده و کرامت های اخلاقی است .

قرآن؛ در بردارنده اصول قوانین اجتماعی و انفرادی بشر، از قبیل عبادات، تجارات، نکاح و غیره است .

قرآن دستور دهنده عادلانه است که اصول و وظایف زندگی بشر را از آغاز تا انجام بیان فرموده و تمام دستورات و قوانین این کتاب مقدس آسمانی بر پایه عقل و منطق استوار است .

مسئولیت ما در برابر قرآن

۱. **شناخت مفاهیم قرآن** ما باید خود را بشناسیم (و کشف کنیم و دریابیم) که انسان هستیم. انسانی که استعدادها و نیازهای مادی و معنوی دارد و از ابعاد گوناگون برخوردار است. باید قرآن را بشناسیم و ابعاد گوناگون سیاسی، فرهنگی، اخلاقی، اجتماعی، عقیدتی، تجاری و اقتصادی اش را کشف کنیم

خداوند متعال کسانی را که قرآن می خوانند، اما در آیاتش تدبر و تفکر نمی کنند، مورد سرزنش قرار داده؛ یک انسان آگاه که دین و (قرآن) را نیک شناخته و فهمیده باشد در برابر شیطان و موانع کمال از هزار عابد (بدون شناخت و فهم) محکمتر است آنکه دائما قرآن بخواند ولی آن را نشناسد و در مفهوم آن تفکر نکند، مانند کسی است که در شب ظلمانی، چراغ را در پشت سر خود قرار داده و در بیابان پرفراز و نشیب حرکت کند. آیا یک چنین انسانی چراغ برایش سودی دارد؟ آیا او با چنان موقعیتی به مقصد می رسد؟!

۲. عمل به دستوره‌های آن

باید قرآن همواره در صحنه زندگی‌مان حضور داشته باشد و عملاً ما را از تاریکی‌ها به سوی نور هدایت کند چنانکه قرآن به طور مکرر به این مسأله مهم تصریح کرده
الر . كِتَابٌ أَنْزَلْنَاهُ إِلَيْكَ لِتُخْرِجَ النَّاسَ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ بِإِذْنِ رَبِّهِمْ إِلَى صِرَاطِ
الْعَزِيزِ الْحَمِيدِ ابراهیم ۱

| | |
|-----------------------------|----------------------------|
| الف لام را هست آغاز کار | که رمزیست از جانب کردگار |
| کتابیست قرآن که یکتا خدا | فرستاد سوی تو ای مصطفی (ص) |
| که تا مردمان را به امر غفور | ز ظلمات بیرون بری سوی نور |
| ترا رهنمای خلائق گزید | به راه خدای عزیز و حمید |

فضیلت قرآن

در عالم هستی هیچ کتابی در فضیلت و برتری به پایه قرآن نمی رسد؛ زیرا نه تنها قرآن خلاصه و عصاره تعلیمات همه انبیاء الهی است، بلکه از همه موجودات آفرینش برتر و والاتر است. **پیامبر** صلی الله علیه و آله **القرآن افضل کل شیء** دون الله فضیلت قرآن به جز خدا از همه چیز برتر و بالاتر است. فضیلت قرآن از همه کتاب های آسمانی بیشتر و بالاتر است؛ زیرا کتاب های دیگر آسمانی برای برهه ای از زمان و مردم خاصی فرود آمده بود اما قرآن برای همه زمان ها تا روز قیامت و برای همه انسان ها در همه مکان ها حتی برای غیر انسان ها مانند جن نازل شده است.

قرآن بهترین کلام و هدیه اوست، و نیز تکلم خدا با بشر است

انسان عاقل و فهمیده به هیچ عنوان حاضر نیست بین او و قرآن فاصله بیفتد. مگر نه این است که گوش و چشم انسان می خواهند لذت ببرند. چرا لذت را با شنیدن و دیدن آیات و کلام الهی تامین نکنند تا بخواهند از راه باطل چشم و گوش را به لذت مادی سرگرم کنند. اگر برای انسان، روشن و واضح شد که قرآن، هم کلام الهی و هم تکلم خداوند با بشر است، چرا به استقبال آن نمیشتابد! اگر کسی مزاج روحی خود را با گناه مسموم کند از شهد و شیرینی قرآن لذت نمی برد. چرا که گناهان مانع می شوند وی طعم گواری کلام الهی را بچشد. قرآن اثر جود و بخشش الهی است که بر قلب بهترین افراد بشر نازل شده، پیامبر فرمود: قرآن در گمراهی، مایه هدایت و در نابینایی، مایه روشنی و موجب بخشش لغزش ها است. قرآن انسان را از نابودی حفظ می کند و از انحراف رهایی می بخشد. فتنه ها را روشن می سازد آدمی را از دنیا به آخرت می رساند و کمال دین در آن نهفته است. هر کس از قرآن فاصله گرفت در آتش افتاده. قرآن همان قانون خدایی و ناموس آسمانی است که اصلاح دین و دنیای مردم را به عهده گرفته و سعادت جاودانی آنان را تضمین کرده. آیات آن سرچشمه هدایت، راهنمایی و کلماتش معدن ارشاد و رحمت.

آشنایی با قرآن

قرآن را به کمک خود قرآن باید شناخت. آیات قرآن مجموعاً یک ساختمان به هم پیوسته اند و اگر یک آیه از آیات قرآن را جدا کنیم و بخواهیم تنها همان یک آیه را بفهمیم، شیوه درستی اتخاذ نکرده ایم. آیات قرآن برخی مفسر برخی دیگرند و همانگونه که برخی مفسران بزرگ گفته اند، ائمه اطهار علیه السلام این روش تفسیری را تأیید کرده اند. قرآن در بیان مسائل شیوه ای ویژه دارد. در بسیاری موارد اگر یک آیه از قرآن را انتخاب و اخذ کنید بدون آنکه آن را بر آیات مشابه عرضه بدارید، مفهومی پیدا می کند که با مفهوم همان آیه در کنار آیات هم مضمون، به کلی متفاوت است. قرآن کریم مخزن معارف، گنجینه علوم الهی و از این جهت نیز در میان همه کتب آسمانی بی رقیب است کتاب هدایت و تبیان کل شیء است. وَ نَزَّلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ تَبْيَانًا لِكُلِّ شَيْءٍ وَ هُدًى وَ رَحْمَةً وَ بُشْرَىٰ لِلْمُسْلِمِينَ **نحل ۸۹**

ترا داد یزدان کتابی مبین که روشن کند شیوه حق و دین

بود هادی و رحمت مؤمنان دهد مژده بر مسلمان جهان

اندیشمندان و دانشوران هر کدام به سهم خویش در این بحر ژرف و عمیق، به غور پرداخته و بقدر توانایی خود در زمینه معارف و علوم آن قلم فرسایی نموده اند؛ والحق که هر آیه بلکه هر جمله ای از این کتاب بی همتا، سرفصل نوینی برای معارف الهی است. عظمت و اعجاز جاوید قرآن مجید بر کسی پوشیده نیست. این کتاب آسمانی ناسخ ادیان و مذاهب گذشته و نجات بخش بشریت در حال و آینده است. در مقام والا و ممتاز قرآن کریم همین بس که معاندین، منافقین و دشمنان قسم خورده آن، هرگز نتوانسته اند در تحریف آن موفق شوند، قرآن مجید بیش از ۱۴ قرن است که زنده و زندگی بخش است و به حیات الهی خود ادامه می دهد و همواره بزرگترین تحول آفرین را در جوامع بشری ایفا کرده است.

سیمای قرآن به روایت قرآن (۱)

۱- قرآن: إِنَّ عَلَيْنَا جَمْعَهُ وَقُرْآنَهُ . فَإِذَا قَرَأْنَاهُ فَاتَّبِعْ قُرْآنَهُ . قیامت ۱۷-۱۸،

که ما جمع کردیم آیات آن نمودیم بر تو یکاریک بیان

بخواندیم چون بر تو قرآن خویش تو راه اطاعت همی گیر پیش

۲- تنزیل: إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا عَلَيْكَ الْقُرْآنَ تَنْزِيلًا . انسان ۲۳،

کتابیست قرآن چه والامقام به سویت فرستاد یزدان تمام

۳- حدیث: اللَّهُ نَزَّلَ أَحْسَنَ الْحَدِيثِ كِتَابًا مُتَشَابِهًا مَثَانِي تَفْشَعِرُ مِنْهُ جُلُودُ الَّذِينَ

يَخْشَوْنَ رَبَّهُمْ . زمر ۲۳،

فرستاده قرآن، خدای جهان احادیث برتر نهفته در آن

مشابه بود آیه هایش چو هم که تکرار گردد همی دم به دم

کسانی که ترسند از کردگار چو خوانند قرآن پروردگار

بر اندامشان لرزه افتد ز بیم دگرباره تسکینشان می دهیم

۴- تذکره: وَإِنَّهُ لَتَذِكْرَةٌ لِّلْمُتَّقِينَ . الحاقة / ۴۸،

کتابی که دادست پروردگار بود مایه پند پرهیزکار

۵- ذکری: وَ جَاءَكَ فِي هَذِهِ الْحَقُّ وَ مَوْعِظَةٌ وَ ذِكْرٌ لِّلْمُؤْمِنِينَ . هود / ۱۲۰،

که خود راه حق و ره راستی شود بر تو معلوم بی کاستی

بر افراد مؤمن تذکر بود که خود مایه پند و عبرت شود

۶- شفاء: وَ لَوْ جَعَلْنَاهُ قُرْآنًا أَعْجَمِيًّا لَقَالُوا لَوْ لَا فُصِّلَتْ آيَاتُهُ ءَ أَعْجَمِيٌّ وَ عَرَبِيٌّ قُلْ

هُوَ لِلَّذِينَ آمَنُوا هُدًى وَ شِفَاءً . فصلت ۴۴،

اگر بر زبان عجم رب جود مبارك کتابش فرستاده بود

بگفتند کفار یکتا خدا
که آیات، روشن نباشد چرا
مگر نازل آید به قوم عرب
کتابی به لفظ عجم، ای عجب؟
بر افراد مؤمن کتاب خدا
ز بهر هدایت رسید و شفا

۷- حکم: وَ كَذَلِكَ أَنْزَلْنَاهُ حُكْمًا عَرَبِيًّا. رعد / ۳۷،

کتابی که لبریز حکمت بود
به تازی زبان بر تو نازل شود

۸- حکمت: وَ اذْكُرْنَ مَا يُتْلَىٰ فِي بُيُوتِكُنَّ مِنْ آيَاتِ اللَّهِ وَالْحِكْمَةِ. احزاب / ۳۴،

از آنچه که در خانه های شما
تلاوت شود ز آیه های خدا
بگیرید بسیار اندرز و پند
که افتد شما را بسی سودمند

۹- حکیم: ذَلِكَ نَتْلُوهُ عَلَيْكَ مِنَ الْآيَاتِ وَالذِّكْرِ الْحَكِيمِ. آل عمران / ۵۸،

پس این آیه هائی که رب کرام
برای تو می خواند ای نیکنام
بود ز آیه های خدای کریم
بود ذکر پروردگار حکیم

۱۰- مهیمن: وَ أَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ مُصَدِّقًا لِمَا بَيْنَ يَدَيْهِ مِنَ الْكِتَابِ وَ مُهَيِّمًا عَلَيْهِ. مائده / ۴۸،

کتابی که اینک فرستاده ایم
به حق ای محمد (ص) تو را داده ایم
که بر آن کتب نیز کامد ز پیش
گواهی ببخشد به تصدیق خویش
ز پیشین کتب نیز کامل ترست
بر آن هرکه زد چنگ ز آتش برست

۱۱- هادی: فَقَالُوا إِنَّا سَمِعْنَا قُرْآنًا عَجَبًا. جن ۱ يَهْدِي إِلَى الرُّشْدِ فَآمَنَّا بِهِ ۲،
که از جنیان عده ای در نهان
شنیدند آیات قرآن عیان
شنیدند با رغبت و شور و تب
بگفتند بادا ز قرآن عجب
کند مردمان را هدایت به راست
کتابی که از سوی یکتا خداست

۱۲- نور: وَ اتَّبِعُوا النُّورَ الَّذِي أُنزِلَ مَعَهُ أُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ. اعراف / ۱۵۷،
به نوری که بر او بیامد فرود
بگشتند مؤمن به دور وجود

به تحقیق هستند خود رستگار که رحمت ببینند از کردگار

۱۳- رحمت: وَإِنَّهُ لَهْدَىٰ وَرَحْمَةً لِّلْمُؤْمِنِينَ نمل ۷۷

هدایت نماید به آیین راست که بر مؤمنان رحمتی از خداست

۱۴- حق: وَإِنَّهُ لَحَقُّ الْيَقِينِ. حاقه ۵۱،

همانا که این گفته قولیست راست در انجام آن نیست نقصی و کاست

۱۵- بصائر: بَصَائِرٍ لِلنَّاسِ وَهُدًى وَرَحْمَةً لَّعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُونَ. قصص ۴۳،

هدایت کند مردمان را به راست کتابی که لطفی زیکتا خداست

امیدست مردم بگیرند پند به جان و دل آیات را بشنوند

۱۶- مجید: ق وَالْقُرْآنِ الْمَجِيدِ. ق ۱

قسم خورد یزدان در این آیتش به قاف و به قرآن با عزتش

۱۷- عزیز: إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا بِالذِّكْرِ لَمَّا جَاءَهُمْ وَإِنَّهُ لَكِتَابٌ عَزِيزٌ فصلت ۴۱،

کسانی که کافر به قرآن شدند چه بسیار نادان و جاهل بُدند

اگرچند قرآن یکتا خدا کتابیست با عزّی انتها

۱۸- عظیم: وَ لَقَدْ آتَيْنَاكَ سَبْعًا مِّنَ الْمَثَانِي وَالْقُرْآنَ الْعَظِيمَ حجر ۸۷ منظور سوره حمد

بدادیم سبع المثنی تو را کتابی چو قرآن عظیم و سزا

۱۹- کریم: وَإِنَّهُ لَقُرْآنٌ كَرِيمٌ. واقعه ۷۷،

همانا که قرآن بود سودمند کتابی کریم است سرشار پند

۲۰- سراج: وَ دَاعِيًا إِلَى اللَّهِ بِأَذْنِهِ وَ سِرَاجًا مُنِيرًا. احزاب ۴۶،

به دستور و با اذن پروردگار خلائق بخوانی سوی کردگار

چراغ فروزان عالم شوی که روشن کنی جاده رهروی

۲۱- بشیر: كِتَابٌ فُصِّلَتْ آيَاتُهُ قُرْآنًا عَرَبِيًّا لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ . بَشِيرًا وَ نَذِيرًا فَأَعْرَضَ أَكْثَرُهُمْ فَهُمْ لَا يَسْمَعُونَ. فصلت ۳ و ۴،

کتابی که آیاتش از سوی رب
 فرستاده شد بر زبان عرب
 بر اندیشمندان صاحب مقام
 فرستاد ایزد مبارك کلام
 دهد مژده بر نیکوان این کتاب
 بدان را بترسانی از عذاب
 ولی اکثر خلق رو برکنند
 ز بشنیدن پند آن سرزنند

۲۲- صراط: اهدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ. حمد ۶ ،

رهبریمان به راه راست نمای [که بُود مُنتهی به نور و صفای]

درخواست هدایت به راه راست (خدایا خودم را به خودم بنما؛ طلب می کنیم که ما
 را به خودمان بشناساند. خودشناسی ، خداشناسی)

۲۳. فَمَنْ يَكْفُرْ بِالطَّاغُوتِ وَيُؤْمِنْ بِاللَّهِ فَقَدِ اسْتَمْسَكَ بِالْعُرْوَةِ الْوُثْقَى ، بقره ۲۵۶

پس آن کس که از سرکشی دست سُست بگردید مؤمن به ایزد درست
 زده دست بر رشته ای استوار که همواره دارد ثبات و قرار

۲۴. أَيُّهَا النَّاسُ قَدْ جَاءَكُمْ بُرْهَانٌ مِنْ رَبِّكُمْ:، نساء ۱۷۴

برای شما آمد از کردگار پس ای خلق، بُرهان بس آشکار

۲۵. اِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا الذِّكْرَ وَاِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ حجر ۹

جو قرآن خود را فرستاد حق حفاظت نماید خودش ز آن ورق

۲۶. وَاَنْزَلْنَا اِلَيْكَ الذِّكْرَ لِتُبَيِّنَ لِلنَّاسِ مَا نُزِّلَ اِلَيْهِمْ وَ لَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ ، نحل ۴۴

بیامد به سوی تو قرآن فرود که گوئی به خلق آنچه ایزد نمود

که شاید که يك دم تفکر کنند درین دین برحق تدبر کنند

۲۷. فَقَدْ جَاءَكُمْ بَيِّنَةٌ مِنْ رَبِّكُمْ وَ هُدًى وَ رَحْمَةٌ، انعام ۱۵۷

کنون بر شما نیز از کردگار فرستاده شد حجتی آشکار

ستمکارتر از چنین شخص کیست که می گوید آیات از الله نیست

۲۸. وَ كَذَّبَ لَكَ أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ رُوحاً مِنْ أَمْرِنَا مَا كُنْتَ تَدْرِي مَا الْكِتَابُ وَلَا الْإِيمَانُ وَلَكِنْ جَعَلْنَاهُ نُوراً نُوراً نَهْدِي بِهِ مَنْ نَشَاءُ مِنْ عِبَادِنَا، شوری ۵۲

همین گونه هم روحی از امر خویش به وحی به سویت فرستیم پیش
بلی پیش از این وحی کامد تو را چه دانسته بودی کتاب خدا
کی آگاه بودی تو از این کلام کدامست خود راه ایمان کدام ؟
و لیکن خدا این ره و رسم دین مقرر نمودی چو نوری مبین

۲۹. هَذَا ابْلَاحٌ لِلنَّاسِ وَ لِيُنذِرُوا بِهِ وَ لِيَعْلَمُوا، ابراهیم ۵۲

که قرآن یکی حجت روشن است که بر مؤمنان آیتی متقن است
بدان بیم یابند مردان نیک بدانند یزدان ندارد شریک
۳۰. الرِّكْتَابُ أَنْزَلْنَاهُ إِلَيْكَ لِتُخْرِجَ النَّاسَ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ ابراهیم ۱،

الف لام را هست آغاز کار که رمزیست از جانب کردگار
کتابیست قرآن که یکتا خدا فرستاد سوی تو ای مصطفی (ص)
که تا مردمان را به امر غفور ز ظلمات بیرون بری سوی نور

۳۱. حِكْمَةٌ بِالْعَهْدِ فَمَا تُغْنِ النُّذُرُ، قمر ۵

کتابیست قرآن مبارک مقام بود حکمتی بالغه در کلام
از این بیشتر حرف و اندرز و پند نخواهد بیفتد دگر سودمند

۳۲. وَ نَزَّلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ تَبْيَاناً لِكُلِّ شَيْءٍ نحل ۸۹

ترا داد یزدان کتابی مبین که روشن کند شیوه حق و دین

۳۳. وَ تَمَّتْ كَلِمَةُ رَبِّكَ صِدْقاً وَ عَدْلًا لَا مُبَدَّلَ لِكَلِمَاتِهِ وَ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ انعام ۱۱۵

رسیدست گفت خداوند، حال به صدق و عدالت به حد کمال
چنین آیه ها را دگر هیچ کس نشاید نماید کنون پیش و پس
که یزدان نیوشنده هست و سمیع علیم است و دارای علمی وسیع

۳۴. وَ هُدًى وَ بُشْرَى لِّلْمُؤْمِنِينَ ، بقره ۹۷

دهد مزده بر مؤمنان خدا هدایت نماید به راهی سزا

۳۵. الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَنْزَلَ عَلَى عَبْدِهِ الْكِتَابَ وَ لَمْ يَجْعَلْ لَهُ عِوَجًا ، كهف ۱

ستایش بود خاص یکتا خدا که بر بنده خاص خود مصطفی

کتابی فرستاد این سان گران که نقصی نبودست هرگز در آن

۳۶. فَأَمِنُوا بِاللَّهِ وَ رَسُولِهِ وَ النُّورِ الَّذِي أَنْزَلْنَا وَ اللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ تغابن ۸

بیارید ایمان به یکتا خدا همین سان به پیغمبرش مصطفی

به نوری که ایزد فرستاده است برای تمسک برآرید دست

بترسید، چون کردگار بصیر بر آنچه نمایید باشد خیر

۳۷. يَا أَيُّهَا النَّاسُ قَدْ جَاءَكُمْ مَوْعِظَةٌ مِّنْ رَبِّكُمْ وَ شِفَاءٌ لِّمَا فِي الصُّدُورِ يونس ۵ ،

الا مردمان پُر ز اندرز و سود کتابی بیامد از ایزد فرود

که دلهایتان را ببخشد شفا نماید پر از لطف و نور و صفا

۳۸. فِي صُحُفٍ مُّكْرَمَةٍ . مَرْفُوعَةٍ مُّطَهَّرَةٍ ، عبس ۱۴، ۱۳

میان مکرم صحف ماندگار شده ثبت آیات پروردگار

که اوراق آن هست والامقام ز هر عیب پاکیزه باشد تمام

در صحیفه‌های نوشته شده از لوح محفوظ، گرمی کرده شده نزد خدای، یا صحف انبیاء. (صفحه های قرآن در پیشگاه خداوند، دارای جایگاهی بلند و ارزشی والا است.)

۳۹. كَذَلِكَ لِنُثَبِّتَ بِهِ فُؤَادَكَ ، فرقان ۳۲

که آرام سازیم روحت به آن شود مطمئن قلبت از آن بیان

چنین بود علت که پروردگار به ترتیب کرد آیه ها آشکار

۴۰. بِالْبَيِّنَاتِ وَالزُّبُرِ وَأَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الذِّكْرَ لِتُبَيِّنَ لِلنَّاسِ مَا نُزِّلَ إِلَيْهِمْ وَلَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ
نحل ۴۴

که بر هر رسولی ز سوی خدا
بشد حجتی و کتابی عطا
بیامد به سوی تو قرآن فرود
که گوئی به خلق آنچه ایزد نمود
که شاید که یک دم تفکر کنند
درین دین برحق تدبر کنند

۴۱. وَأَنَّ هَذَا صِرَاطِي مُسْتَقِيمًا فَاتَّبِعُوهُ ، انعام ۱۵۳ ،

ره راست این است و راه نکوی
بگردید از این روش راه جوی

۴۲. فَبَشِّرْ عِبَادِ الَّذِينَ يَسْتَمِعُونَ الْقَوْلَ فَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ ، زمر ۱۸ ،

کسانی که چون حرف حق بشنوند
نکوکار گردند و صالح شوند
همین بندگانند تا کردگار
هدایت بفرمودشان آشکار

۴۳. قِيمًا لِيُنذِرَ بَأْسًا شَدِيدًا مِمَّنْ لَدُنْهُ وَيُبَشِّرَ الْمُؤْمِنِينَ الَّذِينَ يَعْمَلُونَ الصَّالِحَاتِ أَنَّ لَهُمْ أَجْرًا حَسَنًا كَهْف ۲

شده ثبت در این مبارک کتاب
بترساند این خلق را از عذاب

همه مؤمنان نکوکار را
بشارت دهد خوش به اجری سزا

۴۴. وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا ، آل عمران ۱۰۳ حبل=کتاب

برآن رشته دین پروردگار
توسل نمایید جمله به کار

۴۵. قُلْ أَوْحَىٰ إِلَيَّ أَنَّهُ اسْتَمَعَ نَفَرٌ مِّنَ الْجِنِّ فَقَالُوا إِنَّا سَمِعْنَا قُرْآنًا عَجَبًا ، جن ۱ ،

بگو ای پیمبر ز یزدان دین
مرا وحی گردیده است این چنین

که از جنیان عده ای در نهان
شنیدند آیات قرآن عیان

شنیدند با رغبت و شور و تب
بگفتند بادا ز قرآن عجب

۴۶. ذَلِكَ أَمْرُ اللَّهِ أَنْزَلَهُ إِلَيْكُمْ ، طلاق ۵ ،

چنین است فرمان یکتا خدا
بگردیده نازل از آن رهنما

۴۷. وَ هَذَا كِتَابٌ أَنْزَلْنَاهُ مُبَارَكٌ مُصَدِّقٌ لِّذِي بَيْنَ يَدَيْهِ أَنْعَامٌ ۹۲،

کتابیست قرآن مبارک نهاد که آن را یگانه خداوند داد

که دیگر کتب را بگردد گواه که هستند آنها زیکتا اله

۴۸. وَ أَمَّا بِنِعْمَةِ رَبِّكَ فَحَدِّثْ ، ضحی ۵،

بگو نعمت کردگارت مدام به مردم که این هست (کتاب) شکر تمام

۴۹. قُلْ إِنَّمَا أُنذِرُكُمْ بِالْوَحْيِ وَ لَا يَسْمَعُ الصُّمُّ الدُّعَاءَ إِذَا مَا يُنذَرُونَ، انبیاء ۴۵،

بگو بر شما وحی را خوانده ام ز خشم خداوند ترسانده ام

ندارد ولی پند و اندرز سود که گوش کر، آن را نخواهد شنود

۵۰. ذَلِكَ الْكِتَابُ لَا رَيْبَ فِيهِ هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ ، بقره ۲،

کتابیست قرآن زیکتا خدا که هرگز در آن نیست شکی روا

همه متقین را به آئین راست هدایت نماید که «راهی سزاست»

۵۱. كِتَابٌ أَنْزَلْنَاهُ إِلَيْكَ مُبَارَكٌ لِيَدَّبَّرُوا آيَاتِهِ وَ لِيَتَذَكَّرَ أُولُوا الْأَلْبَابِ ، صافات ۲۹

کتابیست قرآن مبارک نهاد که بر تو بدادیم ای مرد راد

که در آیه هایش تعقل کنند به هوش و به دانش تأمل کنند

هرآن کس که او هست صاحب خرد بسی پند و اندرز از آن برد

۵۲. لَوْ أَنْزَلْنَا هَذَا الْقُرْآنَ عَلَىٰ جَبَلٍ لَّرَأَيْتَهُ خَاشِعًا مُّتَصَدِّعًا مِّنْ خَشْيَةِ اللَّهِ حشر ۲۱

اگر ما کتابی چنین باشکوه فرستاده بودیم بر سنگ و کوه

بدیدی ز ترس خدای جلیل چسان کوه، خاشع شدی و ذلیل

چنین نیک تمثیل را ما عیان نمائیم بهر خلائق بیان

۵۳. إِنَّهُ لَقَوْلُ فَضْلٍ . وَ مَا هُوَ بِالْهَزْلِ ، طارق ۱۳،

که قرآن کلامیست بی کاستی جدا می کند باطل از راستی

ز گفتار هزل و ز گفتار خام نباشد نشان در مبارك كلام

۵۴. أَفَلَا يَتَذَكَّرُونَ الْقُرْآنَ أَمْ عَلَى قُلُوبٍ أَقْفَالُهَا ، محمد ۲۴

نخواهند آیا تعقل کنند در آیات قرآن تأمل کنند

پس آیا به دلهای خود کافران نهادند قفلی بزرگ و گران

۵۵. تَبَارَكَ الَّذِي نَزَّلَ الْفُرْقَانَ عَلَى عَبْدِهِ لِيَكُونَ لِلْعَالَمِينَ نَذِيرًا ، فرقان ۱

بزرگ است یزدان که فرقان کتاب فرستاد بر عبد خود بر صواب

که تا خلق را از یگانه خدا بترساند و نیز روز جزا

۵۶. وَ مَا كَانَ هَذَا الْقُرْآنُ أَنْ يُفْتَرَى مِنْ دُونِ اللَّهِ وَ لَكِنْ تَصْدِيقَ الَّذِي بَيْنَ يَدَيْهِ وَ تَفْصِيلَ الْكِتَابِ لِأَرْبَبٍ فِيهِ مِنْ رَبِّ الْعَالَمِينَ يونس ۳۷

همانا که قرآن كلام خداست نه جز او کس دیگری را سزااست

که تصدیق کرد آن کتب را که پیش فرستاده الله از سوی خویش

که آیات خود را بدین سان عیان بر این مردمان می نماید بیان

۵۷. لَا يَأْتِيهِ الْبَاطِلُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَ لَا مِنْ خَلْفِهِ تَنْزِيلٌ مِّنْ حَكِيمٍ حَمِيدٍ فصلت ۴۲

نه از هیچ راهی نه در هیچگاه ندارد در آن باطلی هیچ راه

از آن رو که از کردگاری رسید که بسیار باشد حکیم و حمید

۵۸. إِنَّ هُوَ إِلَّا ذِكْرٌ لِلْعَالَمِينَ تکویر ۲۷

که قرآن نباشد جز اندرز و پند گر اهل جهان پند آن بشنوند

۵۹. وَ لَقَدْ ضَرَبْنَا لِلنَّاسِ فِي هَذَا الْقُرْآنِ مِنْ كُلِّ مَثَلٍ لَّعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُونَ زمر ۲۷

ز بهر هدایت مثلهای ناب خداوند آورد در این کتاب

که شاید بگیرند اندرز و پند بود آنکه با گوش جان بشنوند

۶۰. قُرْآنًا عَرَبِيًّا غَيْرَ ذِي عِوَجٍ لَّعَلَّهُمْ يَتَّقُونَ. زمر ۲۸

کتابیست قرآن ز درگاه رب که گفته شده با زبان عرب

که در آن نبودست ناراستی

نه سستی در آنست نه کاستی

که مردم بگردند پرهیزکار

بگردند مؤمن به پروردگار

۶۱. قُلْ لِّئِنِ اجْتَمَعَتِ الْإِنْسُ وَالْجِنُّ عَلَىٰ أَنْ يَأْتُوا بِمِثْلِ هَذَا الْقُرْآنِ لَا يَأْتُونَ بِمِثْلِهِ وَ
لَوْ كَانَ بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ ظَهِيراً اسراء ۸۸

بگو ای پیمبر اگر جن و انس

بگردند خود متفق هر دو جنس

که آرند بلکه کتابی چنین

همانند آیات قرآن مبین

نگردند پیروز پایان کار

اگر نیز با هم بگردند یار

۶۲. وَ لَقَدْ صَرَّفْنَا لِلنَّاسِ فِي هَذَا الْقُرْآنِ مِنْ كُلِّ مَثَلٍ فَأَبَىٰ أَكْثَرُ النَّاسِ إِلَّا الْكُفُورًا اسراء ۸۹

همانا که قرآن بدین وصف حال

بگردیده سرشار از هر مثال

ولی مردمان غیر کفر و غرور

ز هر چیز دیگر بمانند دور



درباره قرآن و بخشی از روایات

قال رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ :

۱. **الجدال في القرآن كفر**. نهج الفصاحه، ص ۲۷۸ مجادله کردن در قرآن کفر است .
۲. **فضل القرآن على سائر الكلام كفضل الله على خلقه**. فضیلت و برتری قرآن بر سایر کلام ها مانند فضیلت و برتری خدا است بر مخلوقاتش. مستدرک الوسائل ج ۱،
۳. **القرآن افضل كل شيء دون الله**. الکافی، ج ۲، ص ۲۳۸ قرآن افضل از هر چیزی است جز ذات اقدس الهی.

۴. **القرآن هدی من الضلالة و تبیان من العمی و استقالة من العشرة و نور من الظلم و ضیاء من الاحداث و عصمة من الملائكة و رشد من الغوابة...** کافی، ج ۲، ص ۴۳۹
قرآن راهنمای از تاریکی است به سوی روشنایی و روشنگر و بینا کننده است از کوری و نجات دهنده است از گرفتاری و نوری است برای رهایی از ظلمت و تاریکی، روشنایی است از حادثه ها و پاکی است از ملائکه و متعالی است از پستیها و راهنمایی است از دنیا به سوی آخرت، کمال دین شما در او است و کسی از قرآن جدا نمی شود مگر این که به سوی آتش برود.

۵. **كتاب الله فيه نبأ ما قبلكم و خبر ما بعدكم و حکم ما بینکم هو الفصل ليس بالهزل هو الذي من تركه من جبار قصمه الله و من ابتغى الهدى في غيره اخله الله فهو حبل الله المتين**. مجمع البیان، ج ۱، ص ۱۶ در قرآن است خبر از ماقبل و مابعد شما و حکم و دستور در میان شما، او بزرگی است که بیهوده در او نیست، او کتابی است که هر کس آن را ترک کند، خدا او را ترک می کند و کسی که بخواهد هدایت را از غیر آن، خدا او را ذلیل می کند، او ریسمان محکم الهی است.

۶. **ان هذا القرآن هو النور المبين و الحبل المتين و العروة الوثقى و الدرجة العليا و الشفاء الاشفي و الفضلية الكبرى و السعادة العظمی**. بحار الأنوار، ج ۹۲، ص ۳۱ به

درستی که این قرآن نوری است آشکار و ریسمانی محکم، پناهی مطمئن و مقامی بالا، شفای شفاخواهان و فضیلتی بزرگ و سعادت عظمی است.

قال امیرالمومنین علی علیه السلام :

۷. ان الله سبحانه انزل كتاباً هادياً بين فيه الخير والشر نهج البلاغه خ ۱۶۷ همانا خداوند سبحان کتابی هدایت گر فرستاد که خیر و شر را آشکارا در آن بیان فرمود.

۸. ثم انزل عليه (انزل علی نبیه محمد) الكتاب نوراً لا تطفأ مصابيحہ و سراجاً لا یخبوا توقدہ و بحراً لیدرک قعرہ و منهاجاً لا یضل نهجہ و شعاعاً لا یظلم ضوؤہ و فرقاناً لا یخمه برهانه و تبیاناً لا تهدم ارکانہ. نهج البلاغه، خطبه ۱۹۸ سپس خدا قرآن را بر پیامبر صلی الله علیه و آله نازل فرمود، قرآن نوری است که خاموشی ندارد، چراغی است که درخشندگی آن زوال نپذیرد، دریایی است که ژرفای آن درک نشود، راهی است که رونده آن گمراه نگردد، شعله ای است که نور آن تاریک نشود، جدا کننده حق و باطلی است که درخشش برهانش خاموش نگردد، بنایی است که ستون های آن خراب نشود.

۹. ان القرآن ظاهره انیق و باطنه عمیق لا تفنی عجائبه و لا تنقضی غرائبہ و لا تكشف الظلمات الا به. نهج البلاغه، خطبه ۸۳ به راستی که قرآن ظاهرش زیبا و نیکو و باطن آن عمیق است که از بین نمی رود، شگفتیهای آن زائل نشده و چیزهای نامأنوس آن تمام نمی شود و تاریکی های جهالت گشوده نمی شود مگر با قرآن.

۱۰. کتاب الله بین اظهرکم ناطق لا یعی لسانه و بیت لا تهدم ارکانه و عز لا تهزم اعوانه نهج البلاغه خ ۱۳۳ کتاب خدا که در بین شما است گوینده ای است که زبانش ازگفتن حقایق خسته نمی شود و خانه ای است که ارکانش تا ابد از تندباد حوادث در امان است و عزیزی است که پیروان و یارانش هرگز شکست نمی خورند.

۱۱. و اعلموا ان القرآن هو الناصح الذی لا یعش و الهادی الذی لا یضل و المحدث

الذی لا یکذب و ما جالی القرآن احدُ الا قام عند بزیادة او نقصان زیادة فی هدی
او نقصان من عمی نهج البلاغه خ ۱۷۶ بدانید که همانا قرآن پندآموزی است که در کار
او فریب وجود ندارد و هدایت گری است که گمراه نمی کند و سخنگویی است که
دروغ نمی گوید، هیچ کسی نزد قرآن نمی نشیند مگر این که وقت بلند شدن و جدا
شدن در او زیادت و یا نقصانی ایجاد شود، زیادی در هدایت و نقصان در جهل و بی
خبری او .

۱۲. ان الله سبحانه لم یعظ احداً بمثل هذا القرآن فانه حبل الله المتین و سببه
الامین، و فیه ربیع القلب و ینابیع العلم و ما للقلب جلاء غیره مع انه قد ذهب
المتذکرون... نهج البلاغه، خطبه ۱۷۶ همانا خدا سبحان کسی را به چیزی چون قرآن
پند نداده که قرآن ریسمان استوار خدا و وسیله ایمنی بخش است. در قرآن بهار دل
و چشمه های دانش است، برای قلب جلائی جز قرآن نتوان یافت، به خصوص در
جامعه ای که بیدار دلان رفته اند و غافلان و تغافل کنندگان حضور دارند. پس اگر
خیری دیدید از قرآن یاری بگیرید و زمانی که شر و بدی دیدید با قرآن از او جدا شوید
و از کنارش بروید .

۱۳. القرآن آمرٌ زاجدٌ و صامتٌ ناطقٌ حجة الله علی خلقه اخذ علیه میثاقهم و ارتهن
علیه انفسهم اتم نوره و اکمل به دینه. نهج البلاغه، خطبه ۱۸۳ قرآن فرماندهی باز
دارنده، و ساکتی گویا و حجت خدا بر مخلوقات است. خداوند پیمان عمل کردن به
قرآن را از بندگان گرفته و آنان را در گرو دستوراتش قرار داده است. نورانیت قرآن را
تمام و دین خود را به وسیله آن کامل فرمود .

۱۴. فهو معدن الایمان و بحبوخته و ینابیع العلم و بحوره و ریاض العدل و غدراؤه
و ائافی الاسلام و بنیانه و اودیة الحق و غیطانه و بحرٌ لا ینزفه المستنزفون
نهج البلاغه، خ ۱۹۸ قرآن معدن ایمان و اصل آن است و چشمه های دانش و دریای
علوم است، سرچشمه عدالت و نهر جاری عدل است، پایه های اسلام و ستون محکم
آنست، نهرهای جاری زلال حقیقت و سرزمین های آنست. دریایی است که تشنگان

آن آبش را تمام نتوانند کشید و چشمه ای است که آبش کمی ندارد، محل برداشت آبی است که هر چه از آن بردارند کاهش نمی یابد و منزلی است که مسافر آن را فراموش نخواهند کرد.

۱۵. القرآن غنی لا غنی دونه و لا فقر بعده. مجمع البیان، ج ۱، ص ۱۵ قرآن ثروتی است که پس از او ثروتی نیست و فقر و گرفتاری ای بعد از آن وجود ندارد.

۱۶. امام سجاده علیه السلام: آیات القرآن خزائن (العلم) فكلما فُتحت خزائنه ینبغی لك ان تنظر ما فیها. آیات قرآن خزائن و مخزنهایی هستند برای علم، پس هر زمان که باز شدند، سزاوار است بر تو تا بنگری که در آن چیست (و از آن علم گیری) کافی ج ۲
۱۷. لو مات من بین المشرق و المغرب لما استوحشتُ بعد ان یکون القرآن معی کافی، ج ۲، ص ۶۰۲ امام سجاده: اگر همه مردمی که ما بین مشرق و مغرب هستند بمیرند من از تنهایی هراس نکنم بعد از آن که قرآن با من باشد.

۱۸. قال الامام الصادق علیه السلام من اوتی القرآن و الایمان فمثله الا ترجه ریحها طیب و طعمها طیب و اما الذی لم یؤت القرآن و الایمان مثله الحنظله طعمها سرّ و لاریح لها کافی ج ۲ ص ۴۴۲ کسی که به او قرآن و ایمان عطا شده باشد مثل او مثل ترنج است که بوی آن خوب و طعم آن هم خوب و پاک است و کسی که به او قرآن و ایمان عطا نشده مثل آن مثل میوه حنظله است که طعم آن تلخ و بوی هم ندارد.
۱۹. إن کتاب الله اصدق الحدیث و احسن القصص. کافی، ج ۳، ص ۴۲۲ امام صادق: همانا کتاب خدا دارای راست ترین سخن ها و بهترین داستان هاست.

۲۰. علیکم بتلاوة القرآن فان درجات الجنة علی عود آیات القرآن فاذا کان یوم القیامة یقال لقاری القرآن اقرأ و ارق. امام صادق: بر شما باد به تلاوت قرآن، به درستی که درجات بهشت به تعداد آیات قرآن کریم است، پس زمانی که قیامت برپا شود، به قاری قرآن گفته می شود که قرآن بخوان و بالا برو. بحار الأنوار ج ۶۲ ص ۳۷۰

۲۱. قال الامام العسکری علیه السلام ذلک القرآن یأتی یوم القیامة بالرجل الشاب یقول لربه عز و جل یا رب هذا اظمأتُ نهاره و أسهرتُ لیلته و قویتُ فی رحمتک طمعه و

فسحت فی رحمتک امله قرآن روز قیامت با شخصی جوان می آید و به پروردگار می گوید: ای خدا این بنده شب کرد روزهایش را و روز کرد شبهایش را در حالی که طمعش را در رحمت تو قوی کرد و سیر کرد آرزوهایش را در رحمت تو (مستدرک الوسائل ج ۴ **۲۲. قال الامام کاظم علیه السلام : من استکفی بآیة من القرآن من الشرق الى الغرب کفی اذا کان بیقین.** الکافی، ج ۲، ص ۶۲۳ هر که به یک آیه قرآن اکتفا کند از شرق تا غرب عالم این آیه کفایت می کند او را اگر همراه با یقین باشد.

تعریف قرآن از زبان پیامبر صلی الله علیه و آله

رسول گرامی صلی الله علیه و آله به قرآن بسیار اهمیت می داد، در تعلیم و بکار بستن آیات، سعی خاص مبذول می کرد، آرزومند بود که این کلام دلنشین خدا در دلها بنشیند و انسانها را مُسَخَّر خود کند. ایشان می فرمایند: هر قلبی که ظرف قرآن باشد (و قرآن در آن جا گرفته)، از عذاب خداوند به دور است. چون فتنه ها همچون پاره های شب کار شما را در میان گرفت، به قرآن رو آوردید. قرآن را فرا گیرید؛ زیرا تلاوت کننده آن روز قیامت در حالی محشور می شود که جوان و صورتش زیباست

قرآن به او خطاب می کند و می گوید: تو آن جوانی هستی که شبها بیدار بودی و با من انس داشتی و تلاوت می کردی تا جایی که دهنت خشک و از چشمهایت اشک جاری می شد. قرآن هدایتگر گمراهان و بینایی از کوری باطن است، نگهدارنده انسان از لغزشها است، نوری است در برابر ظلمت، نگهدارنده از هلاکت است، رساننده انسان از دنیا به آخرت است، کمال دین در آن است، هیچ کس نیست از آن برگردد مگر اینکه جایگاه او آتش است. هیچ شفیی روز قیامت بزرگوارتر و با منزلت تر از قرآن نیست، نه پیامبر مرسل و نه ملک مقرب و نه غیر آنان. فرزندانان را بر سه چیز پرورش دهید، دوستی پیامبرتان، دوستی اهل بیت او و تلاوت قرآن. خانه های خودتان را با تلاوت قرآن نورانی و روشن گردانید. دو چیز پر ارزش در میان شما می

گذارم یکی کتاب خدا (قرآن) و دیگری اهل بیت، اگر به آن دو چنگ زنید و از آنان پیروی نمایید گمراه نخواهید شد. آن دو از هم جدا نمی شوند در موقعی که در کنار حوض کوثر به من ملحق گردند

آنگاه که انواع بلاها و شدت ها مانند پاره های شب تاریک در هم آمیخت و شما را فرو پوشید به قرآن چنگ زنید و به آن پناه برید؛ زیرا شفیع است درباره کسانی که به آن عمل کرده اند و شفاعتش پذیرفته است. قرآن (کتاب) راهنماست، به بهترین راه دلالت و هدایت می کند و انسان را به بهشت می رساند.

تعریف قرآن از زبان حضرت علی علیه السلام

امیرالمؤمنین علی علیه السلام : قرآن؛ آن نور مطلق است که غروب و افول بر آن راه ندارد، چراغ روشنی که به خموشی نگراید، دریای ژرف و پهناوری که عمق و ساحل آن پیدا نیست، راه راست و مستقیمی که رهروانش هرگز گمراه نگردند، پرتو تابانی که ظلمت و تاریکی به آن راه ندارد فیصل دهنده ای که دلایل آن سست نخواهد بود، بیان واضحی که اصول و دلایل آن تاثیر پذیر نیست، داروی شفا بخشی که با همراه داشتن و عمل کردن به آن از امراض و بیماریها ترسی نیست، مایه عزت و سربلندی است که یاران آن هرگز خوار و مغلوب نخواهند شد و حقیقتی است که طرفدارانش بی یار و یاور نخواهند بود. قرآن؛ گنجینه ایمان و منبع آن است، دریای علوم و سرچشمه دانش است پایگاه و بوستان عدالت و دادگستری است. قرآن ؛ دریایی است که آبکشانش نتوانند آب آن را تمام کنند،

چشمه هایی است که آبش تیره و آلوده و آبشخوار آن در اثر تراکم و کثرت واردین، تنگ نخواهد گردید، منازلی است که راه های آن صاف و رهروانش گمراه نشوند. قرآن ؛ نشانه ها و علائم روشنی است که عابرین از آن غفلت نورزند، قله های بلندی است که قصد کنندگانش نتوانند از آن بگذرند. قرآن ؛ کتابی است که خداوند

آن را سیراب کننده تشنگان علم و بهار دل‌های فقها و دانشمندان و نیکان و صالحان
قرار داده است

قرآن؛ دوایی است که بدون آن دردی نیست، نور و روشنایی است که هرگز به ظلمت
و تاریکی نمی‌گراید، ریسمانی است که دستگیره آن محکم و ناگسستی می‌باشد و
پناهگاه محکم و بلندی است که دست یغماگران و چپاول‌گران به آن راه ندارد و برای
دوستدارانش عزت و به پناهندگانش پناهگاه ایمنی بخش است و برای پیروانش وسیله
هدایت و رستگاری و برای تمسک‌کنندگانش وسیله عذرخواهی است
قرآن؛ دلیل محکم و استواری است برای استدلال‌کنندگان، گواه حق و زنده‌ای
است برای کسی که در خصومت‌ها به آن چنگ زند.

وسيله پیروزی است برای اجتماع‌کنندگان. حاملانش را به سوی سعادت می‌برد و
عاملانش را به مقام عالی اوج می‌دهد. قرآن؛ علائم و راهنمایی‌هایی است برای
متفکرین، سپری است برای طالبان سلاح، علم و دانشی است برای کسی که آن را
در مغز خود جای دهد، حدیث درستی است برای کسی که در میان مردم حکومت و
قضاوت نماید. و نیز حضرت علی علیه السلام فرمود: به کتاب خدا توجه کنید زیرا قرآن
ریسمانی است محکم، نوری است آشکار، درمان نافع و نوشابه‌ای است که عطش را
ریشه کن می‌سازد. قرآن، تکیه‌گاهی است محکم، نجاتگری است مطمئن. کج نمی
شود تا نیاز به اصلاح داشته باشد. منحرف نمی‌شود تا نیاز به درستکاری پیدا کند.
زیاد خواندن و زیاد گوش دادن به آن، آنرا کهنه نمی‌کند.

هر کس از روی قرآن سخن گفت راست می‌گوید و هر کس به قرآن عمل کرد پیروز
است. واژه قرآن در لغت عرب، به معنای قرائت و خواندن است. این معنا در خود
آیات قرآن کریم نیز به کار رفته است، در سوره قیامت، لا تُحَرِّكُ بِهِ لِسَانَكَ لِتَعْجَلَ
بِهِ ۱۶ إِنَّ عَلَيْنَا جَمْعَهُ وَقُرْآنَهُ ۱۷ فَإِذَا قَرَأْنَاهُ فَاتَّبِعْ قُرْآنَهُ

پیمبر قرائت مکن با شتاب
چو خواهی قرائت کنی این کتاب
که ما جمع کردیم آیات آن
نمودیم بر تو یکایک بیان
بخواندیم چون بر تو قرآن خویش
تو راه اطاعت همی گیر پیش

پس در این دو مورد، واژه قرآن مصدر و به معنای خواندن آمده است .

و اینکه خداوند متعال این کلمه را برای کتاب خود نام نهاده است، شاید بدین جهت باشد که قرآن به معنای کتاب خواندن است.

همیشه بر سر زبانها باشد. و دائم آن را بخوانند. و معانی آن را در دل داشته باشند.

وصف مصحف علی (علیه السلام)

مصحفی را که علی علیه السلام به سفارش و وصیت پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله گردآوری کرده بود، چراکه رسول خدا فتنه ی بعد از وفات خود را متذکر شده بود، دارای ویژگیهای خاصی بود که در مصاحف دیگر وجود نداشت.

اولا ترتیب دقیق آیات و سوره، طبق نزول آنها رعایت شده بود. یعنی در این مصحف مکی پیش از مدنی آمده و مراحل و سیر تاریخی نزول آیات روشن بود.

ثانیا در این مصحف قرائت آیات، طبق قرائت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله که اصلی ترین قرائت بود ثبت شده بود و هرگز برای اختلاف قرائت در آن راهی نبود.

ثالثا این مصحف مشتمل بر تنزل و تاویل و شان نزول بود یعنی موارد نزول و مناسبت هایی را که موجب نزول آیات و سوره ها بود، در حاشیه مصحف توضیح می داد.

رابعا جوانب کلی آیات به گونه ای که آیه محدود و مختص به زمان یا مکان یا شخص خاصی نگردد، در این مصحف روشن شده است.

سرانجام مصحف علی (علیه السلام)

در روایات شیعه آمده است: علی علیه السلام پس از اتمام جمع آوری قرآن که روی پاره های کاغذ و تخته های نازک شده و ورق ها نوشته شده بود، آن را بار شتری کرده به مسجد آورد و پس از آنکه آن را میان مردمی که پیرامون ابوبکر گرد آمده بودند قرار داد، چنین فرمود: بعد از مرگ پیامبر صلی الله علیه و آله تا کنون به جمع آوری قرآن مشغول بودم و در این پارچه تمام آنچه را که بر پیامبر نازل شده جمع آورده ام.

نبوده است آیه ای مگر آنکه پیامبر خود بر من خوانده و تفسیر و تاویل آن را بر من آموخته است. مبادا فردا بگویید: از آن غافل بوده ایم. آنگاه یکی از سران گروه، بپا خاست و با دیدن آنچه علی علیه السلام در آن نوشته ها فراهم کرده بوده به او گفت: به آن چه که آورده ای نیاز نیست و آنچه نزد ما هست ما را کفایت می کند. علی علیه السلام گفت: دیگر هرگز آن را نخواهید دید.

آن حضرت پس از آنکه حجت را بر آنان تمام کرد کتاب را برداشت و برگشت و کسی پس از آن، آن کتاب را ندید. در مورد سرنوشت این مصحف، بعضی بر این عقیده اند که به عنوان میراثی نزد امامان است و از امامی به امام دیگری می رسد.

امام خمینی(ره) و شناخت قرآن

در نگرش امام خمینی(ره)؛ **وحی، فطرت، قلب، عقل و حس انسان** به عنوان منابع شناخت مطرح شده است. او همچون سایر علمای مسلمان معتقد است، حس انسان مُدرک است، اما کافی نیست و نقصان ادراک حسی به وسیله عقل جبران می شود. از طریق تفکر و تعقل، صاحب عقل به آگاهی و شناخت می رسد، منابع شناخت درونی، انسان را به تنهایی کافی نمی داند و به نقصان ادراک انسان، با اتکالی صرف به این سه منبع اذعان دارد. به عنوان مثال، به عدم امکان شناخت چپستی رابطه هستی با حق، اشاره می کند و عقل انسان را از درک ماورای طبیعت و بسیاری

از امور دیگر نظیر روح عاجز می‌داند. این منبع اساسی، **وحی الهی** است که به وسیله انبیاء، از جانب خداوند برای انسانها فرستاده می‌شود و آرمان اصلی آن، ایجاد معرفت برای بشر، بویژه شناخت حق تعالی و سایر حوزه‌هایی است که عقل بشر، بدون ارجاع به وحی، امکان دسترسی به آنها را ندارد. با این مقدمه تلاش داریم تا دیدگاه ایشان درباره واسطه معرفت و حیانی یا قرآن کریم را مورد بررسی قرار دهیم.

بدان ای عزیز که عظمت هر کلام و کتابی یا به عظمت متکلم و کاتب آن است و یا به عظمت مطالب و مقاصد آن است و یا به عظمت مرسل الیه و حامل آن است و یا به عظمت وقت ارسال و کیفیت آن است و بعضی از این امور ذاتاً و جوهرأ در عظمت دخیل است و بعضی عرضاً و یا به واسطه و بعضی کاشف از عظمت است. **ان الله سبعین الف حجاب من نور و ظلمه لو کشف لا حرقت سبحات وجهه دونه**. همانا خداوند هفتاد هزار حجاب است از نور و ظلمت و اگر آن حجابها کنار رود سبحات روی او، جز او را خواهد سوخت. (بحارالانوار، ج ۵۵، ص ۴۵)

عظمت رسول وحی و واسطه ایصال، پس آن جبرئیل امین و روح اعظم است. و اما حافظ و نگاهبان آن ذات مقدس حق جل جلاله است چنانچه فرماید **إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا الذِّكْرَ وَإِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ** (حجر ۹) و اما شارح و مبین آن، ذوات مطهره معصومین علیهم السلام از رسول خدا صلی الله علیه و آله تا حجت عصر ارواحنا فداه که مفاتیح وجود و مخازن کبریا و معادن حکمت و وحی و اصول معارف و عوارف و صاحبان مقام جمع و تفضیل‌اند. و اما وقت وحی لیل القدر است، که اعظم لیالی **خیر من الف شهر** و نورانی‌ترین ازمنه و فی الحقیقه وقت وصول ولی مطلق و رسول ختمی مرتبت **صلی الله علیه و آله** است. ایشان در باب هدف از نزول این کتاب بزرگ الهی می‌فرمایند:

این کتاب بزرگ الهی که از عالم غیب الهی و قرب ربوبی نازل شده و برای استفاده ما مهجوران و خلاص ما زندانیان سجن طبیعت و مغلولان زنجیرهای پیچ در پیچ هوای

نفس و آمال به صورت لفظ و کلام درآمده از بزرگترین مظاهر رحمت مطلقه الهیه است که ما کور و کرها از آن به هیچ وجه استفاده نکرده و نمی‌کنیم.

به عبارت دیگر این صحیفه نورانیه صورت "اسم اعظم" است، چنانچه انسان کامل نیز اسم اعظم است. مسلمانان هر چه دارند و خواهند داشت، در طول تاریخ گذشته و آینده از برکات سرشار این کتاب مقدس است...

از تمامی علمای اعلام و فرزندان قرآن و دانشمندان ارجمند تقاضا دارم که از کتاب مقدسی که تبیان کلی شیء است و صادر از مقام جمع الهی به قلب نور اول و ظهور جمع‌الجمیع تابیده است غفلت نفرمائید... و اکنون صورت کتبی آن که به لسان وحی بعد از نزول از مراحل و مراتب بی‌کم و کاست بدون یک حرف کم و زیاد به دست ما افتاده است، خدای نخواستہ مبادا که مهجور شود.

قرآن و تحولات اجتماعی

در قانون و قاموس قرآن، تغییرات اجتماعی و انقلاب‌ها کاملاً نظام‌مند و بر اساس قاعده علی و معلولی و اسباب و مسببات شکل می‌گیرند. اساساً اعتقاد به جبر و تغییرات اجباری مردود و مطرود است.

چنان که قرآن با تأکیدات زیاد و به صورت استمرار و نفی دائمی می‌فرماید إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّىٰ يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ (رعد ۱۱)

خلق را حق نمی‌دهد تغییر مگر آنکه که خود شوند بصیر

ذَلِكَ بِأَنَّ اللَّهَ لَمْ يَكُ مُغَيِّرًا نِعْمَةً أَنْعَمَهَا عَلَىٰ قَوْمٍ حَتَّىٰ يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ وَأَنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ عَلِيمٌ (انفال ۵۳)

نه آن را دگرگون نماید خدا
دگرگون نمایند از آنچه بُد
علیم است همواره آن کردگار

چو نعمت به قومی نماید عطا
مگر آنکه آن قوم احوال خود
همانا سمیع است پروردگار

یادآوری حادثه عاشورا در دنیای اسلام و به ویژه در قلمرو یاران عترت علیهم السلام امروزه یک فرهنگ است.

فرهنگی که ریشه در عقل و فطرت انسانی و آیات قرآن و سنت نبوی ص دارد. بخش مهمی از آیات قرآن، که گاه به یک سوم و گاه به یک چهارم و در برخی احادیث در حد نیمی از قرآن شناخته شده، در ارتباط نزدیک با پیامبر و اهل بیت رسول خداست، به طوری که در برخی از روایات آمده که نیمی از قرآن درباره ما و نیمی درباره دشمنان ماست.

بیش از هزار آیه چون آیات تطهیر و مباحله و نور و ذی القربی و تبلیغ و ولایت، در روایات معصومین علیهم السلام بر ائمه فضیلت ها و عملکرد و اندیشه و گفتار و رفتار آنان تطبیق و تفسیر شده است.

و بخشی از آیات، اختصاص به حضرت سید الشهداء و جریان عاشورا و فرهنگ کربلا دارد.

سوره وَ الْفَجْرِ وَ لَيَالٍ عَشْرٍ بر دهه آغازین محرم انطباق یافته است و در آیه وَ مَنْ قُتِلَ مَظْلُومًا فَقَدْ جَعَلْنَا لَوْلِيَّهِ سُلْطَانًا مِصْدَاقَ شَهِيدِ مَظْلُومٍ، سید الشهداء و مظهر کامل اولیای مظلومان، حضرت مهدی موعود است.

| | |
|---------------------------|-----------------------------|
| اگر خون مظلوم ریزد کسی | که او را نبوده گناهی بسی |
| به صاحب دم او تسلط دهیم | به قاتل ورا اقتداری نهیم |
| که از قاتل او کشد انتقام | نسازد زیاده روی در مرام |
| مؤید بگردد در آن کار خویش | که ایزد بر او نصر آورده پیش |

روایات عترت حروف مقطعه کهیعض را حروف نمادین ماجرای عاشورا می شناسند. در میان معصومین علیهم السلام سیدالشهداء و جریان عاشورا، جایگاهی دارد.

این جایگاه بلند اجتماعی، دستاورد رهنمودهای قرآن و سنت درباه سرور جوانان بهشتی است.

مشخصات قرآن

۱. **تعداد سوره ها:** کریم قرآن مجید، دارای ۱۱۴ سوره می باشد

۲. **تعداد واژه ها:** قرآن مجید، با حذف مکررات و مشتقات، حدود ۱۸۶۰ کلمه می باشد. تمام واژه ها و آیات نورانی قرآن کریم، از تکرار و مشتقات همین تعداد کلمات، تشکیل شده. در مجمع البیان در تفسیر هل اتی از امیرالمؤمنین علیه السلام از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل شده که حضرت فرمود: سوره های قرآن کریم ۱۱۴ سوره، و آیات آن، ۶۲۳۶ آیه است .. اختلاف در تعیین مرزها و حدهای آیات است

۳. **مکی و مدنی:** مدت نبوت رسول خدا صلی الله علیه و آله جمعا ۲۳ سال به طول انجامیده از این مدت، سیزده سال را در مکه و ده سال را در مدینه اقامت داشته اند

آیات و سوری که در مکه معظمه نازل شده اند، آیات و سور مکی نام دارند؛ و آیات و سوری که در مدینه طیبه نازل شده اند مدنی نام دارند. بنابر مشهور، از مجموع ۱۱۴ سوره قرآن کریم، ۸۶ سوره در مکه، و ۲۸ سوره در مدینه منوره نازل شده است. سوره های مکی نوعا در زمینه اصول عقیدتی: توحید، معاد، نبوت، نظامهای متقن جهان، مبارزه طرفداران حق با طرفداران باطل و شکست جباران و طاغوتها و امثال آن است.

سوره های مدنی اغلب درباره احکام و حکومت و روابط عمومی و نظام زندگی است. و جنبه رو بنایی دارند

در مکی و مدنی بودن دوازده سوره از سوره های قرآن، اختلاف پدید آمده. و آنها بنا به نقل تفسیر المیزان: سوره های رعد، رحمن، جن، صف، تغابن، مطففین، قدر، بینه، زلزال، توحید، فلق، و ناس

اولین و آخرین سوره قرآن طبق روایات وارده، اولین سوره ای که نازل شده، **سوره علق**، و آخرین سوره تمام **سوره نصر** می باشد. در تفسیر برهان، کافی و عیون اخبار الرضا از امام صادق و امام رضا علیهما السلام نقل شده. عن ابی عبدالله علیه السلام قال **اول ما نزل علی رسول الله صلی الله علیه و آله بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ اَقْرَأُ بِاسْمِ رَبِّكَ الَّذِی خَلَقَ** ... الی آخر و آخر، سوره: **إِذَا جَاءَ نَصْرُ اللّٰهِ وَ الْفَتْحُ** آخرین آیه نازل شده : ظاهراً آخرین آیه نازل شده، آیه **وَ اتَّقُوا یَوْمًا تُرْجَعُونَ فِیْهِ اِلَى اللّٰهِ**. بقره ۲۸۱ است .

اولین ها در سوره ها

اولین سوره از سوره هایی که با **اِنَّا** آغاز می شوند: سوره مبارکه فتح.
 اولین سوره از سوره هایی که با **قُل** آغاز می شوند: سوره جن. ۴ سوره کافرون، توحید، فلق و ناس که به این ۴ سوره اخیر در زبان عامیانه، **۴ قُل** گفته می شود.

اولین سوره از سوره های حوامیم:

به مجموعه سوره هایی که با حروف مقطعه **حم (حاء، میم)** شروع می شوند، سوره های حوامیم گفته می شود. اولین سوره از این سوره ها، سوره مبارکه غافر است. نام دیگر سوره غافر، مؤمن است و منظور از مؤمن، مؤمن آل فرعون بوده که در آیه ۲۸ این سوره و چند آیه بعد از آن، به او اشاره شده است، وی از نزدیکان فرعون بود، ولی مخفیانه دعوت حضرت موسی علیه السلام را پذیرفته و به خدا و دین آن حضرت ایمان آورده بود و در آیات این سوره آمده است که مؤمن آل فرعون. با سخنان مؤثر خود، مانع قتل حضرت موسی علیه السلام به دست فرعون شد. از آنجا که سوره غافر نخستین سوره از سوره های حوامیم است، به آن **حوم اولی**، نیز می گویند.

اولین سوره از سوره های طواسین: به سوره هایی که با حروف مقطعه **طس**. (ط، سین) و یا **طسم**. (ط، سین ، میم) آغاز می شوند، سوره های طواسین، می گویند.

اولین سوره از سوره های طواسین، سوره شعراء است.

اولین سوره از سوره های حمد. یا حامدات پنج سوره در قرآن با عبارت الحمد لله. شروع می شوند که به این سوره ها، حمد، یا حامدات، می گویند و نخستین آنها فاتحه الکتاب است.

اولین سوره از سوره هایی که با **سوگند** و قسم. آغاز می گردند: بیست سوره با صیغه قسم، شروع می شوند که اولین سوره از این سوره ها، سوره مبارکه صفات است.

اولین سوره از سوره های الم سوره بقره، با حروف مقطعه الم، شروع می شود.

اولین سوره از سوره های معوذتین: دو سوره پایانی قرآن یعنی سوره های فلق و ناس، را که با عبارت قل اعوذ (بگو پناه می برم) آغاز می شوند، معوذتین نامیده اند. اولین سوره از سوره های معوذتین، سوره فلق است.

اولین سوره از سوره های قرینتین سوره مبارکه انفال . به ۲ سوره انفال و براءت که بین آنها بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ وجود ندارد، قرینتین می گویند. نام دیگر سوره براءت، توبه است.

اولین سوره از سوره های زهروان به دو سوره بقره و آل عمران، سوره های زهروان می گویند.

اولین سوره از سوره های عتاق اسراء اولین سوره از سوره های عتاق است. به ۵ سوره اسراء، کهف، مریم، طه و انبیاء سوره های عتاق می گویند.

اولین سوره از سوره های ممتحنات به ۱۶ سوره از سوره های قرآن کریم، سوره های ممتحنات، گفته می شود که اولین سوره از سوره های ممتحنات، سوره مبارکه سجده است.

ترکیب سوره های قرآن

ترکیب و تشکیل سوره های قرآن و تعیین اول و آخر آنها، به دستور و اعلام شخص رسول خدا صلی الله علیه و آله بوده و کسی در آن دخالتی نداشته است.

علامه طباطبائی: نمی شود انکار کرد که اکثر سوره های قرآنی، پیش از رحلت، در میان مسلمانان دایر و معروف بودند، در دهها و صدها حدیث ... و همچنین در وصف نمازهایی که خوانده می شد. و سیرتی که در تلاوت قرآن داشتند، نام این سوره ها آمده است. و همچنین نامهایی که برای گروه این سوره ها در صدر اسلام دایر بود؛ مانند سوره های طولانی و مثانی و مئین و مفسلات. در احادیثی که از زمان پیغمبر حکایت می کند.

در مجمع البیان از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل شده **بجای تورات**، خداوند به من هفت سوره طولانی داد. و **بجای انجیل**، مثانی و بجای زیور، **مئین** را عطا فرمود: و با سوره های مفصل، فضیلت یافتیم. آنگاه طبرسی می فرماید: مراد از هفت سوره **طویل** بقره، آل عمران، نساء، مائده، انعام، اعراف و انفال توام با توبه است. و منظور از **مثانی** سوره های است که بعد از آن هفت سوره آمده اند که آن هفت سوره با اینها تثنیه شده اند. هفت تای اول، مبادی، و هفت تای دوم، مثانی اند. و آنها عبارتند از سوره های: یونس، هود، یوسف رعد، ابراهیم، حجر و نحل. اما **مئمون** از مائة به معنای عدد صد است. و مراد از آن، سوره هایی است که صد آیه یا کمی بیش یا کمتر می باشد و آنها نیز هفت سوره و عبارتند از: بنی اسرائیل تا مؤمنون. و مراد از **مفصل** از بعد از حم اخیر تا آخر قرآن است. علت این تسمیه آن است که آنها فصول زیاد دارند. و مفسلات هم گفته شده است. از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل شده: **شیبتهنی هود و الواقعة و المرسلات و عم یتسائلون** سوره های **هود و واقعه و مرسلات و نباء** مرا پیر کرد!

چرا که در این سوره ها اخبار تکانهنده ای از قیامت و رستاخیز و حوادث هولناک و مجازات مجرمان آمده ، همچنین داستانهای تکانهنده ای از سرگذشت اقوام پیشین و بلاهائی که بر آنها نازل شد.

همه اینها حاکی است که سوره های قرآن کریم همه اش در زمان آن حضرت، و تحت نظر ایشان، ترکیب و تشکیل شده بود. و کسی جز او در تشکیل آن سوره ها، دخالتی نداشته است.

ترتیب سوره های قرآن

در کتاب وافی، از امام صادق علیه السلام : رسول خدا صلی الله علیه و آله هنگام رحلت، به علی علیه السلام فرمود: یا علی! قرآن، در پشت خوابگاه من، در صحیفه ها و حریر و قرطاس هاست، آن را جمع کنید. و نگذارید قرآن کریم ضایع گردد. علی علیه السلام نیز همه قرآن را در پارچه زردی نوشت و به اتمام رسانید.

رسول خدا صلی الله علیه و آله در اواخر عمر خویش، به کاتبان وحی دستور داد تا قرآن کریم را به این ترتیب بنویسند. و سوره های بزرگ را در اول بیاورند. و ترتیب فعلی قرآن مجید مانند تشکیل سوره های آن، توسط ایشان انجام گرفته. بالاتر از همه اینها این است که ائمه اهل بیت علیهم السلام به این ترتیب، اعتراضی نکرده و آن را پذیرفته اند.

اگر این تدوین و ترتیب در زمان رسول خدا صلی الله علیه و آله و تحت نظر آن حضرت انجام نگرفته بود، ائمه معصومین علیهم السلام آن را بازگو می کردند. و لااقل می فرمودند که : این قرآن همان است که نازل شده و لکن این ترتیب، بعد از آن حضرت بوده است.

وانگهی، اهتمام بی حد رسول خدا صلی الله علیه و آله نسبت به قرآن، مانع از این بود که این کار را انجام ندهد و از دنیا برود. کار علی بن ابی طالب علیه السلام یکجا نوشتن بود، نه اینکه ترتیب جدیدی را به وجود آورد.

نزول دفعی و تدریجی قرآن

شکی نیست که قرآن مجید، در عرض ۲۳ سال به نحو تدریجی نازل شده. و از سوی دیگر می خوانیم که: قرآن کریم در ماه مبارک رمضان و در یک شب نازل گردیده. **شَهْرُ رَمَضَانَ الَّذِي أُنزِلَ فِيهِ الْقُرْآنُ** (بقره ۱۸۵) تصریح می کند که قرآن در ماه رمضان نازل گشته است.

و آیات **إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ** و **إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْمُبَارَكَةِ** نشان می دهند که قرآن مجید، در یک شب نازل گردیده است.

| | |
|---------------------------|-------------------------|
| بود ماه روزه همان نیک ماه | که قرآن فرستاد یکتا اله |
| که سازد هدایت عموم بشر | نماید جدا راه نیکو ز شر |
| همانا که نازل نمودیم ما | کتابی شب قدر بر مصطفی |
| که آن را مبارک شبی کردگار | فرستاد تا ره کند آشکار |

و از روایات به دست می آید که آن شب، شب ۲۳ مبارک رمضان است. و از سوی دیگر می بینیم که کفار مکه اعتراض کرده و می گفتند: چرا قرآن کریم، دفعتاً واحده نازل نمی شود؟

در جواب آنان، خداوند فرمود: این برای آن است که قلب تو را مطمئن و ثابت گردانیم؛ چون اگر همه قرآن به یک بار، نازل می شد، وحی الهی قطع می گردید و دیگر رابطه تو با خدا برقرار نمی شد **وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لَوْلَا نُزِّلَ عَلَيْهِ الْقُرْآنُ جُمْلَةً وَاحِدَةً كَذَلِكَ لِنُثَبِّتَ بِهِ فُؤَادَكَ وَرَتَّلْنَاهُ تَرْتِيلاً** (فرقان ۳۲)

| | |
|-------------------------|---------------------------|
| بگویند کفار قرآن چرا | به یکباره نازل نشد از خدا |
| ندانند تا حکمتش این بود | که آهسته آهسته نازل شود |
| که آرام سازیم روح به آن | شود مطمئن قلبت از آن بیان |

چنین بود علت که پروردگار به ترتیب کرد آیه ها آشکار

وَقُرْآنًا فَرَقْنَاهُ لِتَقْرَأَهُ عَلَى النَّاسِ عَلَى مُكْثٍ وَنَزَّلْنَاهُ تَنْزِيلًا (اسراء ۱۰۶)

کتابی که حق بر تو نازل نمود پراکنده آری بیامد فرود

که تو نیز بر امت این کتاب به تدریج خواندی به راه صواب

همانا که قرآن که از سوی ماست ز تنزیلهای بزرگ خداست

پس یقینی است که قرآن کریم، در عرض ۲۳ سال، نازل گردیده است . درباره جمع میان این دو مطلب، در روایات شیعه و اهل سنت آمده که قرآن، در یک شب از جانب خداوند به بیت المعمور یا بیت العزة نازل شده، و پس از آن، بتدریج بر آن حضرت نازل گشته است.



اختلاف قراآت

قراآتهای قرآن مجید، به هفت نفر قاری مشهور می رسد، که چهار نفر از آنها شیعه و سه نفر از اهل سنت است. چهار نفر اولی عبارتند از:

۱. عاصم بن ابی الجنود او قرآن را بر ابوعبدالرحمن سلمی، خوانده و او نیز بر علی علیه

السلام خوانده. قراآت عاصم از نظر شیعه و اهل سنت مقبول و همه قرآنها روی زمین با قراآت عاصم نوشته شده، و او در سال ۱۲۸ هجری از دنیا رفته است.

۲. ابو عمرو بصری؛ او از شیعه می باشد و قرآن را بر سعید بن جبیر شهید، خوانده

است. امام صادق علیه السلام به او فرموده **يَا أَبَا عُمَرَ إِنَّ تِسْعَةَ أَعْشَارِ الدِّينِ فِي التَّقِيَّةِ** تقیه در ۹ چیز در دین لازم است. او از ترس حجاج بن یوسف، گریخت و تا حجاج زنده بود، او متواری زندگی می کرد. و معلم قراآت قرآن بود.

۳. حمزه بن حبیب زیات؛ او از شیعیان است و قرآن را بر امام صادق علیه السلام خوانده

است. در رجال خویش، او را از اصحاب امام صادق علیه السلام شمرده است.

۴. علی بن حمزه کسائی او شیعه می باشد و قرآن را بر شیوخ شیعه خوانده است از

قبیل حمزه و ابان بن تغلب، و حمزه نیز بر امام صادق علیه السلام خوانده است او معلم قراآت قرآن بوده است.

۵. عبدالله بن عامر دمشقی رئیس اهل مسجد در زمان ولید عبدالملک مروان بود.

او قرآن را بر مغیره بن ابی شهاب خواند، و او بعد از بلال بن ابی الدرداء، قاضی دمشق بود. اهل شام در قراآت، او را امام و پیشوای خود نمودند.

۶. عبدالله بن کثیر مکی او در اصل ایرانی و در سال ۴۵ هجری در مکه متولد شده و

در ۱۲۰ وفات یافته است. طبرسی (ره) می گوید: او در دوران حیات خویش، قاری و معلم قرآن بوده است.

۷. نافع بن عبدالرحمن المدنی. او یکی از قراء هفتگانه و از اصفهان است. قراآت قرآن

را از عده ای از تابعان اهل مدینه فرا گرفته و در سال ۱۶۹ هجری از دنیا رفته، و در

عصر خویش، معلم قرآن بوده است. غیر از این هفت نفر، سه نفر دیگر وجود دارند که البته در حد آن هفت نفر نیستند. و آنها عبارتند از: خلف بن هشام، یعقوب بن اسحاق و یزید بن قعقاع. اختلاف قرآّت، فقط در ترکیب کلمات است؛ مثلاً یکی **مالک یوم الدین** خوانده و دیگری **ملک یوم الدین** و یا یکی **لنحرقنه** را از باب افعال خوانده و دیگری از باب تفعیل.

خلاصه اختلاف، از ترکیب کلمات بیرون نرفته است. و این، سبب زیادی و یا نقصی در قرآن مجید نمی‌گردد. آیه الله خوئی در البیان می‌فرماید: اهل بیت علیهم السلام شیعیان خویش را به یکی از قرآّت منحصر نکرده‌اند.

این قرائتها در زمان آنها معروف بوده است و از هیچ یک منع نفرموده‌اند و اگر منع کرده بودند با تواتر و لااقل با خبر واحد، نقل می‌شد. بلکه از آنها نقل شده که همه را امضا کرده و فرموده‌اند **اقراء كما يقرء الناس، اقرءوا كما علمتم** و جایز است قرائت در نماز، با هر قرائتی که در زمان ائمه علیهم السلام متعارف بوده است.

مرحوم طبرسی در مقدمه مجمع البیان: ظاهر از مذهب امامیه آن است که اتفاق دارند بر جواز هر قرائت متدوال. و فقط به یک قرائت اکتفا نکردند. **آیه الله خمینی**: احتیاط در آن است که از قرائتهای هفتگانه، تخلف نشود، و نماز با یکی از آنها خوانده شود.

از قرائتها فقط قرائت **عاصم** و **حمزه** به معصوم علیهم السلام می‌رسد؛ قرائت عاصم، با یک واسطه به علی علیه السلام و قرائت حمزه، بدون واسطه به امام صادق علیه السلام می‌رسد. بعضی دیگر هم اگر به معصوم علیهم السلام برسد با واسطه زیاد می‌رسد. همه قرآنهای موجود طبق قرائت عاصم نوشته شده که از نظر شیعه و اهل سنت، مورد قبول است.

قرآن وجوه حسن و نیکی بسیاری دارد

که آن ها با صفاتی بیان می شوند و در خود قرآن تعدادی از این صفات بیان شده ،

۱. با شکوه و الْقُرْءَانَ الْمَجِيدِ (ق۱)

۲. کریم به معنای ارجمند إِنَّهُ لَقُرْءَانٌ كَرِيمٌ (واقعه ۷۷)

۳. حکیم به معنای حکمت آموز وَ الْقُرْءَانِ الْحَكِيمِ (یس ۲)

۴. عظیم به معنای بزرگ وَ الْقُرْءَانَ الْعَظِيمَ. (حجر ۸۷)

۵. عزیز به معنای قوی و محکم وَ إِنَّهُ لَكِتَابٌ عَزِيزٌ (فصلت ۴۱)

۶. مبارک به معنای خجسته وَ هَذَا ذِكْرٌ مُّبَارَكٌ (انبیاء ۵۰)

۷. مبین به معنای روشن گر وَ قُرْءَانٍ مُّبِينٍ (حجر ۱)

۸ و ۹. متشابه به معنای همانند کتابی که آیاتش در لطف، زیبایی، عمق و محتوا

همانند یکدیگر است و مثالی به معنای مکرر اللّٰهُ نَزَلَ اَحْسَنَ الْحَدِيثِ كِتَابًا مُّتَشَابِهًا

مَّثَانِي (سورة زمر ۲۳)

۱۰. عربی به معنای زبان روشن، گویا و فصیح قُرْءَانًا عَرَبِيًّا (یوسف ۲)

۱۱. غیر ذی عوج به معنای کژ نبودن قُرْءَانًا عَرَبِيًّا غَيْرِ ذِي عَوْجٍ (زمر ۲۸)

۱۲. ذی الذکر به معنای پراندرز الْقُرْءَانِ ذِي الذِّكْرِ (ص ۱)

۱۳ و ۱۴. بشیر بمعنای بشارت گر. نذیر بمعنای هشدار دهنده بَشِيرًا وَ نَذِيرًا (فصلت ۴)

۱۵. قیم به معنای راست و درست قِيَمًا لِيُنذِرَ بَأْسًا شَدِيدًا (کهف ۲)

اما از بین این اوصاف، دو وصف مشهورتر شده و غالباً همراه ذکر قرآن، بیان می شوند. که دو واژه کریم و مجید هستند. کریم از ماده کرم است و کرامت بمعنی سخاوت، شرافت، نفاست و عزّت است. پس کریم بمعنی سخی است همچنین بمعنی نفیس و عزیز است و هر چیزی که در نوع خود شریف است با کرم توصیف میشود

و **قرآن کریم** یعنی قرآن شریف و محترم و گرانقدر صفت کریم بیانگر آن است که قرآن عزیز و گرامی است، چون سخن خدا است که بر پیامبر صلی الله علیه و آله وحی شده. برخی گفته‌اند کریم است، چون عطا و بخشش آن زیاد است.

قرآن به صفت کریم نامیده شده، و **قرآن مجید** از ماده مجد به معنی گستردگی شرافت و جلالت است، و این معنی درباره قرآن کاملاً صادق می‌باشد، چرا که محتوایش عظیم و گسترده، و معانیش بلند و پرمایه است، هم در زمینه معارف و اعتقادات، و هم اخلاق و مواعظ، و هم احکام و سنن.

و آن اینکه این کتاب مجد و عظمتی به انسان می‌بخشد که هیچ کتابی دیگری نمی‌بخشد، زیرا کلام خدایی است که بالاتر از او چیزی نیست؛ نیز کتابی است که باطل در آن راه ندارد و دست تحریف بدان نرسیده، همچنین زیاده و کاستی در آن راه نیافته است (قاموس قرآن ج ۶ تفسیر نمونه، ج ۲۶ تفسیر ثعلبی، ج ۹).

ویژگیها و خصوصیات قرآن

قرآن خصوصیتی دارد که دیگر کتب آسمانی و کتاب های دیگر، آن ویژگیها را ندارند:

۱. قرآن : **هدی** هدایت کننده مردم به اسلام و ایمان است، به سوی آیینی دعوت می کند که مستقیم ترین آیین ها از نظر عقائد و قوانین، اخلاق فردی و اجتماعی، اقتصادی و نظامی، عبادی و سیاسی و غیره می باشد

۲. قرآن : **فرقان** است ، یعنی جدا کننده حق از باطل

۳. قرآن : یکجا در شب قدر از لوح محفوظ به آسمان اول یا به قلب مبارک رسول اکرم صلی الله علیه و آله نازل شد

۴. قرآن : **شفیع**، کسانی را شفاعت می کند که آن را تلاوت کنند و مانوس می باشند

۵. قرآن : در هر عصر و زمانی تازگی دارد و کهنه نمی شود و ملال آور نیست، انسان با کثرت تلاوت و تکرار آن خسته نمی شود

۶. قرآن خواندن و شنیدن و نظر کردن به آن عبادت است و نشستن در مجلس قرآن عبادت است

۷. قرآن : احکام و آدابی دارد از جمله : نباید ترک و فراموش شود نباید گرد و غبار بر روی آن بنشیند، نباید بدون طهارت آن را لمس نمود

۸. قرآن : کلام الله صامت و مجید است، کریم و شریف است، شاهد در هر مکان و زمان است و قیامت هم شهادت می دهد

۹. قرآن نور است ، آیات و عبارات و کلماتش نور است، افرادی که به دنبال رضایت و خوشنودی خداوند قدم برمی دارند، با نور خود آن ها را به راه راست هدایت می نماید

۱۰. قرآن : تلاوت آن ذکر است، و بهترین ذکر همان قرآن است. به واسطه آن انسان شرح صدر پیدا می کند و قلب ها نورانی می شود

۱۱. قرآن: امام است. علی علیه السلام : بر شما باد به قرآن و تلاوت آن، قرآن را امام و رهبر خود قرار دهید (تا هدایت شوید)

۱۲. قرآن : احسن الحدیث است. خودش می فرماید: خداوند بهترین حدیث را نازل کرد که همان قرآن باشد.

از این جهت یک مسلمان واقعی باید کوشش کند که از قرآن جدا نباشد، آن را دقیقاً فرا گرفته و صحیح تلاوت کند و به دستورات و احکام عالیه و روح بخش آن عمل نماید تا رستگاری دو جهان را به دست آورد.

حروف مقطعه ، حروف رمز قرآن

(حروف مقطعه) حروفی است که در اوایل سوره های : بقره، آل عمران، اعراف، یونس، هود، یوسف، رعد، ابراهیم، حجر، مریم، طه، شعراء، نمل، قصص، عنکبوت، روم، لقمان، سجده، یس، ص، غافر، فصلت، شوری، زخرف، دخان، جاثیه، احقاف، ق، واقع شده اند. و آنها عبارتند از

الم : در سوره بقره . در سوره آل عمران . در سوره عنکبوت . در سوره روم . در سوره لقمان. در سوره سجده .

الر: در سوره یونس . در سوره هود. در سوره یوسف. سوره ابراهیم. سوره حجر.

المر: سوره رعد **المص** : سوره اعراف **کهیعص** : سوره مریم . **طه** : سوره طه.

طسم : در سوره شعراء. در سوره نمل . در سوره قصص

یس : در سوره یس . **ص** : در سوره ص. **ق** : در سوره ق .. **ن** : در سوره قلم.

حم : سوره غافر. فصلت . سوره زخرف . سوره دخان . سوره جاثیه. سوره احقاف.

حم عسق : در سوره شوری

در رابطه با معنا که نه تعبیر این حروف، اقوالی هست که مرحوم امین الاسلام طبرسی در مجمع البیان در سوره بقره آنها را به یازده قول رسانده است که آنها به قرار ذیل می باشند:

اول از امامان شیعه نقل شده که آنها از متشابهاتند که علم آنها مخصوص خدا است.

حروف مقطعه و تاویل آنها را جز خدا کسی نمی داند. اهل سنت از امیرالمؤمنین علیه

السلام نقل کرده اند: **ان لكل كتاب صفوة هذا الكتاب الحروف التهجي** هر کتاب

گزیده ای شاخص دارد و گزیده این کتاب (قرآن) حروف مقطعه در آغاز سوره ها می

باشد.

دوم این حروف نام سوره هایی هستند که در اوایل آنها واقع شده اند؛ مثلاً نام سوره اعراف (المص)

سوم مراد از آنها (اسماء الله) است؛ مثل (الم) که سه حرف است (انا، الله، اعلم) منم خدای داناتر. و المر که چهار حرف است: انا، الله، اعلم، اری؛ منم خدا که می دانم و می بینم

چهارم آنها اسماء الله که حرف حرف اند. و اگر مردم تالیف آنها را بدانند اسم اعظم را خواهند دانست

پنجم آنها سوگندهایی هستند که خداوند به آنها سوگند یاد کرده و آنها از (اسماء) خدا می باشند.

ششم آنها نامهای قرآن کریم هستند

هفتم هر حرف از آنها کلید اسمی از **اسماء الله** است در میان آنها حرفی نیست مگر آنکه راجع به مدت قومی و اجل اقوام دیگر است.

هشتم مراد از آنها مدت بقای امت اسلامی است.

نهم مراد بیان حروف تهجی که ۲۸ حرف می باشد با ذکر آنها احتیاج به ذکر حروف دیگر نبوده.

دهم آنها برای وادار کردن کفار به شنیدن قرآن بوده است؛ چون کفار تصمیم داشتند که به قرآن گوش ندهند، ولی چون آن حروف را می شنیدند، به نظرشان چیز دیگری می آمد که گوش می کردند.

یازدهم منظور از این حروف آن است که **ایها الناس**، این قرآن از همین حروف تالیف شده که در اختیار همه شماست. و از آنها در گفتار خود استفاده می کنید. اکنون که نمی توانید نظیر آن را بیاورید، پس بدانید که این قرآن از جانب خداست

نظریه دکتر رشاد مصری

خلاصه نظریه او این است که این حروف اشاره است به اینکه (درصد) این حروف در این سوره بالاتر از درصد آنها در همه سوره های دیگر است. و آن جز اعجاز نمی تواند باشد. فکر نکنید که این عمل، کار آسانی است. نسبت این حرف (ق) به سایر حروف سوره (ق) که این حرف در آغاز آن واقع شده، از نسبت آن به تمام حروف سوره های ۱۱۴ گانه بیشتر است.

ضمن محاسبه ای که روی (سوره مریم) و (زمر)، نسبت (درصد) مجموع حروف (ک، ه، ی، ع، ص) در هر دو سوره، مساوی است، با اینکه باید در سوره مریم بیشتر باشد؛ زیرا لفظ (کهیعض) فقط در آغاز سوره مریم آمده است. اما همین که نسبت گیری را از رقم سوم اعشار بالا رود، روشن شد که نسبت مجموع این حروف در سوره مریم یک ده هزارم (۰/۰۰۰۱) بیش از سوره زمر است.

این تفاوت های جزئی، راستی عجیب و حیرت آور است. آیا اگر مشاهده کردیم انسانی در مدت ۲۳ سال با آن همه گرفتاری سخنانی آورد که نه تنها مضامین آنها حساب شده و از نظر لفظ و معنا و محتوا در عالیترین صورت ممکن بود، بلکه از نظر نسبت ریاضی و عددی حروف، چنان دقیق و حساب شده بود که نسبت هر یک از حروف الفبا در هر یک از سخنان او یک نسبت دقیق ریاضی دارد.

آیا نمی فهمیم که کلام او از علم بی پایان پروردگار سرچشمه گرفته ؟ با این دقت آیا می شود حرف و کلمه ای از قرآن را حذف کرد؟

سجده های واجب و مستحب در قرآن

در قرآن کریم در پانزده موضع، آیه سجده وجود دارد که در چهار مورد از آنها به محض خواندن یا شنیدن آیه، سجده کردن واجب است. و در بقیه مستحب می باشد. سوره های: **سجده فصلت نجم علق**

۱. **إِنَّمَا يُؤْمِنُ بِآيَاتِنَا الَّذِينَ إِذَا ذُكِرُوا بِهَا خَرُّوا سُجَّدًا وَسَبَّحُوا بِحَمْدِ رَبِّهِمْ وَ هُمْ لَا يَسْتَكْبِرُونَ** سجده

| | |
|-------------------------|-----------------------------|
| گروهی که آید چو نام خدا | بیاورده ایمان به آیات ما |
| ستایش نمایند یزدان پاک | به سجده بیفتند بر روی خاک |
| نتابند صورت ز یکتا خدا | که هرگز به کبر و غرور و هوا |

۲. **وَمِنْ آيَاتِهِ اللَّيْلُ وَالنَّهَارُ وَالشَّمْسُ وَالْقَمَرُ لَا تَسْجُدُوا لِلشَّمْسِ وَلَا لِلْقَمَرِ وَ اسْجُدُوا لِلَّهِ الَّذِي خَلَقَهُنَّ إِن كُنتُمْ إِيَّاهُ تَعْبُدُونَ** فصلت

| | |
|-------------------------------|------------------------------|
| بود ماه و خورشید و لیل و نهار | خود از جمله آیات پروردگار |
| نمائید سجده شما هیچگاه | نبایست در پیش خورشید و ماه |
| پرستید او را که کرده پدید | چو با جان و دل بر خدا عابدید |

۳. **فَاسْجُدُوا لِلَّهِ وَ اعْبُدُوا** نجم

بسائید سر را به سجده به خاک عبادت نمایند یزدان پاک

۴. **كَلَّا لَا تُطَعُّهُ وَ اسْجُدْ وَ اقْتَرِبْ** علق

تو از او اطاعت مکن هیچگاه بنه سر به سجده به یکتا اله

وجوب سجده در این آیات شریفه در مذهب اهل بیت علیهم السلام اجمالی است. و روایات آن در حدیث از جمله در وسائل الشیعه، ابواب قرائه القرآن، باب ۴۲ - ۴۳،

منقول است. و آن را (سجده تلاوت) می نامند **اقرء ربك خلق . و النجم و تنزيل**

السجدة و حم السجدة

اما یازده موردی که سجده در آنها مستحب است عبارتند از: ۱. اعراف ۲. رعد

۳. نحل ۴. کهف ۵. مریم ۶. حج ۸. فرقان ۹. نمل ۱۰. صاد ۱۱. انشاق

۱. إِنَّ الَّذِينَ عِنْدَ رَبِّكَ لَا يَسْتَكْبِرُونَ عَنْ عِبَادَتِهِ وَيُسَبِّحُونَهُ وَ لَهُ يَسْجُدُونَ اعراف ۲۰۶

کسانی که هستند نزد اله **ز طاعت نیچند سر، هیچگاه**

نمایند تسبیح یزدان پاک **بماند در سجده سر را به خاک**

۲. وَلِلَّهِ يَسْجُدُ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ طَوْعًا وَكَرْهًا وَظِلَالُهُم بِالْغُدُوِّ وَالْآصَالِ رعد ۱۵

هرآن چیز و هرکس که او را مکان **بود در زمین یا که هفت آسمان**

به همراه آثار خود در وجود **نمایند بر درگه حق سجود**

چه با میل و رغبت چه اجبار و زور **شکورند بر درگه او شکور**

۳. وَلِلَّهِ يَسْجُدُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ مِنْ دَابَّةٍ وَالْمَلَائِكَةُ وَ هُمْ يَسْتَكْبِرُونَ نحل ۴۹

هرآنچه بود در زمین و آسمان **ملك باشد او یا ز جنبندگان**

نمایند خود بی تکبر ثنا **نمایند تسبیح و ذکر خدا**

۴. إِنَّ الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ مِنْ قَبْلِهِ إِذَا يُتْلَى عَلَيْهِمْ يَخِرُّونَ لِلْأَذْقَانِ سُجَّدًا. اسرا ۱۰۷

بگو گر به قرآن که یزدان بداد **چه کافر شوید و چه مؤمن نهاد**

کسانی که دارند علمی تمام **رسیدند، زین پیش بر این مقام**

بر آنان چو گردد ز قرآن خطاب **نیوشند چون آیه های کتاب**

بیارند سر بر اطاعت فرود **نمایند خود با تضرع سجود**

۵. وَ مِمَّنْ هَدَيْتَنَا وَ اجْتَبَيْتَنَا إِذَا تَتْلَى عَلَيْهِمْ آيَاتُ الرَّحْمَنِ خَرُّوا سُجَّدًا وَ بُكِيًّا مریم ۵۸

گزیدیم ما، این کسان را و چند
 بکردیم از لطف خود بهره مند
 که چون آیه هایی ز رحمت ما
 بر ایشان تلاوت شود از خدا
 سر بندگی بر زمین بر نهند
 ز دل اشک اخلاص را سر دهند

۶. أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ يَسْجُدُ لَهُ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَمَنْ فِي الْأَرْضِ وَالشَّمْسُ وَالْقَمَرُ وَالنُّجُومُ وَالْجِبَالُ وَالشَّجَرُ وَالدَّوَابُّ حج ۱۸

ندیدی تو آیا به دو چشم جان
 که هرچه بود در زمین و آسمان
 ز خورشید و ماه و نجوم و درخت
 جبال و همه مردم نیکبخت
 ز جنندگان هرچه دارد وجود
 نمایند ذکر خدا و سجود

۷. يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا ارْكَعُوا وَاسْجُدُوا وَاعْبُدُوا رَبَّكُمْ وَافْعَلُوا الْخَيْرَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ حج ۷۷

پس ای مؤمنان پیش آن کان جود
 نماید هردم رکوع و سجود
 نکوی کند هرکه در روزگار
 سرانجام خواهد شدن رستگار

۸. وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ اسْجُدُوا لِلرَّحْمَنِ قَالُوا وَمَا الرَّحْمَنُ أَنَسْجُدُ لِمَا تَأْمُرُنَا وَزَادَهُمْ نُفُورًا فرقان ۶۰

چو بر خلق گوئی بیایید زود
 نمائیم بر ذات رحمان سجود
 بگویند رحمان خداوند کیست
 ندانیم منظور قوت که چیست
 نمائیم سجده به فرمان تو؟
 به خاک خداوند رحمان تو؟
 فزون می شود نفرت این کسان
 اگر خود تو دعوت کنی این خسان

۹. أَلَا يَسْجُدُوا لِلَّهِ الَّذِي يُخْرِجُ الْخَبَاءَ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَيَعْلَمُ مَا تُخْفُونَ وَ مَا تُغْلِنُونَ نمل ۲۵

خدائی که هفت آسمان و زمین
 ز نورش منور شده این چنین
 بود آگه از آشکار و نهان
 همه چیزها را بداند عیان
 اطاعت نورزند ز آن کردگار
 گسستند از یاد پروردگار

۱۰. وَ ظَنَّ دَاوُدُ أَنَّمَا فَتَنَّاهُ فَاسْتَغْفَرَ رَبَّهُ وَ خَرَّ رَاكِعًا وَ أَنَابَ ص ۲۴

بفهمید داود از این بیان نمودست ایزد ورا امتحان

در آن حال از آن سخنها و کار طلب کرد آمرزش از کردگار
۱۱. وَإِذَا قُرِئَ عَلَيْهِمُ الْقُرْآنُ لَا يَسْجُدُونَ. انشقاق ۲۱

چو قرآن بخوانند بر منکران نیفتند بر سجده این کافران

اما در مذهب **اهل سنت**، ابوحنیفه سجده را همه موارد پانزده گانه، واجب می داند. و شافعی همه آنها را مستحب مؤکد گفته است.

اسامی و صفات قرآن

قرآن و مُصحف (نام هایی که بشر بر قرآن قرار داده) اسم های عَلم قرآن است. یعنی این گونه اسم ها نیازی به قرینه ندارد و ذهن مخاطب را به مسمای خود رهنمون می کند. عناوین دیگری که در قرآن به طور یقین به صورت اسم برای آن مطرح شده عبارتند از: **تنزیل، کتاب، فرقان و ذکر** اما از میان صفات قرآن کریم، مشهورترین آنها در خور قرآن عبارتند از: **احسن الحدیث، بشیر، بلاغ، مبارک، بصائر، بیان، حکیم، شفاء، عزیز، حکیم، عظیم، مبین، مجید، کریم، متشابه، نذیر، مثانی** البته صفات دیگری هم در نهج البلاغه و صحیفه سجادیه و دیگر کتب روایی برای قرآن آورده شده که جز مواردی مانند ربیع القلوب، معمولاً از نامهای قرآنی استفاده شده. **فرقان**: در اصل مصدر است و به معنای فرق گذاردن. لکن در قرآن به معنای اسم فاعلی به کار رفته یعنی فارق و جدا کننده. در خیلی از موارد می شود آن را به معنای جداکننده حق از باطل گرفت. فرقان در برخی از روایات به آیات محکم اطلاق شده ولی قرآن همه آیات را شامل می شود. گفتنی است که این وصف از زبان پیامبر صلی الله علیه و آله درباره حضرت علی علیه السلام نیز به کار رفته. زیرا آن بزرگوار در قیامت، جداکننده مؤمنان از کافران و بهشتیان از دوزخیان خواهد بود.

کتاب مبین: در آیه دوم سوره زخرف این که حقایق قرآن آشکار، مفاهیمش روشن، دلایل صدقش نمایان و راههای هدایتش واضح و مبین است. امّ در لغت به معنای اصل و اساس هر چیزی است **ام الكتاب** یا **لوح محفوظ** به معنای کتابی است که اصل و اساس همه کتابهای آسمانی است و همان لوحی است که نزد خداوند از هرگونه تغییر و تبدیل و تحریفی محفوظ است و همان کتاب علم پروردگار است که همه حقایق عالم و حوادث آینده و گذشته و همه کتابهای آسمانی در آن درج شده است. پس منظور از ام الكتاب **لوح محفوظ** و مقصود از کتاب مبین صفتی از اوصاف قرآن است.

محکّمات و متشابهات در قرآن

محکّمات در قرآن مجید، آیاتی هستند که معنای آنها واضح و مراد خداوند متعال از آنها معلوم و روشن است. و آنها تقریباً هشتاد درصد قرآن را تشکیل می دهند.

در شیوه تفسیری قرآن به قرآن برای نمونه می توان از آیات محکم و آیات متشابه نام برد. آیات محکم معنا و مفهوم واضح و آشکار است ولی آیات **متشابه** غالباً نیاز به آیات محکم برای دریافت معنا و مفهوم دارد. برخی مسائل مطرح در قرآن، به ویژه آنجا که سخن از امور غیب و ماوراء الطبیعه است، اساساً با الفاظ قابل بیان نیستند. اما از آنجا که زبان بیان قرآن همین زبان بشری است ناگزیر آن موضوعات لطیف و معنوی با عباراتی بیان شده اند که بشر برای موضوعات مادی به کار می برد

اما برای جلوگیری از سوء فهم، مسائل در بعضی آیات به گونه ای طرح شده که باید حتماً به کمک آیات دیگر تفسیر شود و غیر از این راهی وجود ندارد. برای نمونه مفهوم این عبارت که انسان می تواند خدا را با قلب خود شهود کند. در قالب این آیه بیان شده است **وجوه یومئذ ناضره . إلی رَبِّها ناظِرَةٌ** (قیامه ۲۲ و ۲۳)

ببینند پرنور رخسار خویش

در آن روز افراد مؤمن به کیش

نظر کرده در روی پروردگار

ببینند با چشم دل کردگار

قرآن لفظ دیدن را به کار برده و لفظ مناسب تری برای ادای مقصود در اختیار نداشته است اما برای جلوگیری از اشتباه در جای دیگری توضیح می دهد لا تُدْرِكُهُ الْأَبْصَارُ وَ هُوَ يُدْرِكُ الْأَبْصَارَ ... (انعام ۱۰۳) هیچ چشمی او را درک نمی کند، ولی او بینندگان را مشاهده می کند.

کسی بر خداوند سازد نظر

نشانید که هرگز به چشم و بصر

همه دیدگان را ببیند خدا

و لیکن به هر حال و در هر کجا

با این بیان خواننده متوجه می شود که با وجود تشابه لفظی، این امور سنخیتی با هم ندارند و کاملاً از یکدیگر جدا هستند. قرآن برای جلوگیری از مشتبه شدن آن معانی شامخ و عالی با معانی مادی، می گوید متشابهات را به محکمت ارجاع دهید هُوَ الَّذِي أَنْزَلَ عَلَيْكَ الْكِتَابَ مِنْهُ آيَاتٌ مُحْكَمَاتٌ هُنَّ أُمُّ الْكِتَابِ وَأُخَرُ مُتَشَابِهَاتٌ (آل عمران ۷)

به سویت فرستاده است این کتاب

بلی او خدائست کو بر صواب

که اصل کتابست اندر بیان

که محکم بود برخی آیات آن

(یعنی دارای آنچنان استحکامی که نمی توان آنها را از معنی خود خارج کرده و معانی دیگر نتیجه گرفت) این آیات ام الكتاب (یعنی آیات مادر) هستند. به بیان دیگر، همان گونه که طفل به مادر رجوع می کند و مادر مرجع فرزند است و یا شهرهای بزرگ، ام القری. مرجع شهرهای کوچک تر به شمار می روند، آیات محکم نیز مرجع آیات متشابه به حساب می آیند. آیات متشابه برای فهمیدن و تدبر کردن هستند، اما باید به کمک آیات محکم در آنها تدبر کرد. بی گمان، فهم آیات متشابه بدون کمک آیات مادر، درست و معتبر نخواهد بود.

امام صادق علیه السلام می فرماید **اما المحکم فنؤمن به و نعمل و ندین به اما المتشابه فنؤمن به و لا نعمل به** محکم آن است که به ایمان می آوریم و عمل می کنیم و متشابه آن است که به ایمان می آوریم و عمل نمی کنیم. اما متشابهات آیاتی است که معنای آنها با برگردان به آیات محکم، معلوم می شود.

در میزان می فرماید: محکمت به این جهت **ام الكتاب** نامیده شده که متشابهات به آنها برگردانده می شوند

کلام امیرالمؤمنین در این که **مشتابهات** قفلهای ناگشودنی است و تا ابد پرده های آن برداشته نخواهد شد، صریح می باشد. آن جناب در خطبه اشباح به کسی که از او خواست تا خدا را توصیف کند، چنین فرمود **واعلم یا عبدالله ان الراسخین فی العلم هم الذین اغناهم الله فسمی ترکهم التعمق فیما یکلفهم البحث عنه (عن کهنه) رسوخا** بدان ای بنده خدا! راسخون در علم کسانی هستند که خداوند آنها را بی نیاز کرده از داخل شده به درهایی که درهای غیوب نامیده می شوند. آنها اقرار می کنند که تفسیر آن غیبهای مستور را نمی دانند. لذا در مقام عجز گفته اند **آمنا به کل من عند ربنا** خداوند در مقابل این اعتراف، آنها را مدح فرموده و عملشان را در ترک تعمق در این گونه حقایق رسوخ در علم نامیده است. پس معلوم می شود که این گونه آیات، پیوسته متشابه هستند و باید به مضمون آنها ایمان آورد و کشف حقیقت آنها را به خداوند واگذار نمود. از آیات متشابه را به عنوان نمونه نقل می نمایم

۱- **وَ إِذَا وَقَعَ الْقَوْلُ عَلَيْهِمْ أَخْرَجْنَا لَهُمْ دَابَّةً مِّنَ الْأَرْضِ تُكَلِّمُهُمْ أَنَّ النَّاسَ كَانُوا بِآيَاتِنَا لَا يُوقِنُونَ** نمل ۸۲

| | |
|---------------------------|------------------------------|
| چو هنگامه قهر آید فرا | که حتمی نمودست یکتا خدا |
| برانگیزد از ارض جنبنده ای | که باشد به یزدان خود بنده ای |
| به مردم بگوید به آیات دین | نگشتید مؤمن ز روی یقین |

این حقیقت به درستی معلوم نمی شود در بعضی از روایات به علی علیه السلام تفسیر شده است اما یقینی نیست .

۲- درباره معراج حضرت رسول صلی الله علیه و آله می خوانیم وَ لَقَدْ رَأَهُ نَزْلَةً أُخْرَى. عِنْدَ سِدْرَةِ الْمُنْتَهَى . عِنْدَهَا جَنَّةُ الْمَأْوَى . إِذْ يَغْشَى السُّدْرَةَ مَا يَغْشَى مَا زَاغَ الْبَصَرُ وَ مَا طَغَى . لَقَدْ رَأَى مِنْ آيَاتِ رَبِّهِ الْكُبْرَى (نجم ۱۳ تا ۱۷)

| | |
|--------------------------------|----------------------------|
| یکی بار دیگر رسول خدا | به چشمان خود دید آن نور را |
| زمانی که در سدره المنتهی | به معراج بالا بشد مصطفی |
| بهشت است خود در همان جایگاه | همان جا بود جنت و پایگاه |
| پس آن سدره را آنچه پوشانده بود | پوشانده بودش به امر و دود |
| نشد دیده اش منحرف آن رسول | نه بگذشت از حد خلاف قبول |

این آیات راجع به شب قدر و تعیین سرنوشت در آن می باشد. ما قرآن را در یک شب پر برکت نازل کرده ایم.

ما انذار کننده ایم. هر امر با حکمت در آن شب از هم جدا می شود، روی فرمانی از جانب ما که ارسال کننده ایم.

وقوع خارجی این آیات چیست، کارها چطور از هم جدا می شود و نصیب هر کس چگونه به سوی او می آید. اینها بر ما پوشیده است و تا ابد پوشیده خواهد ماند.

۳. تَنْزِيلُ الْمَلَائِكَةِ وَ الرُّوحُ فِيهَا يَأْتِنُ رَبِّهِمْ مِنْ كُلِّ أَمْرٍ

| | |
|-------------------------|-----------------------------|
| ملائك و جبریل بر امر رب | به پیغمبر و بر امامان به شب |
| نمایند از هر اموری بیان | که تقدیر خلق است در آن نهان |

ملائکه و روح در آن شب (شب قدر) برای تمشیت هر کاری با اذن خدا نازل می شوند اما چطور نازل می شوند؟ و چگونه تمشیت می دهند و... برای ما نامعلوم است.

فلسفه آیات محکم و متشابه قرآن

علت وجود متشابه آن است که مردم به طرف اولیاء الله بروند و از آنها بخواهند. اما علت اولی را که ما اختیار کردیم، قانع کننده تر است.

و همچنین به نظر بعضی : علت متشابه آن است که قرائن و استثناهای یک آیه در آیات دیگر و روایات آمده است. و بدون آنها، مقصود از آیه روشن نمی شود.

این سخن فی نفسه درست است ولی چون آن آیات به وسیله آیات دیگر و روایات روشن شدند، دیگر متشابهی نمی ماند. و حال آنکه دو صفت محکمت و متشابهات، پیوسته خواهند بود

امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: (بدان ای بنده خدا! **راسخون در علم** کسانی هستند که خداوند آنها را بی نیاز کرده از داخل شده به درهائی که درهای غیوب نامیده می شوند. آنها اقرار می کنند که تفسیر آن غیبهای مستور را نمی دانند.

لذا در مقام عجز گفته اند **آمنا به کل من عند ربنا** خداوند در مقابل این اعتراف، آنها را مدح فرموده و عملشان را در ترک تعمق در این گونه حقایق رسوخ در علم نامیده است

پس معلوم می شود که این گونه آیات، پیوسته متشابه خواهند ماند و باید به مضمون آنها ایمان آورد و کشف حقیقت آنها را به خداوند واگذار نمود.

لوح محفوظ و أم الكتاب

لوح به هر صفحه از صفحه های چوب یا استخوان شانه جانوران گفته می شود که بر آن چیزی نوشته می شود. اما لوح محفوظ که در آیاتی از جمله ۲۲ بروج و الله من ورائهم محیط بل هو قرآن مجید فی لوح محفوظ به آن اشاره شده،

محیط است بر کارشان کردگار
بود آگه از فکر و احوال و کار
بلی هست قرآن کتابی مجید
کتابی که از سوی یزدان رسید
که در لوح محفوظ آن ذوالجلال
شده ثبت با این شکوه و کمال

لوح خاصی است که به نظر می رسد کیفیت و چگونگی آن بر ما مخفی و نهان است و بشر اطلاعاتی از آن ندارد و یا اگر دارد بسیار اندک و کم است، به گونه ای که نمی توان براساس آن نسبت به کیفیت لوح سخنی گفت و تحلیل و تبیین ارایه نمود. (مفردات الفاظ ص ۷۵۰)

آگاهی و شناخت ما از لوح محفوظ به همان میزانی است که در اخبار برای ما روایت شده است. به نظر می رسد که در قرآن غیر از اصطلاح لوح محفوظ، اصطلاح دیگری برای بیان این مقصود و منظور وجود دارد که همان اصطلاح ام الكتاب است، **ام الكتاب** به معنای مادر کتاب ها و نوشته ها، چیزی است که در جانب راست عرش الهی واقع شده است (جامع البیان ج ۱۵ جزء ۳۰ ص ۱۴۰ و ج ۹، ۱۰ ص ۷۱۱).

مفسران با توجه به روایات تفسیری در برخی از آیات، اصطلاح الكتاب را به معنای **ام الكتاب** و لوح محفوظ گرفته اند. به عنوان نمونه، فخر رازی با توجه به آیه ۶ احزاب **كَانَ ذَلِكَ فِي الْكِتَابِ مَسْطُورًا**

بگردیده مسطور اندر ازل
چه کس بر چنین کار ورزد عمل

براین باور است که مقصود از کتاب. در این آیه، همان لوح محفوظ و ام الكتاب است. (محفوظ الكبير مفاتيح الغيب ج ۹ ص ۱۵۹)

همچنین واژه کتاب را در آیه ۵۲ طه قَالَ عَلَّمَهَا عِنْدَ رَبِّي فِي كِتَابٍ لَا يَضِلُّ رَبِّي وَلَا يَنسَى به معنای لوح محفوظ دانسته (مجمع البيان ج ۷ و ۸ ص ۲۳)

بفرمود موسی به علم ازل همه ثبت گشته است حال و محل

که حال کسی را یگانه خدا فراموش نخواهد کند یا خطا

زمخشری نیز واژه امام در آیه ۱۲ یس إِنَّا نَحْنُ نُحْيِي الْمَوْتَىٰ وَنَكْتُبُ مَا قَدَّمُوا وَآثَرَهُمْ وَكُلَّ شَيْءٍ أَحْصَيْنَاهُ فِي إِمَامٍ مُّبِينٍ را به معنای لوح محفوظ گرفته.

دگرباره ما زنده سازیم باز همه مردگان را ز خوابی دراز

وز اعمال پیشین و کار پسین ز پیش و پس مرگ اندر زمین

هرآنچه نمودند بنوشته است در آن کارنامه که گیرند دست

به يك لوح محفوظ ، پروردگار نوشتست آن جمله را آشکار

این بدان معناست که از نظر مفسران بزرگ قرآن، برای اصطلاح لوح محفوظ، واژگان و اصطلاحات دیگری نیز در قرآن وجود دارد که می توان آن را با توجه به ویژگی هایی که برای لوح محفوظ گفته اند، به دست آورد.

نقش باور به لوح محفوظ در زندگی

لوح دو کارکرد مهم و اساسی دارد؛ آنچه اتفاق می افتد و اتفاق افتاده در این لوح ثبت و ضبط میشود. شخصی که باور دارد که همه هستی در مسیر حکمت الهی تحت ربوبیت خداوندی حرکت میکند، هرگز نسبت به مصیبتی صبر و شکیبایی خود را از دست نمیدهد، زیرا میداند که خداوند به حکمت و علتی این مصیبت را بر او وارد ساخته است. به این معنا که تنبیه و مجازاتی است برای او یا آنکه می خواهد او را به

ظرفیتی تازه و برتر برساند.

از سوی دیگر، آنچه انجام میدهد نیز در همین لوح محفوظ ضبط و حفظ میشود و در حقیقت هرکسی خود را چنان میسازد که در لوح محفوظ ثبت میکند قَالَ فَمَا بَالُ الْقُرُونِ الْأُولَى قَالَ عَلِمَهَا عِنْدَ رَبِّي فِي كِتَابٍ لَا يَضِلُّ رَبِّي وَلَا يَنْسَى (طه ۵۱ و ۵۲ و مجمع البیان ج ۷ و ۸ ص ۲۳)

پرسید فرعون برگو کنون که احوال پیشینیانست چون

بفرمود موسی به علم ازل همه ثبت گشته است حال و محل

که حال کسی را یگانه خدا فراموش نخواهد کند یا خطا

چنین باور و نگرشی نسبت به حقایق هستی انسان را به سوی نوعی از زندگی میکشاند که همان سبک زندگی **لا جبر و لا تفویض بل منزله بین المنزلین** است. در چنین حالتی انسان به نوعی آرامش دست می یابد که جز از طریق فهم و درک درست لوح محفوظ و مانند آن امکان پذیر نیست.

برای اینکه با اصطلاح قرآنی لوح محفوظ و نقش آن در هستی و زندگی بشر آشنا شویم، بهتر آن است پیش از هر بحثی، نگاهی به اوصاف و ویژگی لوح محفوظ از نگاه قرآن و وحی داشته باشیم.

اوصاف و ویژگی های لوح محفوظ

لوح محفوظ دارای ویژگی های چندی است که توجه به این ویژگی ها می تواند فهم ما را نسبت به جایگاه آن در مساله جبر و اختیار و قضا و قدر نیز افزایش دهد. از جمله ویژگی های مهمی که قرآن برای لوح محفوظ برشمرده، جامعیت آن است. خداوند در آیاتی چند از جمله آیه **أَلَمْ تَعْلَمْ أَنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ مَا فِي السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ إِنَّ ذَلِكَ فِي كِتَابٍ إِنَّ ذَلِكَ عَلَى اللَّهِ يَسِيرٌ** حج ۷۰

ندانی که داند خدای جهان هرآنچه بود در زمین و آسمان

اگر اتفاقی فتد در عمل بر آنست آگه به علم ازل

چه سهلست این کار بر کردگار خدائی کزو یافت گیتی قرار

آیا ندانسته ای که خداوند آنچه را در آسمان و زمین است می داند اینها (همه) در کتابی (مندرج) است قطعا این بر خدا آسان است

و ۱۱ فاطر، لوح محفوظ را کتاب جامع حوادث مربوط به همه موجودات آسمان و زمین معرفی میکند. وَاللَّهُ خَلَقَكُمْ مِّن تُّرَابٍ ثُمَّ مِّن نُّطْفَةٍ ثُمَّ جَعَلَكُمْ أَزْوَاجًا وَمَا تَحْمِلُ مِنْ أُنثَىٰ وَلَا تَضَعُ إِلَّا بِعِلْمِهِ وَمَا يُعَمَّرُ مِنْ مُّعَمَّرٍ وَلَا يُنْقَصُ مِنْ عُمُرِهِ إِلَّا فِي كِتَابٍ إِنَّ ذَلِكَ عَلَى اللَّهِ يَسِيرٌ (کشاف زمخشری ج ۳ ص ۱۷۰ و مجمع البیان ج ۷ و ۸)

شما را خداوند روز نخست ز خاک و ز نطفه بکرده درست

که در خلقت آدمی کردگار شما را همی جفت داده قرار

زنان هرچه زاینند و گیرند بار بود تحت دانائی کردگار

ز کوتاهی عمر و عمر دراز به علم الهی شده ثبت باز

که بسیار آسان بود بر خدا براند چنین کارها در قضا

اینکه خداوند در برخی از آیات از جمله آیه ۴ زخرف وَ إِنَّهُ فِي أُمِّ الْكِتَابِ لَدَيْنَا لَعَلِيٌّ حَكِيمٌ آن را با نام ام الكتاب معرفی کرده

همانا که قرآن کتاب خدا بود ثبت در لوح محفوظ ما

ورا پایه بسیار باشد بلند اساسش بود محکم و پایبند

میتوان دریافت که همه هستی در این کتاب وجود دارد؛ زیرا ال. در الكتاب به معنای لام جنس و مفید استغراق است.

بنابراین، لوح محفوظ، مادر همه کتاب هاست و چیزی بیرون از آن نمی باشد. خداوند در آیه ۷۵ نمل و مَا مِنْ غَائِبَةٍ فِي السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ إِلَّا فِي كِتَابٍ مُّبِينٍ

یکی چیز اندر زمین و آسمان نبودست از دید یزدان نهان

کتاب الهی پروردگار همه چیز در آن بود آشکار

و قَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لَا تَأْتِينَا السَّاعَةُ قُلْ بَلَىٰ وَرَبِّي لَتَأْتِيَنَّكُمْ عَالِمِ الْغَيْبِ لَا يَعْزُبُ عَنْهُ مِثْقَالُ ذَرَّةٍ فِي السَّمَاوَاتِ وَلَا فِي الْأَرْضِ وَلَا أَصْغَرُ مِنْ ذَلِكَ وَلَا أَكْبَرُ إِلَّا فِي كِتَابٍ مُّبِينٍ

بگفتند کفار هرگز به ما سبأ زمان قیامت نیاید فرا

تو سوگند می خور به یکتا اله که البته آید قیامت ز راه

خدا هست آگه به غیب جهان بداند همه آشکار و نهان

میان سپهر و زمین هیچ چیز اگرچه بود خرد همچون پشیز

نبودست صاحب کمال و وجود مگر آنکه در علم حق ثبت بود

شده ثبت اندر کتاب مبین همه چیز در آسمان و زمین

به جامعیت لوح محفوظ، نسبت به حقایق آسمان و زمین اشاره میکند

تفسیر و تاویل آیات قرآن

بیان معنی آیات محکم را تفسیر گویند، و بیان معنی آیات متشابه و دیگر وجوه و احتمالات او را تاویل گویند .

کاربردهای تاویل

۱. تاویل متشابه: تاویل آیه یعنی توجیه صحیح و معانی پنهانی آیه به گونه ای که

عقل و نقل آن را بپذیرد. مانند رفتار حضرت خضر علیه السلام که در پایان مصاحبتش با

حضرت موسی علیه السلام گفت ذَلِكَ تَأْوِيلُ مَا لَمْ تَسْطِعْ عَلَيْهِ صَبْرًا

این بود تاویل (معنی پنهان) آنچه که نتوانستی بر آن شکیبایی ورزی. در این موارد **تاویل** به معنی **کشف معنی باطنی آیه** می باشد که در بعضی احادیث هم آمده پاینده بودن کتاب خداست .

۲. تاویل به معنی تعبیر خواب : این مفهوم در سوره یوسف علیه السلام چند بار به کار رفته است مانند آیه ۴۴ **قَالُوا أَضْغَاثُ أَحْلَامٍ وَمَا نَحْنُ بِتَأْوِيلِ الْأَحْلَامِ بِعَالَمِينَ** گفتند: خوابهایی است پریشان و ما به تعبیر خوابهای آشفته دانا نیستیم.

۳. مآل و سرانجام کار : این معنا در اسراء ۳۵ آمده **وَ أَوْفُوا الْكَيْلَ إِذَا كِلْتُمْ وَ زُنُوعًا بِالْقِسطِ الْمُسْتَقِيمِ ذَٰلِكَ خَيْرٌ وَأَحْسَنُ تَأْوِيلًا**

به میزان و با عدل سنجید چیز
خیانت نوزید قدر پیشیز
که این کار بهتر بود در صفت
سرانجام آن نیز خوش عاقبت

یعنی عاقبتش بهتر است. با عنایت به تعریفی که درباره آیات متشابه شد روشن می شود که فهم معانی صحیح آنها، جز با تاویل صحیح یعنی استفاده از محکمت صورت نمی گیرد. زیرا معانی ظاهری مخالف عقل و اصول اعتقادی است. از این رو تاویل چنین آیاتی بایسته و ضروری است .

اعجاز قرآن مجید

قرآن مجید، جوهری از اعجاز دارد. و علما آن وجوه اعجاز را چنین فرموده اند:
الف: قرآن کریم مشحون از **زیباترین تشبیهات، استعارات و تمثیلهاست**. بنیاد فنون بلاغت و صنایع ادبی، یعنی دانش معانی، بیان، بدیع، رهین کاربردهای قرآنی است؛ اما در عین حال معیارهای اساسی حقیقت‌گویی، خردمحوری، ارزش‌های انسانی و اخلاقی، همواره مورد توجه و مراعات است. (کتاب مثل‌های اینجانب مراجعه شود)
مثال حق، به آب و باطل به کف روی آب - شجره‌ی طیبه و باطل به شجره‌ی خبیثه - تشبیه اعمال کفار به خاکستری در برابر تندباد - و یا تشبیه کارهای آنان، به سراب

- تشبیه بت‌ها و طاغوت‌ها به خانه عنکبوت - مثال پشه و مگس و عجایب خلقت
- مراحل آفرینش انسان - مثال از منظومه شمسی - مثال دانشمند بی‌عمل به الاغی
که کتاب حمل می‌کند.

ب: اعجاز از جهت بیان مسائل ناشناخته علمی

در عصر قرآن مانند: خبر از حرکت زمین (نمل ۱۸۸); توازن قوه جاذبه و دافعه در کرات
آسمانی (رعد ۲); حرکت منظومه شمسی (یس ۳۸ و ۴۰); گسترش جهان (ذاریات ۴۷);
زندگی در کرات دیگر (شوری ۲۹); زوجیت گیاهان (طه ۵۳); علل نزول باران و تگرگ
(نور ۴۳); و... (کتاب اعجاز علمی اینجانب مراجعه شود)

ج: اعجاز از جهت پیش‌گویی‌ها و اخبار غیبی :

پیروزی رومیان بر ایرانیان در کمتر از ۱۰ سال; - شکست مشرکان قریش که در مکه
پیش‌بینی شد; (قمر ۴۴ و ۴۵) - وجود حضرت فاطمه سلام الله علیها و ادامه نسل پیامبر صلی
الله علیه و آله (سوره کوثر) - عدم ایمان ابولهب و مرگ او در حال کفر، (سوره تبت) -
امدادهای غیبی که خدا در جنگ‌ها وعده داده و... در انتهای کتاب مشروح می‌آید

عناوینی که در قرآن به عنوان اعجاز وجود دارد

۱ - اعجاز از نظر **بلاغت و امی** (معانی و حسن عبارت که مجموعاً به فصاحت بیان
تعبیر می‌شود) و از جانب فردی که امی می‌باشد و معلمی نداشته اند آمده است .
۲- اعجاز قرآن از نظر **معانی**، قرآن معانی بلند و مطالب پیچیده را در یک عبارت کوتاه
بیان فرموده که هیچکس قادر به بیان آن نیست

۳- اعجاز از نظر **محفوظ ماندن** قرآن از گزند آسیب و تحریف (حجر ۹)

۴- اعجاز قرآن از نظر **کثرت معانی** که بشر قادر به ایراد آن نیست. که با پیشرفت
علم معنا پیدا می‌کند.

- ۵- اعجاز قرآن از نظر **جمع علوم** که بشر به آن احاطه ندارد.
- ۶- اعجاز قرآن از نظر **برهان و دلایل بر توحید**. تمام آیات دال بر توحید و یگانه پرستی است.
- ۷- اعجاز قرآن از نظر **امدادهای غیبی**. و احاطه بر اخبار و منویات و اندیشه و افکار انسانها.
- ۸- اعجاز قرآن از نظر خبر دادن از **ضمائر قلوب مردم** که جز خدا کسی را بر آن وقوف نیست.
- ۹- اعجاز قرآن از نظر **نکات روانشناسی**.
- ۱۰- اعجاز قرآن از نظر **چگونگی و پیدایش جهان هستی**.
- ۱۱- اعجاز قرآن در **امکان** طی الارض در گذشته و حال. حضرت سلیمان علیه السلام
- ۱۲- اعجاز قرآن از نظر **کثرت تلاوت**، که هر اندازه قرآن بیشتر تلاوت گردد نه از فصاحت آن در ذوق سلیم کسر میشود و نه ملالت می آورد و طبع بشر مایلتر به تلاوت و فهم آن است.
- ۱۳- اعجاز قرآن از نظر **ترتیب کلام**، در سخن گفتن نثر،
- ۱۴- اعجاز قرآن از نظر عجز معارضه **ناتوانی مقابله کردن** ملل گوناگون با آن که هر چند کوشش و پشتیبانی از یکدیگر کردند نتوانستند حتی یک آیه نظیر آن بیاورند.
- ۱۵- اعجاز قرآن از نظر معراج پیامبر. پیشگویی از آینده و تاریخ گذشتگان و پیامبران.
- ۱۶- اعجاز سماوی و در ارتباط با اجزای منظومه شمسی. شگفتی های اعضای بدن و طبی و سونگرافی قرآن. اعجاز جانوران و حیوانات و حشرات و عجایب خلقت و زندگی. اعجاز نباتی و گیاهان متنوع و زوجیت و قرآن کریم از ابعاد و زوایای مختلف مانند وضع قوانین، طرح مسائل تاریخی، پیشگوییها و اخبار غیبی، علوم روز و مسائل ناشناخته علمی در عصر قرآن، معارف و طرح مسائل عقیدتی و... معجزه است.

شگفتی های قرآن

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: برای قرآن ظاهری و باطنی است، ظاهر آن حکم و باطن آن علم است. ظاهر آن زیبا و دل انگیز و باطن آن ژرف و عمیق است. آن را نجومی، و بر نجوم آن نجومی است. شگفتی های آن از شماره بیرون است و غریب و عجایب آن کهنه نمی شود، در آن چراغ های هدایت و مشعل های حکمت است ... قرآن را درست بخوانید و در جستجوی شگفتی های آن باشید (کافی ج ۲)

امام سجاد علیه السلام: خدایا! بر محمد و آلش درود فرست ، و چنان قرار ده ... تا فهم شگفتی های قرآن را نصیب دل های ما گردانی. صحیفه دعای ۴۲

امام حسین علیه السلام: کتاب خدای ، عزوجل ، دارای چهار بخش : **عبارت ظاهر، اشاره، لطایف و حقایق** (عبارت ظاهر برای عوام، اشارت برای خواص، لطایف برای اولیا و حقائق برای انبیاء است. (بحار الانوار، ج ۹۲، ص ۲۰)

امام صادق علیه السلام: قرآن را تأویلی است که بعضی از آن آمده و بعضی هنوز نیامده است، پس چون تأویل در زمان امامی از امامان واقع شود، امام آن زمان، آن را خواهد دانست. (بحار الانوار ج ۹۲ ص ۲۰)

الف، شگفتی اعراب جاهلیت از قرآن عرب جاهلی از جهاتی درباره قرآن انگشت تعجب به دندان می گرفت. اگر پس از مرور زمان دانشمندان اسلام به جهات دیگری از اعجاز قرآن پی بردند و اعجاز آن را از جهات مختلفی ثابت نموده اند، مطلبی است صحیح و استوار ولی این جهات برای عرب معاصر قرآن مطرح نبوده و عقل و فکر و اندیشه آنان به آن نمی رسید

ب، اهرام مصر و سخن قرآن در مورد آن برای دانشمندان غربی روشن گردیده سنگهایی که از آنها برای ساختن اهرام در مصر استفاده می شده فقط از جنس گل

بوده و این دانشمندان تصور می کنند که این کشف علمی اختصاص به آنان دارد ،
درحالیکه قرآن کریم در ۱۴ قرن پیش در این کشف از آنان سبقت گرفته است ...!

ج، پس امروز جسد (بی جان) ترا نجات می دهیم

خداوند متعال اراده کرد که فرعون را غرق کند و سپس جسدش را باقی گذارد تا امروزه
مردم عصر ما این جسد را ببینند تا جاییکه این موضوع اعجاب دانشمندان را برانگیزد
و این در حالی است که جسد فرعون هنوز همچنان گذشته سالم باقی مانده!

دانشمندانی که کار سرپرستی جسد مومیایی او را به عهده دارند، از اینکه چگونه جسد
فرعون علیرغم غرق شدنش نجات یافته، از اعماق دریا بیرون آورده شده و امروزه به
دست ما رسیده است شگفت زده شده اند و این همان حقیقتی است که قرآن در آیه
ای عظیم آن را بیان فرموده است . (به کتاب اعجاز علمی اینجانب مراجعه شود)

آیات و روایات ده گانه درباره آینده جهان

قرآن در باره سرنوشت جامعه ها به روشنی سخن گفته و با ملاحظه آیاتی که در این
زمینه وارد شده می توان نظریه قرآن را در جهات مختلف مسأله دریافت

۱. صالحان وارثان زمین می شوند آینده نگری انسان او را وادار می کند که از آینده
جهان و سرنوشت بشر خبری به دست آورد، قرآن معتقد است مشیت الهی بر این
تعلق گرفته که در آینده، فقط صالحان وارثان زمین خواهند بود، و حکومت جهان و
اداره امور را به دست خواهند گرفت و حق و حقیقت در موضع خود استوار خواهد
بود و باطل بر آن پیروز نخواهد شد.

۲. استقرار آیین خدا و گسترش امنیت در جهان قرآن در دو مورد از برقراری آیین
اسلام در جهان، و پیروزی آن، بر دین های دیگر خبر داده است و این گزارش غیبی

تاکنون محقق نگردیده و طبق روایات، ظرف تحقق آن، دوره دیگری است که در آن، آخرین وصی پیامبر حضرت مهدی ارواحنفاذ زمام امور را بدست می گیرد و اسلام را در سراسر شرق و غرب منتشر می سازد.

۳. پیروزی پیامبران در طول تاریخ برای اشاعه مکتب خود، مجاهدت ها و کوششها کرده اند، ولی هرگز نتوانسته اند مکتب خود را در سراسر جهان پیاده کنند و در هر عصری گروههای بی شماری به مخالفت با پیامبران برخاسته و سد راه آنان بودند. ولی قرآن مبارزه های اهل باطل را با مکتب حق یک مبارزه موقت تلقی می کند و معتقد است که سنگرهای باطل سرانجام فرو ریخته و برنامه پیامبران در جهان گسترش پیدا خواهد کرد.

۴. در مبارزه حق و باطل، حق، همواره پیروز است آیات قرآن نه تنها نظام تکوین را نظام خیر، و غلبه خیر بر شر می داند، بلکه سرانجام، نظام اجتماعی انسان را نظام استوار می داند که در آن نظام توحید بر نظام شرک و طاغوت غلبه کرده و پیروزی از آن صالحان و راستگویان خواهد بود.

۵. کمک های غیبی در سرانجام جامعه ها قرآن معتقد است که در سرانجام جامعه ها، افراد، فداکاری پیدا می شوند که با تمام قدرت در عزت اسلام و ذلت کفر می کوشند و از این طریق به گروهکها هشدار می دهد که اگر از جاده مستقیم توحید منحرف شوند و به وادی جاهلیت باز گردند،

هرگز آیین حق با انحراف آنان نابود نمی شود، و در طول تاریخ که جامعه انسانی رو به کمال است افرادی پیدا می شوند که خداوند آنان را دوست دارد و آنان نیز خدا را دوست دارند، آنان در مقابل گروه با ایمان متواضع و در برابر کافران عزیز و سرکشند، در راه خدا کوشش می کنند و از سرزنش سرزنش کنندگان نمی ترسند، روایات از یک رشته تکامل ها و پیشرفت ها در عقول و خردها، در صنایع و تکنیک، گزارش داده

همچنان که از جهانی شدن عدل اسلامی و آیین توحید قاطعانه خبر می دهند، (به این دو کتاب ذیل مراجعه شود)

۸ بسم الله الرحمن الرحيم

وجود و ظهور منجی، امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف)، و آیات قرآن

مؤلف: محمود زارع پور



1

۶ بسم الله الرحمن الرحيم

اعجاز علمی، پیشگویی و شکفتنی های قرآن

پدیدآورنده: محمود زارع پور



تَحْدَى قَرآنِ مَجید

تَحْدَى یعنی مبارزه طلبی در اینجا یعنی قرآن همه مردم را در عمه عصرها دعوت به مبارزه می کند و از آنها می خواهد اگر می توانند یک سوره یا ده آیه مانند قرآن بیاورند اگر معتقدید قرآن معجزه نیست. ولی آنچه را که قرآن مجید، خود به آن تکیه می کند؛ آوردن مثل قرآن یا ده سوره و یا کتاب سوره از آن می باشد. اگر می گوید این کتاب از جانب خدا نیست و مخلوق بشر است پس شما نیز مانند او بشر هستید، نظیر آن را بیاورید فَأَتُوا بِسُورَةٍ مِّنْ مِّثْلِهِ ، و گاهی فرموده : ده سوره نظیر آن را بیاورید و گاهی نیز می فرماید: مثل آن را بیاورید ولی نگفته.

۱. معجزات انبیای گذشته مخصوص به زمان خاص خودشان بوده است و امروزه چیزی از آنها در دسترس ما قرار ندارد. در این میان، تنها قرآن را می یابیم که ادعا می کند یک معجزه همیشگی است.

۲. قرآن کریم برای اثبات صحت ادعای خود، تمامی عالمیان را آشکارا به مبارزه می خواند تا اگر می توانند کلماتی مانند آیات قرآن بیاورند.

۳. آن وجه اعجاز قرآن کریم که قرآن نسبت به تک تک سور خود بدان تحدی نموده، فصاحت و بلاغت آیات آن است. البته برای قسمت‌های مختلف قرآن، علاوه بر فصاحت و بلاغت، وجوه دیگری از اعجاز وجود دارد.

۴. از یکسو مخالفین اسلام در عمل چه در اعصار گذشته و چه در عصر حاضر از پر هزینه‌ترین و سخت‌ترین کارها برای بطلان اسلام دریغ نورزیده‌اند و از سوی دیگر در برابر ساده‌ترین اقدام که پاسخگویی به مبارز طلبی قرآن بود سکوت کردند و هیچ نمونه قابل توجهی که از لحاظ فصاحت و بلاغت، صاحب‌نظران، آن را همتای قرآن بدانند نیاورده‌اند و این در حالی است که هم انگیزه کافی داشتند و هم ادیبان عرب

توانا. این خود بهترین دلیل از عجز آنها در برابر قرآن می باشد.

۵. در قرآن، در موارد متعددی اشاره به اسرار خلقت شده که سر آنها قرن‌ها بعد معلوم شده. این حاکی از آن است که قرآن از سوی کسی نازل شده که احاطه کامل بر اسرار خلقت داشته است.

۶. در قرآن، در موارد متعددی پیش‌گویی‌های غیبی آمده که بعداً محقق شده و این نشان می‌دهد که قرآن از سوی کسی نازل شده که احاطه به غیب دارد.

۷. قرآن با این همه وجوه اعجاز که ذکر شد به وسیله پیامبری آورده شده که به گواهی تاریخ درس ناخوانده بوده. این امر به وضوح نشان می‌دهد که او قرآن را از پیش خود نیاورده است بلکه از سوی پروردگار عالمیان فرو فرستاده شده است.

قرآن معجزه‌ای است برای تمامی اعصار و برای تمامی ملتها و بنابراین، این کتاب مقدس از جانب خدا نازل گشته است. همچنین با مشخص شدن اعجاز قرآن، صدق ادعای نبوت پیامبر اسلام آشکار می‌گردد. بنابراین امروزه تمامی انسانها می‌توانند با تحقیق و بررسی در خصوص این کتاب و مشاهده اعجاز آن، به نبوت پیامبر اسلام و حقانیت آیین او پی ببرند.

گرچه قرآن کتاب علوم نیست و به منظور مسایل علمی نیز نازل نشده و منظور و هدف قرآن هدایت و رهبری جامعه بسوی سعادت دنیا و آخرت است ولی در عین حال قرآن در بسیاری موارد از این گونه مسایل در راه هدف خاص خود بهره برده و از آنها به صورت نشانه‌هایی از قدرت لایزال الهی یاد کرده. لذا در موارد متعددی، اشاره به بسیاری از اسرار خلقت نموده. این امر خود نشان دهنده آن است که قرآن از سوی کسی نازل شده که احاطه کامل به اسرار طبیعت داشته و او کسی نیست جز آفریننده طبیعت.

مدعیانی که از قرآن شکست خوردند!

معارضین قرآن هر چه بیشتر تلاش می نمودند، کمتر نتیجه می گرفتند و به عجز خویش بیشتر آگاه می شدند و عظمت قرآن را گسترده تر درک می کردند. در هنگام طلوع خورشید اسلام و ظهور کتاب آسمانی قرآن، آن مشعل هدایت، به صحنه نبرد با حق پرداخته و در برابر قرآن ایستادگی نموده اند و چنین ادعا کردند: که قرآن می تواند، همانند داشته باشد؛ زیرا قرآن، کتابی فوق العاده و خارق العاده و معجزه نیست، قرآن کلام الهی نیست، بلکه کلام بشری است و آن ها هم می توانند، همانند آن را بیاورند. از آن جمع نادان و بی خبر از خدا، عده ای قدم فراتر نهاده و خود را پیامبر آسمانی نیز معرفی کرده اند که تاریخ چهره این دروغگویان را برای نسل های بعد روشن ساخته است. اینان که به معارضه با قرآن پرداختند، کلامی آوردند که هیچ تشابهی با قرآن نداشت و آن ها را بیش از پیش رسوا نمود. آن ها از معارضه با قرآن نه تنها سودی نبردند، بلکه چهره دروغین آن ها بیشتر آشکار گردید

۱. مسیلمه کذاب : سه از جمله بافته ها و مجعولات او در معارضه با قرآن چنین گزارش شده:

الف. الفیل و ما الفیل و ما ادراک ما الفیل، له ذنب و بیل و خرطوم طویل.
ب. لقد انعم الله علی الحبلی اخرج منها نسمة تسعی من بین صفاق وحشی.
ج. و المبذرات زرعاً و الحاصدات حصداً و الذاریات قمحاً و الطاحنات طحناً و الخابزات خبزاً و الثاردات ثرداً و اللاقمت لقمماً. اهالّة و سمناً لقد فضلتم علی اهل الوبر و ما سبقکم اهل المدر. هر کس با زبان عربی آشنا باشد و قرآن را مطالعه نماید، به ساختگی آن ها پی می برد.

۲. عبدالله بن مقفع او کتاب کلیله و دمنه را به زبانی بدیع به عربی برگردانیده. او می گوید: این قرآن از سنخ و جنس کلام بشر نیست و من همواره در این عبارت به

فکر فرو رفته‌ام و نمی‌توانم مانند آن را بیاورم و آن چنین است. **وَ قِيلَ يَا أَرْضُ ابْلَعِي مَاءَكَ وَ يَا سَمَاءُ أَفْلَعِي وَ غِيضَ الْمَاءِ وَ قُضِيَ الْأَمْرُ وَ اسْتَوَتْ عَلَى الْجُودِيِّ وَ قِيلَ بُعْدًا لِلْقَوْمِ الظَّالِمِينَ** هود ۴۴

زمین را بیامد از ایزد خطاب
هم اکنون فروبر، به خود موج آب
بر آن آسمان گفته آمد سخن
که باران خود را دگر قطع کن
به يك لحظه دریا بشد خشك و سفت
قضای خداوند صورت گرفت
به جاماند کشتی به کوه جودی
دگر عمر آن ظالمان گشت طی

۳. مشاهیر مادیین عرب، در مسجدالحرام گرد آمده و در مورد حج، اسلام و پیامبر صلی الله علیه و آله سخن می‌گفتند. و ناراحتی خود را از نیرومندی مسلمانان بازگو می‌کردند. سپس به اتفاق آراء تصمیم گرفتند با قرآن که اساس و محور اسلام است معارضه کنند. لذا هر یک از آنها تعهد کرد که تا یک سال، ربع قرآن را بسازد! سال دیگر که باز در موسم حج گرد هم آمدند، از عملکرد خود جویا شدند، هر کدام آیه ای را ذکر کردند که در آن وامانده بودند. ابن ابوالعوجاء گفت آیه **لَوْ كَانَ فِيهِمَا آلِهَةٌ إِلَّا اللَّهُ لَفَسَدَتَا** مرا به خود مشغول کرد. در طول سال هر چه فکر کردم تا نظیر آن را بسازم، نتوانستم و واماندم

اگر جز خدا داشت ربی وجود
خلل راه می یافت در هرچه بود
همانا که پروردگار حیات
بود پاک از این کلام و صفات

دیگری گفت : یک سال، تمام فکرم به این آیه مشغول بود که **يَا أَيُّهَا النَّاسُ ضُرِبَ مَثَلٌ فَاستَمِعُوا لَهُ إِنَّ الَّذِينَ تَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ لَنْ يَخْلُقُوا ذُبَابًا** آخر راه به جایی نبردم و واماندم. حج ۷۳

اگر آنکه دارید عقلی و هوش
بدارید بر این مثل نیز گوش

بتانی که خواندیدشان کردگار
پرستش نمودید در روزگار
اگر جمع گردند هر شخص و کس
نباشند قادر به خلق مگس
چو چیزی از آنها ستاند مگس
نباشند قادر که گیرند پس
چو معبود و عابد ذلیلند و خوار
ندارند قدرت بر انجام کار

سومی گفت : آیه وَ قِيلَ يَا أَرْضُ ابْلَعِي مَاءَكِ وَ يَا سَمَاءُ أَقْلِعِي وَ غِيضَ الْمَاءِ مَرَاتٍ
و متحیر کرده و یک سال تمام، به این آیه اندیشیده ایم ولی نتوانستیم چیزی بگوییم.
بالاخره چهارمی گفت آیه فَلَمَّا اسْتَيْسُوا مِنْهُ خَلَصُوا نَجِيًّا قَالَ كَبِيرُهُمْ أَلَمْ تَعْلَمُوا أَنَّ
أَبَاكُمْ قَدْ أَخَذَ عَلَيْكُمْ مَوْثِقًا مِنَ اللَّهِ وَ مِنْ قَبْلُ مَا فَرَّطْتُمْ فِي يُوسُفَ مَرَا عَاجِزَ كَرِهَ وَ
در بلاغت آن توام با ایجاز در تفکر فرورفته ام. یوسف ۸۰

به خلوت برفتند با یکدگر
مگر چاره جویند بر این ضرر
در آن جمع آن کس که سردسته بُد
چنین راند صحبت به اخوان خود
گرفته پدر عهد و پیمان ز ما
بخوردیم سوگند نام خدا
که در حق یوسف از این پیشتر
بکردیم خود کوتاهی بیشتر
نیایم از اینجا برون من دگر
مگر رخصت آید ز سوی پدر

به همین طریق : قرآن مجید در طی ۲۳ سال به تدریج در حالات و اوقات مختلف
آن حضرت، نازل شده ولی در مطالب توحید، نبوت، قصص، انبیاء، نظم جهان،
احکام و غیره، هیچ اختلافی در آن نیست. و آنچه را که در گذشته گفته در آینده نقض
نکرده است. و این دلیل بر این است که از جانب خدا بودن آن است. و اگر کار بشر
بود، اختلاف زیادی در آن پدید می آمد.

ادله ای بر نبودن لفظ قرآن از پیامبر صلی الله علیه و آله قرآن در چند مرحله تحدی و
هم آورد خواستن خود را مطرح کرده است.

الف اگر تمام انس و جن گرد هم آیند و بخواهند همانند این قرآن بیاورند هرگز نتوانند، گرچه همگی همدست شوند **قُلْ لِّئِنْ اجْتَمَعَتِ الْإِنْسُ وَالْجِنُّ عَلَىٰ أَنْ يَأْتُوا بِمِثْلِ هَذَا الْقُرْآنِ لَا يَأْتُونَ بِمِثْلِهِ وَ لَوْ كَانَ بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ ظَهِيراً** (اسراء، ۸۸)

بگو ای پیامبر اگر جن و انس
بگردند خود متفق هر دو جنس
که آرند بلکه کتابی چنین
همانند آیات قرآن مبین
نگردند پیروز پایان کار
اگر نیز با هم بگردند یار

بنابراین معجزه بودن آیا تاکنون مثل قرآن نیاورده‌اند؟ امروز اگر دشمنان اسلام به زور متوسل می‌شوند و از راه جنگ نظامی و یا تهاجم فرهنگی به مبارزه با اسلام می‌پردازند برای این است که در مبارزه علمی و منطقی با قرآن شکست خورده‌اند.

ب آیه‌ای که می‌فرماید: پیامبر اختیار تبدیل و تغییر در قرآن را ندارد **قُلْ مَا يَكُونُ لِي أَنْ أُبَدِّلَهُ مِنْ تِلْقَاءِ نَفْسِي إِنْ أَتَّبِعُ إِلَّا مَا يُوحَىٰ إِلَيَّ إِنِّي أَخَافُ إِنْ عَصَيْتُ رَبِّي عَذَابٌ يَوْمَ عَظِيمٍ** یونس ۱۵،

بده ای پیامبر جواب سخن
که این کار هرگز نیاید ز من
که تبدیل آیات یکتا خدا
کجا می‌توانم نمایم کجا؟
بجز آنچه که وحی آید به من
اطاعت نورزم ز دیگر سخن
اگر سرپیچم ز پروردگار
به خشم الهی بگردم دچار

این سلب اختیار، نشان دهنده آن است که الفاظ و عبارت قرآن از پیامبر نیست و گرنه هر انسانی می‌تواند آنچه را که گفته به تعبیر و بیان دیگر بگوید.

ج پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله تلاش می‌کرد که آیات وحی شده را حفظ کند و از همین، در آغاز نبوت آیات را مرتب در حال وحی تکرار می‌کرد تا این که خداوند او را از این کار نهی کرد و فرمود: زبانت را به خاطر عجله برای خواندن قرآن حرکت مده چرا که جمع

کردن و خواندن آن بر عهده ماست پس هرگاه آنرا خواندیم از خواندن ما پیروی کن
لَا تُحَرِّكْ بِهِ لِسَانَكَ لِتَعْجَلَ بِهِ . إِنَّ عَلَيْنَا جَمْعَهُ وَ قُرْآنَهُ . فَإِذَا قَرَأْنَاهُ فَاتَّبِعْ قُرْآنَهُ .
ثُمَّ إِنَّ عَلَيْنَا بَيَانَهُ (قیامت ۱۶ و ۱۸) قبلا بیان شده

د پیامبر اکرم : حفظ وحی نشان می‌دهد که الفاظ و کلمات در اختیار پیامبر نبوده بلکه
الفاظ و کلمات از سوی خداوند می‌باشد.

ه تفاوت قرآن و حدیث قدسی از لحاظ سبک و بیان و شیوه ترکیب کلمات، این
تفاوت و دوگانگی که واقعیتی انکار ناپذیر است و با اندک توجهی آشکار می‌شود بهترین
گواه بر عدم دخالت پیامبر در شکل‌گیری ساختار لفظی و بیانی قرآن است (وحیانی
بودن الفاظ قرآن، ص ۳۳۳)

عدم تحریف قرآن

اگر چه هیچ مشکلی در اصل نزول قرآن بر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وجود ندارد اما
آنچه که در حاصل حاضر مورد شک و تردید قرار گرفته آن است که آیا قرآنی که در
دست ماست همان قرآن نازل نشده بر پیامبر است یا اینکه جملات و عبارات هابی از
آن کم و زیاد شده است؟ از سوی دیگر هیچ کس معتقد نیست و همچنین مدعی
نیست و هیچ سندی نیز وجود ندارد که اثبات کند قرآن نیز مانند سایر کتاب‌های
آسمانی به طور کامل از بین رفته سپس در دوره‌های بعدی مجدداً بازنویسی شده
باشد.

عده‌ای معتقدند به قرآن عبارات هابی اضافه یا از آن کم شده است اما تمام دلایل
خود را بر کم شدن عبارات هابی از قرآن متمرکز کرده‌اند و هیچ کس نتوانسته اثبات
کند که به قرآن چیزی اضافه شده . در پاسخ به این افراد بر اساس آیات قرآن و تأیید
ائمہ معصومین و تحدی قرآن و بررسی کیفیت و زمان تدوین قرآن و اوصافی که در

قرآن عصر نزول و عصر کنونی وجود دارد باید گفت ادعای تحریف قرآن غیر قابل قبول است.

دلایل شیعه بر عدم تحریف قرآن

ما معتقدیم دلایل عقلی و نقلی فراوانی دلالت بر عدم تحریف دارد، زیرا از یک سو قرآن می گوید **إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا الذِّكْرَ وَإِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ** ما قرآن را نازل کردیم و حفظ آن را بر عهده داریم (حجر ۹) و در جای دیگر **وَإِنَّهُ لَكِتَابٌ عَزِيزٌ × لَا يَأْتِيهِ الْبَاطِلُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَلَا مِنْ خَلْفِهِ تَنْزِيلٌ مِّنْ حَكِيمٍ حَمِيدٍ** این کتابی است قطعاً شکست ناپذیر، هیچ گونه باطلی نه از پیش رونه از پشت سر به سراغ آن نمی آید، چرا که از سوی خداوند حکیم و حمید است (فصلت ۴۱ و ۴۲)

آیا چنین کتابی که خداوند حفظ آن را بر عهده گرفته، کسی می تواند دست تحریف به سوی آن دراز کند؟! از سوی دیگر قرآن کتاب متروک و فراموش شده ای نبود که کسی بتواند چیزی از آن بکاهد یا چیزی بر آن بیفزاید

کاتبان قرآن (کتاب وحی) که تعداد آنها را از ۱۴ نفر تا حدود ۴۰۰ نفر نوشته اند، به محض این که آیه ای نازل می شد، ثبت و ضبط می کردند. صدها حافظ قرآن در عصر پیامبر صلی الله علیه و آله بودند که به محض نزول آیات آن را حفظ می کردند.

قرائت قرآن در آن زمان مهمترین عبادت آنها محسوب می شد و شب و روز تلاوت و قرائت می شد. اضافه بر این قرآن قانون اساسی اسلام و آیین زندگی مسلمین بود و در تمام زندگی آنها حضور داشت. عقل و خرد می گوید چنین کتابی ممکن نیست مورد تحریف و کم و زیاد واقع شود.

حدیث ثقلین که فریقین به طور متواتر از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نقل کرده اند **إِنِّي تَارِكٌ فِيكُمْ الثَّقَلَيْنِ كِتَابَ اللَّهِ وَعِترتي ما إن تمسكتم بهما لن تضلوا أبداً إنهما**

لن يفترقا حتى يردا على الحوض ؛ این حدیث که وجوب تمسک به قرآن را ایجاب می کند، باید قرآن تحریف نشده باشد، وگرنه تمسک به قرآن محرّف معنایی ندارد و از ضلالت باز نمی دارد.

از حدیث استفاده می شود که قرآن کریم در زمان پیامبر صلی الله علیه و آله به صورت کتاب مدوّن جمع آوری شده. زیرا در صورتی می توان قرآن را کتاب نامید که همه ی آیات و مطالبش جمع باشد و در غیر این صورت به آن کتاب اطلاق نمی شود.

در نمازهای یومیّه لازم است که مسلمانان بعد از حمد یک سوره ی کامل بخوانند و کسانی که به تحریف معتقدند، نباید در صورت احتمال تحریف، در نمازشان سوره بخوانند با این که می خوانند. (بحارالانوار، ج ۳۶، ص ۳۳۱)

روایات اسلامی که از امامان معصوم علیهم السلام به ما رسیده نیز بر اصالت و تمامیت و عدم تحریف قرآن تأکید می کند.

علی علیه السلام در نهج البلاغه با صراحت می فرماید: **أَنْزَلَ عَلَيْكُمْ الْكِتَابَ تَبْيَانًا لِكُلِّ شَيْءٍ وَ عَمَرَ فِيكُمْ نَبِيَّهُ أَرْمَانًا حَتَّى أَكْمَلَ لَهُ وَ لَكُمْ فِيهَا أَنْزَلَ مِنْ كِتَابٍ، دِينَهُ الَّذِي رَضِيَ لِنَفْسِهِ** ؛ خداوند قرآنی نازل کرده که همه چیز را بیان می کند، خداوند آن قدر به پیامبر صلی الله علیه و آله عمر داد که دین خود را برای شما به وسیله قرآن کامل گرداند (خ ۸۶)

در بسیاری از خطبه های نهج البلاغه سخن از قرآن به میان آمده، و در هیچ جا کمترین اشاره ای به تحریف قرآن نشده، بلکه کامل بودن قرآن را روشن می سازد.

در حدیثی که امام محمد بن علی التقی علیه السلام خطاب به یکی از یارانش پیرامون انحراف مردم از طریق حق سخن می گوید، می خوانیم: **وَ كَانَ مِنْ نَبْدِهِمُ الْكِتَابَ أَنْ أَقَامُوا حُرُوفَهُ وَ حَرَّفُوا حُدُودَهُ** گروهی از مردم قرآن مجید را رها کرده اند، به این صورت که عبارات قرآن را برپا داشتند، اما مفاهیم آن را تحریف نمودند (کافی ج ۸ ص ۵۳)

این حدیث و مانند آن نشان می دهد که الفاظ قرآن دست نخورده باقی مانده و تحریف در معانی آن واقع شده، که گروهی مطابق میل نفسانی و منافع شخصی خود، آیات آن را برخلاف واقع تفسیر یا توجیه می کنند. خداوند بزرگ، مواهب عظیمی به امت اسلامی داده، که از مهمترین آنها همین میراث بزرگ الهی قرآن است.

امت مسلمان را بر سایر امم برگزیده، و این نعمت را به آنها داده، ولی به همان نسبت که آنها را مورد لطف خاص خویش قرار داده، مسئولیت سنگین نیز بر عهده آنها گذارده است. و از این جا نکته مهمی روشن می شود که اگر در بعضی از روایات سخن از تحریف به میان آمده، منظور همان تحریف معنوی و تفسیر به رأی است نه تحریف در عبارات و الفاظ.

از سوی دیگر در بسیاری از روایات معتبری که از امامان معصوم علیه السلام به ما رسیده می خوانیم: برای پی بردن به درستی یا نادرستی روایات، به خصوص هنگامی که تضادی در میان روایات مشاهده می کنید، آنها را بر قرآن عرضه بدارید، آنچه موافق قرآن است صحیح است، به آن عمل کنید و آنچه مخالف قرآن است رها سازید

اعْرِضُوهُمْ عَلَى كِتَابِ اللَّهِ فَمَا وَفَّقَ كِتَابَ اللَّهِ فَخُذُوهُ وَ مَا خَالَفَ كِتَابَ اللَّهِ فَرُدُّوهُ

(وسائل الشیعه ج ۱۸ ص ۸۰) این دلیل روشنی بر عدم تحریف قرآن است، چون در غیر این صورت مقیاس تشخیص حق از باطل نبود.



ناسخ و منسوخ در قرآن

نسخ در لغت به معنی زایل کردن و از بین بردن، باطل کردن چیزی را و چیز دیگر به جای آن آوردن است. در اصطلاح برداشته شدن حکمی دینی است در اثر سپری شدن مدت آن. در حقیقت پایان یافتن زمان حکمی است که در آیه منسوخ آمده و با آیه ناسخ آن اعلام می شود (ترجمه البیان ج ۱ ص ۱۲) بحث درباره این موضوع و آیاتی که ادعای نسخ و ابطال حکم آنها شده و پاسخ کسانی که ایرادهایی بدان دارند، مبحث ناسخ و منسوخ را در موضوعات علوم قرآنی تشکیل می دهد

نسخ احکام دلیل تکامل، و مصداق تکامل می باشد. معنای نسخ، آن نیست که احکام گذشته و شریعتهای گذشته باطل بوده است، بلکه در اثر پیشرفت زمان و گسترش آن، احتیاج به جعل احکام دیگر و تغییر احکام گذشته پدید می آید.

مثلاً قبله مسلمین توسط رسول خدا صلی الله علیه و آله مدت چهار سال و پنج ماه، بیت المقدس تعیین شده بود، سپس آیات قرآن، آن را نسخ کرد و کعبه را به عنوان قبله مسلمین تعیین کرد **قَدْ نَرَى تَقَلُّبَ وَجْهِكَ فِي السَّمَاءِ فَلَنُوَلِّيَنَّكَ قِبْلَةً تَرْضَاهَا فَوَلِّ وَجْهَكَ شَطْرَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ وَ حَيْثُ مَا كُنْتُمْ فَوَلُّوا وُجُوهَكُمْ شَطْرَهُ وَإِنَّ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ لَيَعْلَمُونَ أَنَّهُ الْحَقُّ مِنْ رَبِّهِمْ وَمَا اللَّهُ بِغَافِلٍ عَمَّا يَعْمَلُونَ** (بقره ۱۴۴).

که روی تو چون هست بر آسمان

یکی وحی آید ز پروردگار

ز بیت المقدس به کعبه سرا

بدان قبله آرد که گردی رضا

ترا قبله باشد دگر این مقام

نمائید صورت بر آن سوی باز

که تغییر قبله است کاری صواب

ببینیم ای مصطفی این زمان

بخ که بسیار هستی در این انتظار

بگرداند این قبله ات را خدا

کنون پس خداوند روی ترا

کنون روی می کن به مسجد حرام

شما مسلمین نیز وقت نماز

به خوبی بدانند اهل کتاب

که دستور برحق زیکتا خداست

فرود آمده از سوی کبریاست

نبودست پوشیده بر کردگار

چه دارند در دل چه کردند کار

در اینجا حکم خارجی، توسط قرآن مجید، نسخ شده است، نه اینکه آیه ای، آیه دیگر را نسخ کرده باشد؛ یهودیان از تبدیل بعضی احکام قرآن، مانند تغییر جهت قبله از بیت المقدس به کعبه، به پیامبر صلی الله علیه و آله طعن می زدند و می گفتند: اگر فرمان پیشین حق بود چرا باطل شد، و اگر باطل بود، چرا چنین حکمی صادر شد؟ و نتیجه می گرفتند که قرآن ساخته و پرداخته خود پیامبر صلی الله علیه و آله است. در پاسخ خداوند می فرماید ما نَنْسَخُ مِنْ آيَةٍ أَوْ نُنسِئُهَا نَأْتِ بِخَيْرٍ مِنْهَا أَوْ مِثْلَهَا أَلَمْ تَعْلَمْ أَنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ (بقره ۱۰۶)

هرآنچه ز قرآن مشحون ز پند

نمائیم منسوخ آیات چند

و گر نیز احکام آن را تمام

بسازیم متروک اندر کلام

بیاریم مانند، یا به از آن

که این کار آید ز رب جهان

ندانی تو آیا که پروردگار

توانا بود بر همه چیز و کار؟

در نحل آیه ۱۰۱ و چون آیه ای را جانشین آیه دیگر سازیم و خدا داناتر است که چه فرو فرستاده است، گویند تو دروغ زنی، چنین نیست، بلکه اکثرشان نمی دانند و إِذَا بَدَّلْنَا آيَةً مَكَانَ آيَةٍ وَاللَّهُ أَعْلَمُ بِمَا يُنزِّلُ قَالُوا إِنَّمَا أَنْتَ مُفْتَرٍ بَلْ أَكْثَرُهُمْ لَا يَعْلَمُونَ

چو منسوخ سازیم يك آیتی

دگر آیه گوئیم از حکمتی

که بهتر بداند یگانه خدا

چه نازل نماید برای شما

بگویند کفارت ای مصطفی (ص)

که بس افترا می زنی بر خدا

ندارند حقا شعوری درست

همانا که تدبیرشان هست سست

از این رو نسخ از قبیل تناقض در گفتار نیست، بلکه با تغییر مصلحت که خدا بدان آگاه است حکم شرعی که در کتاب خدا یا سنت آمده است برطبق حکم و صواب دید

جدید تغییر می یابد. زنان عرب در صورت مردن، شوهرانشان یک سال تمام از ازدواج خودداری می کردند. این حکم توسط قرآن مجید، نسخ شد. و عده وفات، چهار ماه و ده روز تعیین گردید.

در تشریح **روزه** قرار بود، در ۲۴ ساعت، فقط هنگام افطار غذا بخورند. و در همه ماه رمضان از زنان دوری کنند، تا اینکه آیه ۱۸۷ بقره، هر دو را نسخ فرمود و مقاربت در شبهای ماه رمضان و نیز اکل طعامتا طلوع فجر، جایز گردید.

أَحَلَّ لَكُمْ لَيْلَةَ الصَّيَامِ الرَّفَثُ إِلَى نِسَائِكُمْ هُنَّ لِبَاسٍ لَكُمْ وَأَنْتُمْ لِبَاسٍ لَهُنَّ ...

نسخ احکام خارجی به وسیله آیات قرآن کریم، قابل قبول است ولی نسخ آیات با آیات دیگر با آن احتمالات، قابل قبول نیست

آیات اندازی و تبشیری در قرآن

آیات قرآنی سرشار از دو دسته آیات اندازی و تبشیری است. اندازها از آن جهت است که مردم جلال خداوندی را بشناسند و از آن بگریزند و تبشیرها از آن روست که آدمی را به سوی جمال، ترغیب کند. لذا برای هرکسی سایق (سوق دهنده ای) از جلو به عنوان مبشر و محرکی از پشت سر به عنوان منذر است که با تازیانه ای از جلال به سوی جمال می راند.

در دعاها آمده است خدایا من از خودت به خودت پناه می برم؛ یعنی از جلال تو به جمال تو می گریزم که مصداقی از آیه **فَفِرُّوا إِلَى اللَّهِ** است. آدمی باید با خواندن آیات قرآنی از جلال خداوند همانند جمال او آگاه شود و همان اندازه که نگاهی به آیات بهشتی دارد نگاهی هم به آیات دوزخی داشته باشد.

مهربانترین آیه قرآن کدام است؟

گسترده ترین آیه در بعد رأفت و مهربانی زمر ۵۳ قُلْ يَا عِبَادِيَ الَّذِينَ أَسْرَفُوا عَلَىٰ
أَنفُسِهِمْ لَا تَقْنَطُوا مِن رَّحْمَةِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ جَمِيعًا إِنَّهُ هُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ

بگو ای پیمبر برآن قوم و کیش که اسراف کردند بر نفس خویش
مبادا که از رحمت کردگار بگردید مأیوس و نومید و خوار
هرآن کس کند توبه از هر گناه ببخشاید او را یگانه اله
همانا غفورست و هم مهربان یگانه خداوند رب جهان

در بعضی از احادیث ما وارد شده است که وقتی این آیه نازل شد شیطان رجیم از خشم و عصبانیت آنچنان صیحه و شیونی سرداد که به حالت غش در آمد و گفت با نزول این آیه من نا امید و بیچاره شدم و خداوند با این آیه کمر مرا شکست چرا که هر چه من در گمراهی و ضلالت انسان تلاش نموده و آنها را به گناه و معصیت وادار نمایم خداوند با این آیه به همه آنها وعده آمرزش و بخشش داده است. اگر کسی به نکات ظریف این آیه دقت کند نهایت مهرورزی و عطوفت خالق یکتا را نسبت به بندگانش مشاهده خواهد کرد و ما تنها به چند نکته اشاره می کنیم.

۱. تعبیر به **یا عِبَادِيَ** آغازگر لطفی بی نهایت و مهربانی عظیم از ناحیه پروردگار است به کسانی که با گناه و معصیت خودشان را از عبودیت خدا خارج کرده اند.

۲. جمله **لَا تَقْنَطُوا** آنچنان امید و نشاطی در بندگان خدا ایجاد می کند که عشق و محبت بنده را به گوینده این جمله ازدیاد می بخشد.

۳. جمله **مِن رَّحْمَةِ اللَّهِ** بیانگر نهایت مهر و کمال عطوفت و مهربانی با خدا را به بندگانش می رساند.

۴. جمله **إِنَّ اللَّهَ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ** وعده ای را از سوی خداوند به بنده اش می دهد که بیانگر رساندن بنده به مقام عفو و بخشش ربوبی است.

۵. جمله **جَمِيعاً** تاکید بر این عفو و بخشش است آنهم نه فقط راجع به یک یا چند گناه بلکه راجع به همه گناهان.

۶. جمله **هُوَ الْعَفُورُ الرَّحِيمُ** در حقیقت مهر و امضاء خداوند بر این وعده است که همانا این همه لطف و رحمت از منبع و سرچشمه کسی بسوی بنده سرازیر شده است که خودش هم غفور و آمرزنده است و هم رحیم و مهربان.

شیوه های احترام به قرآن

خداوند قرآن را کتابی با عظمت و دارای قداست و احترام معرفی می کند. (بقره ۲ و ال عمران ۵۸ و انعام ۱۹ و آیات دیگر) در همه این آیات به اشکال مختلف چون آوردن اسم اشاره در **ذَلِكَ الْكِتَابِ** و تعبیر به ذکر حکیم، کوشیده است تا تعظیم، تفضیم و نیز شرافت، استحکام و استواری قرآن را بیان کند. (لسان العرب، ج ۵، ص ۵۱)

همین جایگاه بلند قرآن در پیشگاه خداوندی **كَلَّا إِنَّهَا تَذْكِرَةٌ** (عبس ۱۱ تا ۱۶ بروج ۱۲) موجب می شود تا خداوند به آن سوگند یاد کند و **الْقُرْآنِ الْمَجِيدِ** (ق ۱) چنان که مقتضی آن است که حرمت و احترام قرآن حفظ شود و کسی به خود نتواند این اجازه را بدهد که آن را استهزا کرده و به تمسخر گیرد. **يُكْفَرُ بِهَا وَيُسْتَهْزَأُ بِهَا** (نساء ۱۴۰) خداوند در ۵۷ و ۵۸ یونس **قُلْ بِفَضْلِ اللَّهِ وَبِرَحْمَتِهِ** قرآن را برتر از دارایی های اهل دنیا برمی شمارد و نعمتی ارزشمندتر از تمام دارایی ها و مال و منال مردمان خواننده و در آیه ۳۰ نحل، آن را مصداق خیر از نظر متقین دانسته و **لَدَارُ الْآخِرَةِ خَيْرٌ وَلَنِعْمَ دَارُ الْمُتَّقِينَ** و در آیه ۳ یوسف، آن را دارای بهترین و زیباترین قصه ها به سبب وحیانی بودن آن معرفی کرده، **أَحْسَنَ الْحَدِيثِ**.

و در آیه ۲۳ زمر، قرآن را در بردارنده بهترین سخن ها درباره دین و هدایت مردم دانسته **اللَّهُ نَزَّلَ أَحْسَنَ الْحَدِيثِ ... ذَلِكَ هُدَى اللَّهِ يَهْدِي بِهِ مَنْ يَشَاءُ**. از این رو نمی توان

کتابی شریف تر و بهتر و کامل تر و جامع تر از قرآن یافت و همین ویژگی ها و ویژگی های دیگر قرآن چون نزول مستقیم از سوی خداوند در الفاظ و معنا، موجب شده تا مورد تکریم و احترام و تقدیس قرار گیرد و به احترام و حرمت آن، از سوی خداوند تأکید شود.

آثار گوش سپاری و استماع قرآن

خداوند در آیات، گوش سپاری به قرآن را یکی از عوامل راهیابی به حقایق قرآنی و اعتراف به حقانیت آن می داند. به این معنا که اگر انسان ها به محتوای قرآن گوش سپارند به سادگی به حقانیت آن آگاه می شوند و اقرار میکنند، چنان که گروهی از راهبان پس از استماع قرآن به این حالت و مقام درآمدند و قرآن را پذیرفتند و ایمان به آن آوردند.

از دیگر آثار و پیامدهای گوش سپاری به قرآن، اظهار خضوع و خشوع شنوندگان در برابر عظمت و حقایق قرآنی است که در آیات ۱۰۶ سوره اسراء با گزارشی از برخی از اهل کتاب این معنا مورد تأکید قرار گرفته و **فُرَانَا فَرَقْنَاهُ لِتَقْرَاهُ عَلَى النَّاسِ عَلَى مَكْثٍ وَ نَزَّلْنَاهُ تَنْزِيلًا**.

کتابی که حق بر تو نازل نمود پراکنده آری بیامد فرود

که تو نیز بر امت این کتاب به تدریج خواندی به راه صواب

همانا که قرآن که از سوی ماست ز تنزیلهای بزرگ خداست

همان گونه که سکوت در هنگام قرائت قرآن موجب میشود تا آدمی از رحمت الهی بهره مند شود و زمینه ای برای رحمت الهی در جان آدمی فراهم آید و **إِذَا قُرِئَ الْقُرْآنُ فَاسْتَمِعُوا لَهُ وَ أَنْصِتُوا لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ** (اعراف ۲۰۴)

چو قرآن قرائت شود در میان سپارید بر آن همی گوش جان

بمانید خاموش دل بر نوا

که گردید مشمول لطف خدا

همچنین استماع و گوش سپاری به آیات قرآنی برای مردم کافر، عامل مهم در غضب و برافروختگی آنان می باشد **وَإِذَا تُتْلَىٰ عَلَيْهِمْ آيَاتُنَا بَيِّنَاتٍ تَعْرِفُ فِي وُجُوهِ الَّذِينَ كَفَرُوا الْمُنْكَرَ** (حج ۷۲)

هرآنکه که بر کافران خدا

تلاوت بگردد از آیات ما

به رخسارشان چون نمایی نظر

به حدی ز انکار بینی اثر

که نزدیک باشد ز فرط غضب

ز خشم فراوان و از تاب و تب

بگردند بر مؤمنان حمله ور

بر ایشان رسانند زخمی و شر

به جرمی که آن مؤمنان خدا

تلاوت نمایند آیات ما

بگو بر شما می دهم من خبر

به خشم و عذابی از این هم بتر

بود دوزخ آن پایگاهی که باز

همی وعده دادست آن بی نیاز

که بد جایگاهیست آن جایگاه

نیابند از خشم ایزد پناه

قرآن، وحی نامه اعجاز آمیز الهی است و متن قرآن از آن جایی که حتی الفاظ آن از سوی خداوند وحی شده، متنی مقدس است و همگان در صدور آن از جانب خداوند تبارک و تعالی، قطع و یقین دارند، از این رو حتی استماع و شنیدن الفاظ آن بسیار مهم و تاثیرگذار است و شفا و درمان گری آن به شکل مختلف در جسم و جان آدمی اثبات شده است.

آداب گوش سپاری

گوش سپاری و استماع آیات قرآنی خود آدابی دارد که می تواند قدرت تاثیرگذاری قرآن را افزایش دهد. از جمله **سکوت** و خاموشی در هنگام قرائت قرآن که در آیه ۲۰۴ اعراف و ۲۹ احقاف بیان شده. و (یاد آر) وقتی که ما تنی چند از جنیان را متوجه تو

گردانیدیم که استماع آیات قرآن کنند، چون نزد رسول رسیدند با هم گفتند: گوش فرادهید. وَإِذْ صَرَفْنَا إِلَيْكَ نَفَرًا مِّنَ الْجِنِّ يَسْتَمِعُونَ الْقُرْآنَ فَلَمَّا حَضَرُوهُ قَالُوا أَنصِتُوا

به یاد آر آن وقت ای مصطفی (ص) که از جنیان چند تن را خدا
فرستاد سویت که سازند گوش
دمی لب ببندند از هر خروش
چو پایان رسید آن سخن و آن کلام
بگشتند مؤمن به قرآن تمام
سپس بازگشتند بر قوم خویش
که خود راه تبلیغ گیرند پیش

البته فقها و مفسران سکوت و خاموشی در هنگام قرائت قرآن در برخی از موارد واجب می شود و در برخی موارد مستحب است، و سخن گفتن در این هنگام مکروه است. از دیگر آداب استماع و گوش سپاری قرآن، لزوم داشتن **حالت خضوع** و خاکساری است که در آیات ۱۰۶ تا ۱۰۹ اسراء و ۸۵ مریم و ۱۲ انشقاق به آن اشاره شده. هرگاه آیات خدای رحمن بر آنها تلاوت شود با گریه (شوق و محبت) روی اخلاص بر خاک نهند.

إِذَا تَتَلَىٰ عَلَيْهِمْ آيَاتُ الرَّحْمَنِ خَرُّوا سُجَّدًا وَبُكِيًّا

که چون آیه هایی ز رحمت ما
بر ایشان تلاوت شود از خدا
سر بندگی بر زمین برنهند
ز دل اشک اخلاص را سر دهند

به **سجده** افتادن در هنگام استماع آیات قرآن نیز به عنوان یکی از آداب استماع و گوش سپاری در آیات مطلوب دانسته شده **گریستن** هنگام شنیدن آیات قرآنی نیز امری مطلوب و دارای فضیلت معرفی می شود.

در همین آیات با اشاره به برخی از اهل کتاب که هنگام گوش سپاری به قرآن این گونه رفتار می کردند از آنان تمجید و ستایش شده تا دانسته شود که مطلوبیت آن تا چه اندازه است. از نظر خداوند هرگونه بی اعتنائی، بی ادبی و بی احترامی و نیز استهزای قرآن هنگام استماع آن، عملی زشت و گناه گناهی بزرگ است. از این رو مؤمنان را از هم نشینی با کسانیکه قرآن را به استهزا میگیرند منع کرده (نساء ۱۴۰ انعام ۶۸)

فضیلت استماع قرآن

از صفات مؤمنان نیز گوش شنوا داشتن نسبت به قرائت قرآن در آیه ۵۳ روم برشمرده شده؛ وَ مَا أَنْتَ بِهَادِ الْعَمِيِّ عَنْ ضَلَالَتِهِمْ إِنْ تَسْمِعُ إِلَّا مَنْ يُؤْمِنُ بِآيَاتِنَا فَهُمْ مُسْلِمُونَ

در این کوردل مردم بی بصر نشاید که روشن نمائی نظر

بجز مؤمنانی که دل داده اند سر عجز و تسلیم بنهاده اند

زیرا یکی از عوامل تأثیرگذار در ایمان و تقویت و افزایش ایمان همین استماع و گوش سپاری به قرآن است. چنان که خداوند در آیات ۲۹ تا ۳۱ احقاف استماع قرآن به وسیله گروهی از جنیان و رهنمون ساختن آن به حق و صراط مستقیم را عامل ایمان آنان به قرآن دانسته است. وَ إِذْ صَرَفْنَا إِلَيْكَ نَفَرًا مِّنَ الْجِنِّ يَسْتَمِعُونَ الْقُرْآنَ فَلَمَّا حَضَرُوهُ قَالُوا أَنصَبُوا فَأَلْمَمُوا فُضِي وَلَوْ إِلَى قَوْمِهِمْ مُنْذِرِينَ

به یاد آر آن وقت ای مصطفی (ص) که از جنیان چند تن را خدا

فرستاد سویت که سازند گوش دمی لب ببندند از هر خروش

چو پایان رسید آن سخن و آن کلام بگشتند مؤمن به قرآن تمام

سپس بازگشتند بر قوم خویش که خود راه تبلیغ گیرند پیش

قَالُوا يَا قَوْمَنَا إِنَّا سَمِعْنَا كِتَابًا أُنزِلَ مِنْ بَعْدِ مُوسَىٰ مُصَدِّقًا لِّمَا بَيْنَ يَدَيْهِ يَهْدِي إِلَى الْحَقِّ وَإِلَى طَرِيقٍ مُّسْتَقِيمٍ

بکردند بر قوم خود این خطاب شنیدیم آیات قرآن کتاب

که از بعد موسی بیامد فرود ولی گوش ما این حقیقت شنود

که تصدیق می کرد بر راستی هم انجیل و تورات بی کاستی

همی کرد دعوت بحق و به راست به راه درستی که راه خداست

در آیات ۱ و ۲ و ۱۳ سوره جن، همین استماع قرآن و هدایت آنان به سوی رشد را عامل ایمان آوری گروهی از جنیان می داند. البته علت این که در مورد جنیان به ایمان آوری ایشان پس از گوش سپاری تأکید می شود، آن است که اصولاً جنیان قادر به خواندن قرآن نیستند و از طریق گوش سپاری به محتوای آن آگاه می شوند.

جنیان تنها از طریق انسانها می توانند به کمال خود دست یابند و آنان هر چند که موجودات عاقل و مکلف همانند انسان ها هستند ولی مسخر انسان ها می باشند، زیرا سجده ای که خداوند همه موجودات از جمله جنیان و ابلیس را بدان فرمان داده بود، سجده اطاعت و پذیرش ربوبیت انسان هاست.

فضیلت تلاوت رسول خدا صلی الله علیه و آله : هر کس در هر شب، ده آیه از قرآن را بخواند جزو غافلان و آنان که از پروردگارش بی خبرند نوشته نمی شود. هر کس پنجاه آیه از قرآن را بخواند در لیست آشنایان و یادکنندگان خدا ثبت می گردد. هر کس صد آیه تلاوت کند جزو عبادت کنندگان و هر کس دویست آیه بخواند نام وی در لیست خاشعین و افرادی که در پیشگاه پروردگارش اظهار ذلت و کوچکی کنند خواهد آمد. هر کس سیصد آیه از قرآن بخواند از سعادت‌مندان و هر کس پانصد آیه تلاوت کند از کوشش کنندگان در عبادت و پرستش کنندگان ، نوشته خواهد شد. هر کس هزار آیه بخواند مانند کسی خواهد بود که مقدار زیادی از طلای ناب و خالصی در راه خدا بذل و احسان کرده است.

تلاوت غافلان امام صادق علیه السلام تلاوت کنندگان بدون عمل و کسانی که تلاوت را اصل و هدف می دانند بر سه دسته تقسیم می کند: برخی از مردم ، قرآن را تلاوت می کنند تا مردم بگویند: فلانی قاری قرآن است. برخی دیگر قرآن را تلاوت می کنند و قصد آنان این است تا به مال و منال، عنوان و مقام و دنیا برسند. در هیچ یک از این ها خیری نیست. عده ای دیگر نیز قرآن را تلاوت می نمایند و نیت آنان این است که در

نماز و شب و روز از آن بهره گیرند نباید قرآن را (فقط) در تلاوت آن منحصر ساخت. بلکه باید تلاوت را مقدمه عمل به دستورات آن قرار داد. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله: هرکس حرام های قرآن را حلال بشمارد ایمان ندارد. و بیشترین منافقان این امت قاریان هستند

آثار تلاوت تلاوت و پاکیزگی دهان قاری علاوه بر داشتن طهارت، می بایست دهانش را از آلودگیها پاک کند، تا هم نزد خدا عزیز باشد و هم نزد مردم و ثواب بیشتری نیز به او عطا شود. یکی از خصوصیات رسول گرامی صلی الله علیه و آله این بود که هنگام عبادت، خصوصا تلاوت قرآن و نماز شب، دندان هایشان را مسواک می زد و مسلمانان را بارها به این امر تشویق و توصیه می نمود.

تلاوت و آراستگی ظاهر سزاوار است قاریان قرآن با بدن و لباس پاک و پاکیزه باشند. آلودگی ظاهری را از خود دور کنند و بدن و لباس را تمیز بشویند. همچنین بهتر است قاریان قرآن وقت تلاوت، خود را معطر کنند و با سر و روی آراسته قرآن را قرائت نمایند، سعی کنند که این آداب را همیشه در قرائت رعایت نمایند. می توانند الگویی برای دیگران باشد.

تلاوت کفاره گناهان اگر انسان به هنگام تلاوت قرآن توجه اش معطوف به خدا و دستورات قرآن باشد، خداوند متعال گناهان او را می آمرزد. روزی رسول گرامی صلی الله علیه و آله خطاب به سلمان فرمود: ای سلمان! بر تو است که تلاوت قرآن کنی؛

زیرا آن کفاره گناهان و پوششی برای آتش جهنم و امانی از عذاب قیامت است. مومن زمانی که قرآن می خواند خداوند با نظر رحمت به او می نگرد. خداوند درهای رحمتش را به روی او می گشاید و چیزی بعد از فرا گرفتن علم، بهتر و محبوبتر در نزد پروردگار از قرائت قرآن نیست، و با کرامت ترین افراد بعد از انبیاء، در نزد خداوند، علما و بعد از آن ها قاریان و حاملین قرآن هستند.

خارج می شوند از دنیا مثل خارج شدن انبیاء و از قبرهایشان با انبیاء محشور می شوند و با آن ها از صراط می گذرند، آنان ثوابی مثل ثواب انبیاء دریافت می کنند. و با شرافت ترین امت من دو طایفه هستند، یکی **حاملین و عاملین قرآن**، دیگری **شب زنده داران**. چه نیکو است که حامل قرآن خود، از شب زنده داران باشد. تلاوت یک آیه برای قاری قرآن، ثواب و ارزش آن بهتر از آنچه زیر عرش تا زمین.

تلاوت باعث دفع بلا از جمله امتیازاتی که تلاوت کننده قرآن دارد این است که خداوند سبحان به برکت قرآن و تلاوت آن ، بلای دنیا و عذاب آخرت را، که به واسطه گناه و نافرمانی ، بر اجتماع حتم شده از اجتماع بر طرف می کند. پیامبر صلی الله علیه و آله : خداوند از تلاوت کننده قرآن (و اجتماع) بلای دنیا و عذاب و گرفتاری آخرت را دفع می کند.

تلاوت با حالت حزن یکی از مستحبات تلاوت قرآن، آمیختن تلاوت با حزن و گریه است. قاری قرآن باید هنگام تلاوت، خود را محزون و اندوهگین، فروتن و با گریه جلوه دهد. امام صادق علیه السلام : قرآن همراه با اندوه شده پس با صدای حزین بخوانید. در همین مورد حفص می گوید: ندیدم کسی را مانند امام کاظم علیه السلام که بر خود بیمناک و هم امیدوار باشد. قرآن را با حزن و اندوه می خواند. هنگامی که قرآن را تلاوت می کرد گویا انسانی را مخاطب خود ساخته. هنگامی که آن حضرت قرآن را تلاوت می فرمود صدایش را حزن انگیز می کرد و می گریست

و شنوندگان تلاوت حضرتش نیز می گریستند. تلاوت قرآن با صوت حزین اثر معنوی و روحانی خاصی را به قاری می بخشد و زمینه بسیار خوبی برای گریه اش فراهم می کند.

راه محزون شدن قاری قرآن این است که در وعده ها و عهد و پیمان های قرآن دقت کند و سپس به اعمال خویش بنگرد که اگر در اجرای امرها و ترک نهی ها کوتاهی کرده

است، محزون شود و گریه کند. امیرالمؤمنینعلیه السلام درباره صفات متقین می فرماید: پرهیزکاران، با خواندن قرآن جان خویش را محزون می سازند. علمای اخلاق حزن را چنین تعریف کرده اند: حسرت و ناراحتی برای از دست دادن شخصی که او محبوب انسان بوده، یا از دست رفتن چیزی که مطلوب او بوده. حزن جهت ترس از خدا: حزن متقین و قاریان حقیقی قرآن، به علت وعید الهی است، و این که مبدا این تهدیدها گریبان گیر آن ها شود

آداب قرائت قرآن

فَأَقْرءُوا مَا تَيَسَّرَ مِنَ الْقُرْآنِ تا آنجا که میتوانید قرآن بخوانید (مزمّل ۲۰) اگر با آداب و ترتیب خاصی که در متن قرآن آمده انجام گیرد، بیشترین تأثیر معنوی و تربیتی را برای انسان به ارمغان می آورد.

آیاتی که این **آداب قرائت قرآن** را آموزش میدهد :

۱. طهارت واقعه ۷۹ لا يَمَسُّهُ إِلَّا الْمُطَهَّرُونَ مس و لمس کلمات قرآن مجید، جز بر پاکان که غسل یا وضو دارند، روا نیست و هنگام تلاوت کلام الله داشتن طهارت شرعی مستحب است. همچنان که بهره معنوی بردن و منور شدن از قرآن، وابسته به طهارت روح و اعتقاد قلبی به آن است .

فرستاده آمد ز رب جهان بجز دست پاکان نیاید برآن

۲. استعاذه استعاذه یعنی پناه جستن به خدا ۹۸ نحل فَإِذَا قَرَأْتَ الْقُرْآنَ فَاسْتَعِذْ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ

چو قرآن بخوانی در آغاز راه به یزدان از ابلیس آور پناه

هرکس که خواست قرائت قرآن را شروع کند، بر طبق این دستور باید با **أَعُوذُ بِاللَّهِ** **مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ** آغاز کند. بدیهی است چون انسان به آفریدگار دانا و توانا پناه جست، از اندیشه های بد و وسوسه هایی که به ذهن وارد می شود، در امان می ماند و آرامش فکر و تجمع حواس پیدا می کند و میتواند دریافتی صحیح و بهره ای روحانی از قرآن خواندن داشته باشد.

۳. سکوت و استماع اعراف ۲۰۴ هرچند که هنگام خواندن هر کتابی لازمه فهمیدنش توجه و تمرکز بر آن است، اما مراعات این دستور نسبت به کلام وحی لازم تر است، زیرا در واقع زمان تلاوت قرآن، خداوند با خواننده سخن می گوید، پس باید نیکو استماع نماید، و با تمرکز بیاندهد تا بهره معنوی بیشتری از آیات الهی ببرد.

۴. تلاوت تلاوت کلمه ای است که برای دقیق و با تأمل خواندن قرآن کریم و دیگر کتب آسمانی استعمال شده و معنی آن اخص از قرائت است، یعنی هر تلاوتی قرائت هست اما هر قرائتی تلاوت نیست.

معنی اصلی تلاوت متابعت و پیروی است و چون در مورد قرائت قرآن به کار می رود، متضمن این نکته لطیف هست که قاری باید از تعلیمات قرآن پیروی کند.

مصادق کامل چنین تلاوتی تلاوت پیامبر صلی الله علیه و آله بود، چنانکه اوست که در میان ناخواندگان فرستاده ای از خودشان برانگیخت، تا آیات او را بر آنان بخواند و پاکشان گرداند **يَتْلُوا عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ (جمعه ۲)**

۵. ترتیل ترتیل واژه دیگری است که در کتاب خدا برای خواندن آن به کار رفته و به معنی هموار و آرمیده و پیدا. خواندن کلام است. به تعبیری دیگر ادای حروف و رعایت وقوف آن است. که در این صورت حروف باید از مخارج خود ادا شود و وقوف نیز رعایت گردد. **مزمّل ۴ أَوْ زِدْ عَلَيْهِ وَ رَتِّلِ الْقُرْآنَ تَرْتِيلاً** و قرآن را شمرده شمرده بخوان.

اما روش تندخوانی که برای دوره خوانی و هر جزء را در یک ساعت خواندن عموماً ترتیل نیز می‌گویند البته با رعایت قوائد و تجوید و اصول صحیح قرائت.

بیفزای چیزی تو بر نیم شب
که مشغول گردی به تسبیح رب
ز قرآن تلاوت کن آیات چند
به نیکوترین وجه کافتند پسند

خشوع و تدبر در تلاوت قاری ادب باطنی است که به ترتیب در پی می‌آید **فهمیدن اصل کلام** تلاوت کننده، باید بداند که با چه سخن بزرگی مواجه است، سخنی که نشانه لطف و رحمت و عنایت آفریدگار هستی به آدمی است. سخنی که حقایق بسیار بلندی را تا مرز فهم و درک انسانها تنزل داده است. قاری قرآن بایستی کلام الهی را درس بگیرد و بیاموزد و به قرائت آن اکتفا نکند، چنانکه در اعراف آیه ۱۶۹ آمده و **دَرَسُوا مَا فِيهِ وَ الدَّارُ الْآخِرَةُ خَيْرٌ لِلَّذِينَ يَتَّقُونَ أَ فَلَا تَعْقِلُونَ** یعنی کلام الهی را فرا گرفتند.

علی رغم آنکه گرفتند یاد
هرآنچه خدا در کتب یاد داد
هماناست بهتر سرای ابد
بر آنها که کردند دوری ز بد
نخواهید آیا تعقل کنید
در این نیک صحبت تأمل کنید

همچنین قاری قرآن بایستی آیات الهی را با گوش جان بشنود و آن را به خاطر بسپارد، چنانکه در سوره حاقه آیه ۱۲ آمده **وَ تَعِيهَا أذُنٌ وَاَعْيَةُ** قرآن را گوش های حافظ به یاد می‌سپارند.. درک عظمت کلام الهی، جز با اندیشه در محتوای آن میسر نیست.

اگر قرآن صامت است چرا باید به آن رجوع شود؟!

الف - چون فرض نموده‌اند که قرآن یعنی سطور نوشته شده بر روی چند صفحه کاغذ قرار گرفته بین دو جلد، آن را صامت و خود را ناطق و برتر گمان نموده‌اند! قرآن کریم، به قلب پیامبر اکرم **صلی الله علیه و آله** وحی شده و از طریق کلام او به انسان ابلاغ شده، قرآن. صامت نیست، بلکه فقط صورت این کتابی که در دست ماست (سطر،

صفحه و کاغذ)، صامت است. قرآن عین کلام است و برترین کلام، چون کلام الله است.

ب - اما در مقایسه انسان ناطق با همین صورت کتاب صامت نیز باید گفت: مگر هر ناطقی نسبت به هر کتابی رحجان دارد؟ بالاخره انسان تا وقتی لب به کلام نگشوده، او هم صامت است و وقتی حرف زد، کلامش با کلام مقایسه می‌شود تا فهمیده شود کدام رحجان دارد و برتر است؟ یعنی دو کلام با هم مقایسه می‌شوند.

در مقایسه بین دو چیز، باید سنخیت لحاظ شود. آیا می‌توان گفت: انسانی که چیزی از ریاضی و فیزیک نمی‌داند، به صرف این که موجودی ناطق است، بر علوم مندرج در کتب ریاضی و فیزیک ارجحیت دارد یا ندارد؟. کسی که نمی‌داند، باید مراجعه نماید تا بداند.

بنیم چه زیبا بحث انسان. با علم انسان. را جدا مطرح نموده و می‌فرماید، بخوان، به نام پروردگارت که به انسان با قلم (صنع و خلقت و نیز کتابت) خود، آن چه را نمی‌دانست آموخت **إِقْرَأْ وَرَبُّكَ الْأَكْرَمُ * الَّذِي عَلَّمَ بِالْقَلَمِ * عَلَّمَ الْإِنْسَانَ مَا لَمْ يَعْلَمْ** (علق ۳ تا ۵)

ج - اگر قرآن کریم فقط به شکل کتابت نازل شده بود (که اصلاً بدین شکل نازل نشده)، چنین شبهه‌ای جای تأمل داشت، اما قرآن اول فرد است، انسان است و سپس کتابت. قرآن کتاب شرح انسان است.

خالق او، رب، جهان او، اول و آخر او، حقوق او، روابط او، بایدها و نبایدهای او، عوامل رشد و اسباب سقوط او را بیان کرده است: **لَقَدْ أَنْزَلْنَا إِلَيْكُمْ كِتَابًا فِيهِ ذِكْرُكُمْ أَفَلَا تَعْقِلُونَ** (انبیاء ۱۰)

دهد عزت و آبرو بر شما

کتابی که آورد یکتا خدا

به فهم حقایق تأمل کنید؟

نبایست آیا تعقل کنید؟

لذا اصل قرآن، همان انسان کامل است و نه کتابت. اگر به رسول وحی نشود و اگر رسول ابلاغ نکند و اگر به رسول صلی الله علیه و آله رجوع نشود که قرآنی وجود نخواهد داشت. در این مقایسه، معلوم است که قرآن ناطق (معصوم) بر قرآن صامت (کتابت) رجحان دارد. چنان چه علی علیه السلام در هنگامی که یارانش **فریب قرآن صامت بر سر نیزه** را خورده بودند و از امام خود مومن تر شده و به ایشان معترض شدند که: ما با قرآن نمی جنگیم فریاد بر می آورد که: قرآن منم. آن کتابتی بیش نیست که برای فریب بر سر نیزه‌ها رفته است.

آگاهی به عظمت متکلم

شایسته است که قاری قرآن، در آغاز تلاوت، به عظمت گوینده قرآن توجه کند و بداند که قرآن سخن بشر نیست، در هنگام تلاوت باید به خود گوشزد کرد که گوینده این سخنان، آفریدگار همه چیز و روزی دهنده همه جنبنندگان است و همه، تحت سیطره او قرار دارند و در فضل و رحمت او غوطه ورنند. اگر نعمت دهد از فضل اوست و اگر مجازات کند از عدلش، و در نهایت اوست که می گوید: اینان اهل بهشت و اینان اهل دوزخند. اندیشیدن به حقایقی از این قبیل، عظمت و تعالی گوینده قرآن را در دل مینشانند و کلام او را مؤثر می سازد. چرا که برای آدمیان، گذشته از اصل کلام، گوینده آن نیز اهمیت داشته و اعتبار کلام تا حد زیادی به اعتبار و شأن متکلم بستگی دارد.

تدبر کسی که قرآن می خواند و کسی که به آن گوش می دهد، لازم است که در آیات کتاب الهی به تدبر و تفکر پردازند و با اندیشیدن در مضامین آیات، خود را در معرض تابش نور الهی قرار دهند و در یک فضای معنوی تنفس کنند.

تدبر در آیات قرآنی انسان را در دنیایی از معارف والا و مفاهیم بلند قرار می دهد که هیچ چیز با آن برابری ندارد و آیات قرآنی به عنوان کلیدهای سعادت انسانی در اختیار

او قرار می گیرند. و نیز در جای دیگر اهل معنا را به توجه و تذکر در آیات قرآنی که به آسانی در اختیار آنهاست و هیچ گونه پیچیدگی ندارد فرا می خواند **وَلَقَدْ يَسَّرْنَا الْقُرْآنَ لِلذِّكْرِ فَهَلْ مِنْ مُدَكِّرٍ هَمَانَا** قرآن را برای توجه به آن آسان قرار دادیم آیا توجه کننده ای هست؟

حضور قلب و ترک حدیث نفس ترک موانع فهم

قاری قرآن بایستی در رفع موانع و حجب شیطانی بکوشد. مهم ترین حجابهای فهم چهار مورد است:

حجاب اول برخی از افراد (قاریان)، تمام تلاش و توجه خویش را صرف تلفظ صحیح کلمات قرآن می کنند تا مبدا حرفی را از مخرج نادرست، ادا کنند، در چنین وضعیتی دیگر برای توجه به معانی، مجالی باقی نمی ماند که این کار به عهده شیطان است که موکل بر قرآن شده تا با وسوسه، مردم را از درک معانی کلام الهی بازداشته و مردم را وا دارد که در ادا به حروف تردید نمایند.

حجاب دوم اینکه تلاوت کننده در مسایل، متقلد نظریه ای باشد که به تقلید آن را یاد گرفته و نسبت به آن جمود و تعصب داشته باشد. این چنین اعتقاد و تعصبی مانع از ارتقاء است و به او اجازه نمی دهد که غیر از مورد اعتقادش به مطلب دیگری بیندیشد.

حجاب سوم این است که قاری و تلاوت کننده قرآن بر گناهی اصرار ورزد و یا متکبر و یا مبتلا به هوای نفس باشد. این گناهان سبب تاریکی دل می گردد و مانند غبار بر آینه قلب نشسته، از تجلی حق جلوگیری می کند و این بزرگ ترین حجاب دل است و بیشتر مردم به این حجاب گرفتارند.

حجاب چهارم این است که تفسیر ظاهری آیه را بخواند و بپذیرد که کلمات قرآن در معانی خود منحصر به آن است که از ابن عباس و مجاهد و امثال آنها نقل شده است. و بقیه، تفسیر به رأی است و این خود از حجاب های بزرگ فهم قرآن است.

تخصیص یعنی اینکه تلاوت کننده در نظر بگیرد که مقصود از هر خطاب قرآن، خود اوست پس اگر نهی از امری را در قرآن می خواند یا وعده و وعیدی را می شنود خود را مخاطب بداند و اگر داستان های انبیاء و اقوام گذشته را قرائت می کند آنها را به منزله افسانه تلقی نکند، بلکه بداند که مقصود از آنها عبرت است و قاری بایستی از لابلای آنها آنچه را مورد نیاز است بگیرد. در قرآن کریم می خوانیم **وَلَقَدْ يَسَّرْنَا الْقُرْآنَ لِلذِّكْرِ فَهَلْ مِنْ مُدَكِّرٍ**؛ یعنی ما قرآن را برای پند گرفتن آسان ساختیم. پس آیا پند گیرنده ای هست؟

تأثیر تأثیر آن است که قرائت کننده قرآن، از آیات گوناگون کلام الهی متأثر شود و به حسب مضمون هر آیه حالت حزن و اندوه یا نشاط و شادی برایش حاصل شود، چنانکه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله خود از آیات الهی متأثر بود. در این صورت قلب، آماده تأثیرپذیری می شود. قاری باید به تناسب معنای آیه حالتی مناسب در دل احساس کند، اگر به آیه عذاب می رسد احساس وحشت نماید و اگر به آیه مغفرت می رسد، شاداب باشد.

ترقی ترقی یعنی اینکه تلاوت کننده قرآن به مرحله ای ارتقاء یابد که گویا کلام را از خداوند می شنود.

تلاوت کننده با قلب خود شهادت دهد که پروردگار با الطافش او را مخاطب ساخته و مشمول نعمات خود قرار داده است، در این مرحله مقام قاری، مقام حیا و تعظیم و گوش دادن و فهم است. درجه امام صادق علیه السلام می فرماید **والله لقد تجلی الله**

لحلقه فی کلامه و لکن لا یبصرون به خدا قسم، خداوند در کلام خود تجلی کرد ولی آنان نمی بینند.

تبری تلاوت کننده قرآن، در هنگام تلاوت از نیرو و توان و توجه خود دوری کند و با چشم خشنودی و تزکیه به خود ننگرد، هنگامی که آیات بهشت و مدح صالحان را می خواند به خود تطبیق ندهد، بلکه برای اهل یقین و صدیقین گواهی دهد و ابراز اشتیاق نماید که به آنان بپیوندد و زمانی که آیه غضب و مذمت گناهکاران و مقصران را می خواند به خود تطبیق دهد و در خشیت و خوف، خود را مخاطب سازد.

امیرالمؤمنان علی علیه السلام؛ **اذا مروا بآیه تخویف اصغوا الیها مسامع قلوبهم وظنوا ان زفیر جهنم وشهیقتها فی اصول آذانهم**؛ هنگامی که به آیه ای بر می خورند که در آن ذکر تهدیدی است، با گوش قلب آن را می شنوند و چنین می اندیشند که صدای آتش جهنم در گوش هایشان است.

عدم اختلاف در قرآن کریم

آیه، مردم را ترغیب به تدبّر و تأمل در قرآن کریم می کند. به این که در آیات الهی دقت کنند و ببینند که هیچ اختلافی در آیات قرآن وجود ندارد **أَفَلَا يَتَذَكَّرُونَ الْقُرْآنَ وَ لَوْ كَانَ مِنْ عِنْدِ غَيْرِ اللَّهِ لَوَجَدُوا فِيهِ اخْتِلَافًا كَثِيرًا**

| | |
|-----------------------------|------------------------|
| خواهند آیا تعقل کنند | در آیات قرآن تأمل کنند |
| که گر این کتاب وزین و گران | همی بود از غیر رب جهان |
| در آن یافت می شد بسی اختلاف | بدیدند در آن کلام خلاف |

همین عدم اختلاف در قرآن، مردم را به این مطلب هدایت می کند که قرآن کتاب الهی است و از طرف غیر خدا نیست. زیرا اگر از جانب غیر خدا بود، از اختلاف سالم نمی ماند، چون نظام طبیعت بر اساس حرکت و تغییر استوار است. هیچ انسانی

نیست که مشاهده نکند هر روز عاقلتر از دیروز است، هر عمل یا صنعت و یا هر نظریه و رایی که دارد، در مرحله ی اخیر آن استوارتر از اولی است.

معارف و حقایق قرآن در ضمن آیاتی نازل شده که حدود ۲۳ سال به طول انجامیده و در حالات مختلف شب و روز، حضر و سفر، صلح و جنگ، سختی و خوشی، تنگی و گشایش نازل شده، با این وصف، نه در بلاغت و نه در معارف و نه در قوانین فردی و اجتماعی این کتاب، هیچ گونه فراز و نشیب و اختلافی وجود ندارد. بنابراین، اگر کسی در قرآن کریم تدبر کند، حکم خواهد کرد که این سخنان از کسی نیست که تحوّل و تکامل هستی در او مؤثر باشد، بلکه گوینده ی آن خداوند واحد قهار است.

پیامبر و شک در حقانیت قرآن!

فَإِنْ كُنْتُمْ فِي شَكٍّ مِّمَّا أَنْزَلْنَا إِلَيْكَ فَسْئَلِ الَّذِينَ يُقْرَأُونَ الْكِتَابَ مِنْ قَبْلِكَ لَقَدْ جَاءَكَ الْحَقُّ مِنْ رَبِّكَ فَلَا تَكُونَنَّ مِنَ الْمُمْتَرِينَ (یونس ۹۴)

اگر که تو را هست شکی و ریب
از آن بی غرضهای اهل کتاب
ترا آمده حق ز سوی خدا
از آنچه بگفتیم بر تو ز غیب
چو پرسى ببینی که باشد صواب
در آن هیچ شکی نباشد روا

برخی از شبهه افکنان، ساده لوحانه گمان کرده اند که این آیه در پی اثبات این معناست که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در آنچه از سوی خداوند بدو وحی می شده است تردید داشته و لذا ایمان پیامبر به حقانیت قرآن را زیر سوال برده اند.

با آن که پیامبر ص هرگز در شک نبوده است؟ و عقل نمی پذیرد که پیامبری، در وحی شک کند؟

۱- کلمه ی إن. (اگر) فرض است و نشانه ی حتمیت و وقوع نیست.

۲- در آیه ی ۱۰۴ این سوره: اگر در دین من شک دارید. **إِنْ كُنْتُمْ فِي شَكٍّ مِنْ دِينِي**،

پس خود آن حضرت شکّ نداشت، وگرنه تحدّی نمی کرد. همچنین قرآن می فرماید:
آمَنْ الرَّسُولُ بِمَا أُنزِلَ إِلَيْهِ پیامبر به آنچه به او وحی می شد ایمان داشت.

اگر بنا باشد با این آیه، وحی زیر سؤال و شک برود، باید در حَقَانِیَّتِ همین آیه هم که می گوید: اگر شک داری..، شک کرد!!

۳- گاهی خطاب قرآن به پیامبر است، ولی مخاطبِ مورد نظر دیگرانند. مثل این آیه
إِمَّا يَنْبَغَنَّ عِنْدَكَ الْكِبَرَ أَحَدُهُمَا أَوْ كِلَاهُمَا ... اگر پدر و مادرت در نزد تو به سنّ پیری رسیدند.

در حالی که پدر حضرت رسول قبل از تولّدش و مادر او در سنّ کودکی آن حضرت از دنیا رفتند و در هنگام نزول این آیه، پیامبر پدر و مادری نداشت تا پیر باشند. آیه از بابِ به در بگو تا دیوار بشنود است، که در زبان عربی می گویند: **ایّاک اعنی و اسمعی یا جاره**. در مسائل تربیتی هم گاهی خطاب به بزرگان و شخصیت ها می کنند، تا دیگران حساب کار خودشان را بکنند.

۴- گاهی آیه ای خطاب به پیامبر است، ولی مسلمانان مورد خطاب اند مانند: **يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ إِذَا طَلَّقْتُمْ ...** به علاوه می دانیم که پیامبر هرگز زنی را طلاق نداده است.

۵ - اگر بنا باشد با این آیه، وحی زیر سؤال و شک برود، باید در حَقَانِیَّتِ همین آیه هم که می گوید: اگر شک داری..، شک کرد!!

۶- برای اهل کتاب، شک و سؤال مطرح بود و از پرسیدن خجالت می کشیدند، خداوند با این بیان راه سؤال را به رویشان گشوده است.

۷- ممکن است از باب مماشات و همراهی با طرف در بحث باشد، مثل حضرت ابراهیم که به ستاره پرستان گفت: **هَذَا رَبِّي**. این (ستاره) خدای من است.

۸ - رسول اکرم چون این آیه را شنید، فرمود: من شکّ ندارم. امام صادق ع نیز فرمود: و الله پیامبر شک نداشت.

علوم و دانش قرآنی

به طور کلی انسان در طول تاریخ برای کسب معرفت و شناخت همواره از دو منبع بهره میبرده. یکی وحی و حجت ظاهری الهی است که خداوند به واسطه پیامبران و از طریق کتب آسمانی، انسان را با حقایق پیدا و نهان جهان آشنا کرده است و منبع دیگر عقل و حجت باطنی است که آدمی از راه دقت در پدیده های طبیعی و تلاش فکری و تجربی به کسب معرفت و دانش نائل شده است.

در ابتدا که شناخت انسان ها از جهان بیکران ناقص و محدود بود با استفاده از رهبران دینی و کتاب های آسمانی راه زندگی و نحوه شناخت و آگاهی خود را از محیط به دست می آوردند. با گذشت زمان که کتب آسمانی توسط متنفدین و مستکبران مورد تحریف و تفسیر شخصی گرفت به علوم تجربی و انسانی موجود در کتابها و نوشته های علمی توجه گردید.

اما با ظهور دین اسلام و کتاب آسمانی قرآن و اصول و دانش نامتناهی آن بار دیگر توجه به دانش و علوم دینی مورد توجه قرار گرفت. بخصوص با توجه به بیان صریح و معجزه آسای قرآن که هیچگاه در طول تاریخ مورد تحریف قرار نگرفت، و در بیان بسیاری از علوم دینی و قوانین الهی مورد استفاده دانشمندان و محققان قرار می گیرد. نسبت میان این دو منبع معرفت و بررسی رابطه معرفت دینی و تجربی که از آن در عرف محافل فکری به عنوان رابطه **علم و دین** نام برده می شود از مهمترین دغدغه های اندیشمندان و متفکران در هر دو حوزه فکری و معرفتی بوده و هست.

قرآن کریم در طول تاریخ گهربار اسلام همواره منبع مهم تحقیق و پژوهش برای اندیشمندان اسلامی بوده و از این رهگذر علوم و رشته های متعددی پایه گذاری شده و در گذر زمان به رشد و بالندگی رسیده اند. همچنین این کتاب مهمترین معیار برای سنجش و قضاوت در مورد علوم بوده است که از طریق ترجمه یا غیر آن به جامعه اسلامی راه یافته اند. علاوه بر آن، با گذشت زمان و کشف و آشکار شدن علوم و

دانش جدید بر اعتبار کتاب آسمانی مسلمانان افزوده می شود، زیرا بسیاری از رموز و اسراری که در لابه لای آیات قرآنی هست و انسان ها از معنا و مفهوم آن نا آگاه بودند کشف و روشن می گردد.

با نگاهی کوتاه به تاریخ تحول فکری اسلامی در می یابیم که سعی دانشمندان اسلامی همواره معطوف به "قرآنی کردن" دانش هایی بوده است که به اقتضای زمان وارد عرصه های فکری جوامع اسلامی شده اند.

منطق و فلسفه اسلامی نمونه ای روشن از این گونه دانش هاست که با ورود به حوزه های فکری جوامع اسلامی سیر تحول خود را تا رسیدن به دانش دینی و قرآن به خوبی طی کرد. این دو علم در طول تاریخ توسط دانشمندان و محققان برجسته اسلامی نظیر ابوعلی سینا و فارابی با استفاده از علوم قرآنی کامل و نهایی گشت. امروزه از علوم قرآنی و دانش الهیات در تمامی کشورهای مسلمان و دیگر کشورها جهت تکامل علوم تجربی و انسانی مورد استفاده قرار می گیرد.

بیان علوم در قرآن

آیا همه علوم در قرآن وجود دارد، صحیح می باشد؟ درباره اینکه تا چه حدی علوم مختلف در قرآن وجود دارد دیدگاههای گوناگونی مطرح گردیده است که عبارتند از:

۱- **دیدگاه حداکثری** بنابراین دیدگاه، تمام علوم در قرآن موجودند. به دلیل آیه ۵۹

انعام وَ لَا رَظْبٍ وَ لَا يَأْسٍ إِلَّا فِي كِتَابٍ مُّبِينٍ

نه خشک و تری هست، نه مرگ و زیست که اندر کتاب مبین ثبت نیست

و آیه ۸۸ نحل وَ نَزَّلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ تِبْيَانًا لِّكُلِّ شَيْءٍ مَا كِتَابَ رَا بَر تُو نازل کردیم که روشن کننده هر چیزی است. براساس این آیات همگان می توانند با سعی و تلاش و متناسب با رشته تخصصی خود، حتی دانش های مختلف همانند:

علم فیزیک، شیمی و ... را از قرآن استخراج کنند و حقایق را کشف نمایند.

۲- دیدگاه حد اقلی بنابراین دیدگاه، قرآن تنها به بیان عقاید و ارزش ها پرداخته است چنان که ظاهر بسیاری از آیات قرآن، درباره کارهای دنیایی مردم، جنگ و صلح آنها دقت در پدیده های طبیعی و زمین و آسمان می باشد.

۳- دیدگاه اعتدالی قرآن کتاب هدایت است و برخی علوم دیگر به مناسبت های گوناگون، تنها مورد اشاره قرار گرفته اند. علامه طباطبایی و شهید مرتضی مطهری از این گروه میباشند. بنابراین دیدگاه، **وَنَزَّلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ تِبْيَانًا لِّكُلِّ شَيْءٍ** گرچه مربوط به همین قرآن کریم است، ولی روشن کننده هر چیزی در موضوع خودش است و موضوع قرآن، هدایت بشر است؛ علوم تجربی و ریاضی و فیزیک، بلکه هر چیزی که درباره هدایت لازم باشد در قرآن وجود دارد. قرآن نیز کتاب هدایت و کتاب انسان سازی است و اگر گفته شود همه چیز در آن است. منظور چیزهایی است که مربوط به هدایت انسان می باشد. حال اگر سؤال شود که در آیه **كُلِّ شَيْءٍ** آمده، مقصودش عموم است، قرآن کتاب هدایت بشر است و از آنچه در این باره لازم باشد فروگذار نشده است.

این در حالی است که درباره آیه **وَ لَا رَطْبٍ وَ لَا يَابِسٍ إِلَّا فِي كِتَابٍ مُّبِينٍ** گفته اند: منظور از کتاب مبین **لوح محفوظ** و کتاب علم غیب الهی می باشد که فراتر از این قرآن است. البته می توان گفت همین قرآن موجود نیز دارای لایه ها و بطون فراوانی است؛ البته کلید فهم آنها در اختیار مفسران اصلی و اهل بیت علیه السلام است.

در روایات آمده: قرآن هفت بطن دارد و هر بطنی نیز هفت بطن دارد. بنابراین ما معتقدیم که همه علوم در قرآن نیست، بلکه اشاراتی در قرآن هست که خاستگاه کسب تمامی علوم می تواند باشد. حتی از بعضی آیات استفاده میشود که تمام کهکشان ها در حال حرکت هستند. مثل **كُلٌّ فِي فَلَكٍ يَسْبَحُونَ**

همه چیز در حال سیر است ولی معنای آن این نیست که قرآن تمام مسائل علوم نجوم را بیان کرده است. با چنین نگاهی می توان گفت که تمامی علوم و یا بسیاری از

دانش ها از قرآن قابل استخراج است که چنین کاری توسط پیامبر اعظم و امامان علیهم السلام و راسخان فی العلم امکان دارد.

منظور از علوم قرآنی چیست؟

علوم قرآنی اصطلاحی است که درباره مسائل مرتبط با شناخت قرآن و شئون مختلف آن طرح می شود. تفاوت این ریشه با معارف قرآنی در آن است که علوم قرآنی بحثی بیرونی است و به درون و محتوای قرآنی از جنبه تفسیری کاری ندارد.

اما معارف قرآنی کاملاً با مطالب درون و محتوای آن سر و کار دارد و در واقع یک نوع تفسیر موضوعی به شمار می رود. نظیر خداشناسی، جهان شناسی، انسان شناسی، نبوت، امامت، معاد، اخلاق و به عبارت دیگر؛ علوم قرآنی شامل مجموعه ای از علوم و معارف مربوط به قرآن است که به طور خاص و ویژه در خدمت فهم قرآن می باشد، مثل: علم رسم، علم قرائات، علم اسباب النزول و

اصطلاح علوم قرآنی در قرن پنجم و ششم پدید آمد و علم تفسیر که تا آن زمان، علمی از علوم قرآنی به شمار می آمد، از آن جدا شده است.

در یک تقسیم بندی کلی، می توان گفت: مهمترین مباحث علوم قرآنی عبارت است از: تاریخ قرآن (وحی، نزول، تدوین، جمع آوری قرآن و قرائات)، تحریف ناپذیری، اعجاز و تحدی، ناسخ و منسوخ، محکم و متشابه، تأویل و تفسیر.

در این میان، برخی از مباحث مانند وحی شناسی، نزول قرآن، شناخت وجوه اعجاز قرآن و تحریف ناپذیری قرآن از اهمیت ویژه ای برخوردار است.

چرا که این مباحث، الهی بودن قرآن را اثبات می کند و زمینه ساز تقویت اعتقاد و اعتماد و در نهایت ایمان راسخ خواهد شد.

مباحث قرآنی شامل علوم قرآنی و معارف قرآن است.

مراتب سه گانه بهره گیری از قرآن

قرآن، راهنمای کامل

قرآن راهنمای آدمی به سوی کمال و تمام انسانیت است. انسان با بهره مندی از آموزه های شناختی و دستوری آن می تواند راه و هدف خویش را بیابد و با عمل به آموزه های آن، خود را چنان بسازد که هدف آفریدگار و آفرینش است.

عبودیت راهی به سوی الوهیت و ربوبیت آدمی است. این عبودیت تمام و کمال نیز تنها در صراط مستقیمی به دست می آید که در آموزه های وحیانی قرآن ترسیم شده است.

آدمی در این مسیر عبودیت، تقرب به الوهیت می یابد و با رنگ خدایی گرفتن در گام نخست، اسمای الهی را صفت خویش می سازد و در گام بعدی، اسمای الهی را جزو ذات خود قرار می دهد و در مقام الحی القیوم می نشیند و متاله و خدایی می گردد. آن گاه در گام سوم، ماموریت می یابد تا در مقام ربوبیت ظاهر شود و ربانی گردد و ربوبیت دیگران را با خلافت الهی به عهده گیرد.

بنابراین، می توان گفت که قرآن کتاب شناختی و پرورشی است که انسان با هر آیه ای که قرائت میکند، خود و هستی و خدا را می شناسد و با هدف و راه کمال آشنا میشود و با عمل به آموزه های وحیانی که از آن به سعی و عمل صالح یاد میشود، خود را می سازد؛ چرا که انسان عمل را می سازد و عمل نیز انسان را می سازد و پرورش میدهد و تا مقام تقرب عبودیتی که کنه و جوهر و ذاتش الوهیت است خودسازی میکند.

آنگاه که با شناخت به همه گزاره های شناختی و عمل به همه آموزه های دستوری، متاله و کامل شد و تمامی اسمای الهی را جزو ذات خویش نمود، در مقام کامل کننده و مکمل ظهور می یابد و در مقام ربانی و ربوبیت می نشیند و خلافت الهی را به تمام و کمال به عهده می گیرد.

آسانی و سنگینی و اتقان قرآن

قرآن، کتاب هدایت انسان است. همین ویژگی موجب میشود تا از قابلیت هائی چون آسانی و روانی برخوردار باشد تا همه انسان ها به عنوان مخاطبان آن بتوانند از قرآن استفاده کنند؛ زیرا اگر این گونه نباشد، نمی تواند مسئولیت هدایتی بشر را به عهده گیرد.

در ۹۷ مریم، قرآن را کتابی آسان و قابل فهم و درک بشر دانسته **فَإِنَّمَا يَسِّرُنَاهُ لِبَلْسَانِكَ لَتُبَشِّرَ بِهِ الْمُتَّقِينَ وَتُنذِرَ بِهِ قَوْمًا لُدًّا**

بگفتیم قرآن چه سهل و روان
که بر اهل تقوی بشارت دهی
بترسانی آن قوم را کز عناد
که راحت بیاری به روی زبان
بر ایشان بسی خوان عزت نهی
نمایند لجبازی اندر بلاد

در ۵۸ دخان، ۷ و ۲۲ و ۳۲ و ۴۰ قمر با آوردن **یسر**، بر آسانی آیات قرآنی برای بشر تاکید کرده و آن را قابل درک و فهم برای همگان دانسته **وَ لَقَدْ يَسَّرْنَا الْقُرْآنَ لِلذِّكْرِ فَهَلْ مِنْ مُدَكِّرٍ** و همانا ما قرآن را برای پندپذیری آسان نمودیم، پس آیا پندپذیری هست؟

به قرآن چه آسان بود هر کلام ۴۰ که مردم بفهمند پندش تمام
نیوشنده این سخن حال کیست که منظور قرآن بفهمد که چیست

در همین آیات در تبیین علت آسان سازی فهم معارف و مطالب متعالی قرآن برای بشر، به موهبت و عنایت خاص الهی به بشر توجه داده. به این معنا که قابل فهم سازی و آسان سازی مطالب سنگین و بلند برای بشر، موهبت الهی است که انسان می بایست آن را به یاد آورد.

البته در این آیات تنها علت آسان سازی را این معنا ندانسته بلکه به علل دیگری نیز توجه داده . خداوند در این باره می فرماید که به قصد پندگیری بشر و بشارت به اهل تقوا و انذار افراد لجوج و امکان بهره مندی همگانی از معارف بلند و مطالب متعالی، آیات قرآنی، آسان یاب شده است .

خداوند برای رسیدن به این منظور، از قصه و داستان های تاریخی و واقعی بهره گرفته تا همه بشر در همه سطوح فهم و ادراک بتوانند از این آموزه های بلند قرآنی بهره مند شوند **كَذَّبَتْ قَبْلَهُمْ قَوْمُ نُوحٍ فَكَذَّبُوا عَبْدَنَا وَ قَالَوا مَجْنُونٌ وَ اَزْدُجِرَ ... فَذُوقُوا عَذَابِي وَ نُذِرِ (قمر ۹ تا ۴۰)**

کزین پیش هم قوم نوح رسول **نکردند اندرز او را قبول**
بگفتند باشد دچار جنون **ستمها کشیدی ز قوم زبون**

.....

چه سخت است بنگر ز یزدان عذاب **چسان می نمایم آری عقاب**
از نظر قرآن در مقام اثبات نمی توان از دو دلیل مهم در آسان سازی بی توجه گذشت به این معنا که زبان تکلمی پیامبر صلی الله علیه و آله و زبان عربی و ساختار بیانی و ادبی آن، این امکان را داده تا معارف بلند و متعالی در شکل آسان و قابل فهم برای همگان ارایه شود. بنابراین نمیتوان نقش اساسی زبان عربی در آسان سازی و تسهیل بیان معارف و محتوای بلند قرآن نادیده گرفت. و نیز نقش پیامبر صلی الله علیه و آله به عنوان واسطه آسان شدن محتوای بسیار عالی قرآن بی توجه بود. **فَإِنَّمَا يَسَّرْنَاهُ بِلِسَانِكَ لَعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُونَ (دخان ۵۸)** آیه ۹۷ مریم درصدد تبیین این معناست که حقایق و معارف قرآن بلندتر از آن است که دست افراد عادی به آن برسد، ولی این حقایق به زبان پیامبر آسان گشته است تا دیگران از آن بهره لازم را ببرند. (المیزان، ج ۱۴، ص ۱۱۶)

از دیگر ویژگی های قرآنی، اتفاق و استحکام آن است **تِلْكَ آيَاتُ الْكِتَابِ الْحَكِيمِ (یونس ۱)** این اتفاق در کنار روشنی و آسانی قرآن، جلوه ای از حکمت الهی است. این گونه است که قرآن در کمال آسانی و روشنی و در عین اتقان و استحکام و بلندی، در اختیار بشر قرار گرفت تا حجت بر همگان تمام شود. **وَ لَقَدْ أَنْزَلْنَا إِلَيْكُمْ آيَاتٍ مُّبِينَاتٍ وَ مَثَلًا مِّنَ الَّذِينَ خَلَوْا مِنْ قَبْلِكُمْ وَ مَوْعِظَةً لِّلْمُتَّقِينَ (نور ۳۴)** و (نساء ۱۷۴ و ۴۶ و کهف ۵۲ تا ۵۵)

فرستاد آیات روشن خدا **هدایت بیابید شاید شما**

بگفتا مثلها ز پیشینیان

که رفتند زین پیشتر از میان

که پرهیزکاران نیکوسرشت

بگیرند عبرت ز هر خوب و زشت

این کتاب و حیانی در میان همه کتب آسمانی، بهترین کتاب است، زیرا در بردارنده بهترین سخن، درباره دین و هدایت است. **اللَّهُ نَزَّلَ أَحْسَنَ الْحَدِيثِ كِتَابًا مُتَشَابِهًا مَثَانِيَ تَقْشَعِرُّ مِنْهُ جُلُودُ الَّذِينَ يَخْشَوْنَ رَبَّهُمْ ثُمَّ تَلِينُ جُلُودُهُمْ وَ قُلُوبُهُمْ إِلَىٰ ذِكْرِ اللَّهِ ذَٰلِكَ هُدَىٰ اللَّهِ يَهْدِي بِهِ مَن يَشَاءُ وَ مَن يُضِلِّ اللَّهُ فَمَا لَهُ مِن هَادٍ زمر ۲۳**

فرستاده قرآن، خدای جهان

احادیث برتر نهفته در آن

مشابه بود آیه هایش چو هم

که تکرار گردد همی دم به دم

کسانی که ترسند از کردگار

چو خوانند قرآن پروردگار

بر اندامشان لرزه افتد ز بیم

دگرباره تسکینشان می دهیم

که دلهایشان را به ذکر خدا

نگهدارد این آیت کبریا

بلی این همان رحمت کبریاست

کتاب هدایت ز سوی خداست

هدایت نماید کسی را که خواست

کند گمره آن را که خواهد، ز راست

کسی را که گمره نماید خدا

چه کس بازش آرد ز راه خطا

خداوند در قرآن، به خصوصیات و ویژگی های قرآن اشاره دارد و آن را کتبی دارای برهان یا آیهها الناس قَدْ جَاءَكُمْ بُرْهَانٌ مِّن رَّبِّكُمْ وَ أَنْزَلْنَا إِلَيْكُمْ نُورًا مُّبِينًا (نساء ۱۷۴)،

پس ای خلق، برهان بس آشکار

برای شما آمد از کردگار

رسولی ز یزدان بیامد فرود

که چون نور تابنده ای ره نمود

بینایی و بصیرت برای همه بشریت قَدْ جَاءَكُمْ بَصَائِرٌ مِّن رَّبِّكُمْ فَمَن أَبْصَرَ فَلِنَفْسِهِ وَ

مَنْ عَمِيَ فَعَلَيْهَا وَ مَا أَنَا عَلَيْكُمْ بِحَفِيظٍ (انعام ۱۰۴ و جاثیه ۲۰)

هرآنچه به دلها بصیرت بداد

فرارویتان ایزد آن را نهاد

هرآن کس بصر یافت حقا که خود

به فیضی از الله نائل بشد

هرآن کس که او کور ماند از بصر

فتادست اندر زیان و ضرر

(به غیر از رسولی مگر کیستم)

که من حافظ جانتان نیستم

بیان حقایق و دلایل در اشکال و انواع مختلف برای فهم همگان وَ لَقَدْ صَرَّفْنَا فِي هَذَا الْقُرْآنِ لِيَذَّكَّرُوا وَ مَا يَزِيدُهُمْ إِلَّا نُفُورًا (اسراء ۴۰ و ۴۱)،

هرآنچه به دلها بصیرت بداد فرارویتان ایزد آن را نهاد

هرآن کس بصر یافت حقا که خود به فیضی از الله نائل بشد

هرآن کس که او کور ماند از بصر فتادست اندر زیان و ضرر

(به غیر از رسولی مگر کیستم) که من حافظ جانتان نیستم

دارای بینات و دلایل آشکار وَ لَقَدْ أَنْزَلْنَا إِلَيْكَ آيَاتٍ بَيِّنَاتٍ وَ مَا يَكْفُرُ بِهَا إِلَّا الْفَاسِقُونَ (بقره ۹۹) و (۱۵۸ و ۲۰۹ و آیات دیگر)،

بسی روشن آیات، پروردگار فرستاد بر تو چنین آشکار

که جز فاسقان بداندیش و پست دگر کس به انکار نورد دست

تبیان هر چیزی وَ نَزَّلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ تَبْيَانًا لِكُلِّ شَيْءٍ وَ هُدًى وَ رَحْمَةً وَ بُشْرَى لِلْمُسْلِمِينَ (نحل ۸۹)،

تفصیل و تشریح هر چیزی و پیراسته از هرگونه ابهام و پیچیدگی وَ لَقَدْ جِئْنَاكُمْ بِكِتَابٍ فَصَّلْنَاهُ عَلَىٰ عِلْمٍ هُدًى وَ رَحْمَةً لِّقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ (اعراف ۵۲. ۱۷۳)

و فرقان و جداکننده حق و باطل شَهْرُ رَمَضَانَ الَّذِي أُنزِلَ فِيهِ الْقُرْآنُ هُدًى لِّلنَّاسِ وَ بَيِّنَاتٍ مِّنَ الْهُدَىٰ وَ الْفُرْقَانِ (بقره ۱۸۵)،

مبین و روشنگر وَ أَنْزَلْنَا إِلَيْكُمْ نُورًا مُّبِينًا (نساء ۱۷۴)

و نور روشنگر قَدْ جَاءَكُمْ مِنَ اللَّهِ نُورٌ وَ كِتَابٌ مُّبِينٌ (مائده ۱۵) معرفی می کند.

این بدان معناست که قرآن، کتابی آسان و روان و پیراسته از تعقید و پیچیدگی است.

نفوذ قرآن

در آغاز رسالت پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله، کفار قریش سعی می کردند تا نوای آسمانی حضرت را کسی نشنود. و افراد غربی را که به مکه وارد می شدند توصیه می کردند که پنبه در گوش کنند تا مبادا صوت قرآن آنها را متحول سازد. ولی هر بار که آیه های نورانی بر لسان دلربای پیامبر صلی الله علیه و آله جاری می شد چنان جذب می داشت که غریبه ها، مشتاق به شنیدن آن می شدند و برای همیشه از بت و بت پرستی رو می گرداندند و به شهر و دیار خود میرفتند و قوم و خویشان را از دین نجات بخش جدید آگاه می ساختند و آنان نیز به رستگاری رهنمون می شدند. مشرکین مکه وقتی این اوضاع را می دیدند که کسی را یارای ایستادن در برابر کلام خدا نیست و سخنان محمد صلی الله علیه و آله نفوذ خاصی بر روی مردم آشنا و غریبه دارد و یکی پس از دیگری به او می پیوندند، به ستوه آمدند و به سراغ یکی از بزرگانشان به نام عتبه که در فصاحت استاد بود رفتند و او را به نزد پیامبر صلی الله علیه و آله فرستادند تا راهی برای خاموش کردن و مبارزه با او را پیدا کنند. چند نفر خواستند وی را همراهی کنند تا مبادا او نیز تسلیم شود ولی عتبه گفت: خودم تنها می روم تا ببینم چه باید کرد؟ وقتی خدمت پیامبر صلی الله علیه و آله رسید، گفت: ای محمد از این اشعارت برایم بخوان.

رسول خدا فرمود: من اهل شعر نیستم. گفت: سخنت را بخوان. فرمود: سخن من نیست سخن رب العالمین است. گفت: بسیار خوب همین را برای من بخوان.

خواننده ای که پیامبر صلی الله علیه و آله باشد دیگر عاقبت آن معلوم است. عتبه با آن دیدگاه و غلظتش گوش گرفت. پیامبر صلی الله علیه و آله هم حم دخان را برایش خواند تا رسید به این آیه **فَإِنْ أَعْرَضُوا فَقُلْ أَنْذَرْتُكُمْ صَاعِقَةً مِثْلَ صَاعِقَةِ عَادٍ وَ ثَمُودَ** اگر روی گرداندند پس بگو شما می ترسانم بصاعقه ای چون صاعقه عاد و ثمود. عتبه با آن قلدری تکان خورد دیگر نمی توانست تحمل کند دستش را نزدیک لبان مبارک پیامبر صلی الله علیه و آله آورد و آن بزرگوار را قسم داد که ادامه ندهد.

گیج و منگ به سوی مشرکین برگشت، ابوجهل و دیگران به او شماتت کردند و گفتند: آیا به محمد صلی الله علیه و آله گرویدی؟ گفت: نه، لیکن کلامش نه شعر است نه خطابه و اصلاً کلام بشر نیست مرا آتش زد! (قلب قرآن ص ۳۸)

پیام آور صلح و دوستی برای تبلیغ دین رنج و مرارت بسیار کشید، مشرکان برای جلوگیری از نفوذ کلام الهی از هیچ آزار و اذیتی بر او و یارانش دریغ نکردند، جنگها و فتنه های بیشمار به راه انداختند ولی غافل از آن که فرمان حکمران هستی این است که فتنه باید ریشه کن شود و حق نمایان گردد وَ قُلْ جَاءَ الْحَقُّ وَ زَهَقَ الْبَاطِلُ إِنَّ الْبَاطِلَ كَانَ زَهُوقًا قرآن بعد از حیات پر برکت رسول الله هم چنان جاویدان مانده و در طول تاریخ راه رسیدن به کمال را به پناهندگانش نمایان کرده است.

بگو خود رسولی ز حق آمدست **که باطل از او گشته نابود و پست**
چو باطل بُود راه ناراستی **سزاوار محوست بی کاستی**

هماره این کتاب سدّ محکمی بوده در برابر هجوم اندیشه های کفر و الحاد. سردمداران ظلم و جور هیچ وقت نتوانسته اند با بودن کلام الهی در میان مردمانشان آسوده حکومت کنند و چه نیرنگ ها کردند تا جلوی نفوذ دلنشین آیات نورانی قرآن را بگیرند اما تیرشان به سنگ خورده و عاقبت سرنگون شدند.

بزرگترین دلیل پیروزی شکوهمند انقلاب اسلامی و استواری تداوم این نظام الهی به زعامت امام راحل، سرلوحه قرار دادن قرآن در رأس تمامی امور است و تا کتاب خدا بر کشور ما حکومت نماید هیچ تهدیدی نمی تواند به مملکت عزیزمان آسیبی برساند. حفظ و تلاوت، نگاه کردن و گوش دادن به آیات نورانی خداوند نه تنها اجر و ثواب عظیم دارد که موجب آرامش دل انسان می شود و آدمی را از هرگونه اضطراب و شک دودلی و افسوس به دور نگه می دارد.

به مسلمان و غیرمسلمان سفارش شده است که در آیات آن تدبر کنند و راه رستگاری را برگزینند **لِيَدَّبَّرُوا آيَاتِهِ**

انس با قرآن

یکی از مسائل بسیار مهم اسلامی و یکی از وظایف هر انسان مومن و معتقد، مانوس بودن با قرآن است. اولاً ما باید قرآن بیاموزیم و در مرحله بعد درست و صحیح تلاوت نماییم و بعد از آن در آیاتش تدبر کرده، و رابطه تنگاتنگ و جدی با آن داشته باشیم چرا که قرآن، کتاب کامل انسان ساز و حاوی تمام برنامه ها و رموز تکامل است، سخن خداوند متعال بوده و عمل به آن موجب پیروزی و رستگاری دنیا و آخرت است

انس، یعنی علاقه آمیخته با عشق و معرفت، الفت ناگسستنی که موجب اتصال و به هم پیوستگی می شود. مثلاً علی (علیه السلام) علاقه اش به مرگ را، با کلمه انس تعبیر نموده است، مثال انس کودک به شیر مادر را ذکر کرده و می فرمایند **وَاللَّهِ لَأَبْنُ أَبِي طَالِبٍ اَنْسٌ بِالْمَوْتِ مِنَ الطِّفْلِ بِئَدْيِ اُمِّهِ** بخدا سوگند، انس پسر ابی طالب به مرگ (شهادت) از انس طفل شیر خوار به پستان مادرش بیشتر است. چنین علاقه ای یک انس حقیقی است. قطعاً اگر با قرآن چنین پیوندی برقرار کنیم هم در دنیا و هم در آخرت رستگار می شویم و حتی از دوری برادران دینی، نیز دلتنگ نشده و خود را نمی بینیم.

علی علیه السلام: هر کس به تلاوت قرآن انس گیرد، دوری برادران ایمانی او را دلتنگ و تنها نسازد. اگر انسان خواسته باشد به چنین انسی برسد، نخست، باید **عظمت قرآن** را بشناسد و با تمام وجود درک کند که قرآن غذای کامل روح است و موجب رشد معنوی و تکامل همه جانبه او خواهد شد

شناخت قرآن، این است که در آیاتش، تدبر کنیم و در محضر استادان و دانشمندان اسلامی از تفسیر آن آگاهی یابیم. درباره تدبر نکردن در آیات قرآن، کافران و مسلمانان بی اعتنا به آن را سرزنش می کند **اَفَلَا يَتَذَكَّرُونَ الْقُرْآنَ اَمْ عَلَي قُلُوبٍ اَقْفَالُهَا** (سوره محمد ۲۳)

(چرا کفار و عده ای از مسلمانان) آیات قرآن را بررسی نمی کند؟ چرا چشمهای قلب خود را بسته اند و در آیات الهی نمی اندیشند (آیا بر قلب های آنان قفل بدبختی و شقاوت) خورده است؟ علاوه بر تدبر، قرآن انسان را به تفکر در آیات الهی دعوت کرده است. **كَذَلِكَ نُفَصِّلُ الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ** (یونس ۲۴) ما اینگونه، آیات قرآن را برای گروهی که (صاحب فکرنند) و می اندیشند، بیان می کنیم.

اهمیت تفکر و تدبر موانع اساسی در فهم حقایق قرآنی

تنها تلاوت ظاهری قرآن مورد توجه و عنایت ذات احدیت و رسول مکرمش نیست و به مسلمان و غیرمسلمان سفارش شده است که در آیات آن تدبر کنند و راه رستگاری را برگزینند **لِيَذَّبَرُوا آيَاتِهِ**. رسول خدا (صلی الله علیه و آله) می فرماید قرآن ظاهرش زیبا و باطنش ژرف است.

ای مردم در دنیایی به سر می برید که زمان به سرعت برق می گذرد و شب و روز هر تازه ای را کهنه و هر دوری را نزدیک می کند و شما را به وعده گاهتان میبرد، پس هرگاه فتنه ها چونان شب تار شما را فرا گرفت، به قرآن تمسک جوید، چه قرآن شفات کننده ای مقبول است و شاهی راستین، هر کس آن را پیشوای خویش گیرد، به فردوس برین هدایت شود، و هر کس آن را رها سازد، به آتش دوزخ فرو افتد قرآن راهنمایی است که انسان را به بهترین راه دلالت میکند. ظاهرش پندآمیز است و باطنش علم شگفت انگیز، عجایب احکامش با گذشت زمان پایان نیابد؛ و غرایب اسرارش در اثر کثرت تلاوت کهنگی نپذیرد.

قرآن ریسمان استوار خدا و راه راست اوست. هر کس طبق فرامین آن لب به سخن گشاید، راستگو بود؛ هر کس بنا بر احکام آن حکم کند، دادگستر باشد و هر کس دستورات آن را به کار بندد رستگاری یابد (ارشادالقلوب دیلمی ج ۱).

صدیقه کبری حضرت زهرا (سلام الله علیها) که خود همیشه شاهد نزول قرآن بوده و پرورش یافته در خانه وحی و نبوت است و خداوند او را کوثر نامیده است؛ بزرگترین مرجع و راهنمای مسلمانان را کتاب خدا می داند: کفیل سعادت و زعیم شما قرآنست. شما را به رضوان و به نجات می رساند... شئون دینی و اصول و فروع احکام تمام در این قرآن مجید است

مولی الموحدین علی (علیه السلام): بر شما باد عمل کردن به قرآن که ریسمان محکم الهی و نور آشکار و درمانی سودمند است که تشنگی را فرونشاند، نگه دارنده کسی است که به آن تمسک جوید و نجات دهنده آن کسی است که به آن چنگ آویزد، کجی ندارد تا راست شود و گرایش به باطل ندارد تا از آن بازگرداننده شود، و تکرار و شنیدن پیاپی آیات، کهنه اش نمی سازد و گوش از شنیدن آن خسته نشود.

کسی که با قرآن سخن بگوید راست گفته و هر کس که به آن عمل کند پیشتاز است (نهج البلاغه خ ۱۵۶).

هرکس به تعلیم و تربیت قرآنی خو پذیرد و بدان حبل متین الهی چنگ ارادت در زند، حق از باطل، رشد از غی، نور از ظلمت، ایمان از کفر، خیر از شر، عدل از ظلم، هدایت از ضلالت و عزت از ذلت نیک باز شناسد؛ آنگاه از لطف و عنایت پروردگاری بهره ور گشته به نیک بختی دو جهانی نائل آید (اعجاز قرآن ص ۶).

رهبر فرزانه در دیدار با قاریان فرمودند: دل‌های ما باید قرآنی بشود. هر باری که شما با قرآن نشست و برخاست کنید، یک پرده از پرده های جهالت شما برداشته می شود؛ یک چشمه از چشمه های نورانیت در دل شما گشایش پیدا می کند و جاری می شود. انس با قرآن مجالست با قرآن تفهیم قرآن، تدبر در قرآن، اینها لازم است.

گلایه پیامبر(صلی الله علیه و آله) از مهجوریت قرآن

مهجوریت قرآن به این است که انسان به جای استفاده از قرآن جهت پاسخ‌گویی به پرسشها و نیازها، به سراغ غیر قرآن برود و راهکار را از غیر آن بخواهد.

علت این مراجعه به غیر قرآن، به هر عنوان که باشد عین مهجور سازی قرآن است. اگر برای یک مشکل روانی یا اجتماعی نخواهیم از قرآن بهره ببریم، به این معناست که در وعده خداوند جهت هدایت بشر تردید روا داشته‌ایم

و اگر در مراجعه به قرآن و استنباط نظریه و راهکار نتوانیم موفق باشیم، باید در بیان، روشن بودن، تبیان و روشن‌گری قرآن شک داشته باشیم. در حالی که خداوند قرآن را کتاب کامل، جامع، روشن و مبین دانسته است.

مسلمانان در عصر بعثت در حضور پیامبر(صلی الله علیه و آله) به جای اینکه قرآن را سبک زندگی خویش قرار دهند، به نظریه‌ها و فرضیه‌ها، قوانین و داوری‌های دیگران مراجعه می‌کردند و با این رفتار خویش قرآن را مهجور می‌ساختند.

از این رو پیامبر(صلی الله علیه و آله) از رفتار امت گلایه و شکایت می‌کند **وَ قَالَ الرَّسُولُ يَا رَبِّ إِنَّ قَوْمِي اتَّخَذُوا هَذَا الْقُرْآنَ مَهْجُورًا** (فرقان ۳۰)

در آن روز، پیغمبر مصطفی (ص) کند شکوه از مردمان بر خدا
که کردند این قوم ترك کتاب به کنجی نهادند قرآن ناب

مهجوریت زدائی از قرآن

اما مطلب مهم این است که ما چه جور قرآن را از مهجوریت در بیاوریم. وقتی قرآن در سطح جهان از مهجوریت در می‌آید که ما این توان را داشته باشیم که هر مکتبی از مکتب‌هائی که مربوط به جهان بینی است،

یک؛ وحی و نبوت و رسالت و امامت است، **دو؛** انسان شناسی است،

سه؛ و شعب فرعی که به این ۳ رشته بر می‌گردد.

اولاً؛ بر قرآن کریم عرضه کند، **ثانیاً؛** و حق و باطل بودن آن راه را از قرآن بیابد
ثالثاً؛ این می طلبد که خود انسان سالیان متمادی در خدمت قرآن کریم باشد.

عده ای مکتب شناس باشند که چه مکتبی، چه شبهه ای، چه حرفی در جهان پیدا شده؛ اگر سکولاریزم است، یعنی چه؛ اومانیسم است، یعنی چه؛ فمینیسم است، یعنی چه؛ اینها را کاملاً بفهمد، بعد بر قرآن عرضه کند و از آن پاسخ بگیرد؛ تا بشود جهانی ! اگر **نَذِيرًا لِلْعَالَمِينَ** است، این است.

الآن دنیا تشنه معارف است؛ شما می بینید در بخشی از کشورها همین که معارف الهی آنجا ظهور کرد، خواهان فراوانی هم دارد. به لطف الهی، به برکت خون های پاک شهداء مشرق و مغرب عالم الآن متوجه اسلام است. یک وقتی بود سخن از **أَطْلُبُوا الْعِلْمَ وَ لَوْ بِالصَّيْنِ** بود، این ها واقعاً تشنه اند. ما باید این مکتب ها را کاملاً شناسایی بکنیم، بعد بر قرآن کریم عرضه بکنیم و پاسخ را از قرآن بگیریم.

تبصره : انس با قرآن و تدبر در قرآن و مهجوریت از قرآن در کتاب مستقل از مولف چاپ شده است

ضرورت تقدیس پیامبران الهی و کتابهای آنان

از نظر قرآن، کتب آسمانی چون تورات، دارای ارزش و جایگاه بسیار والاست و بر مومنان است که به آن ایمان آورده و احترام و تکریم و تقدیس آن را مراعات کنند.
قُولُوا آمَنَّا بِاللَّهِ وَ مَا أُنزِلَ إِلَيْنَا وَ مَا أُنزِلَ إِلَىٰ إِبْرَاهِيمَ وَ إِسْمَاعِيلَ وَ إِسْحَاقَ وَ يَعْقُوبَ وَ الْأَسْبَاطِ وَ مَا أُوتِيَ مُوسَىٰ وَ عِيسَىٰ وَ مَا أُوتِيَ النَّبِيُّونَ مِنْ رَبِّهِمْ لَا نُفَرِّقُ بَيْنَ أَحَدٍ مِنْهُمْ وَ نَحْنُ لَهُ مُسْلِمُونَ (بقره ۱۳۶ مائده ۴۴)

بگویند این نکته را آشکار

چو دارید باور به پروردگار

بر آنچه فرستاد بر مصطفی

که هستیم مؤمن به یکتا خدا

بر آنچه بیاورد سوی خلیل به یعقوب و اسحاق و هم اسمعیل

به اخلاف یعقوب و موسی کلیم به عیسی و پیغمبران سلیم

تفاوت ندارند در چشم ما که هستند جمله ز سوی خدا

بجوئیم آیین مردان پاک مسلمان بر اوئیم در روی خاک

همین مطلب نیز از نظر قرآن نسبت به انجیل و پیامبران بزرگواری چون حضرت موسی و حضرت عیسی بن مریم علیهم السلام مطرح شده و از مسلمانان خواسته شده است که هرگز همانند یهودیان و مسیحیان رفتار نکنند و اگر آنان به قرآن و حضرت محمد صلی الله علیه و آله کفر ورزیدند و اهانت روا داشتند، مسلمانان حق ندارند که رفتاری مشابه داشته باشند، زیرا مسلمان در حقانیت پیامبران و کتب آسمانی چون تورات و انجیل شک و تردیدی ندارد.

بنابراین نمی تواند به جز تکریم و تقدیس و احترام در حق ایشان کلامی بگوید و رفتاری داشته باشد. براساس آیه ۱۲ سوره مائده، احترام به انبیاء و پیامبران الهی چون حضرت موسی و عیسی بن مریم علیهما السلام در پی دارنده بخشش گناهان و ورود در بهشت است.

وَلَا تُدْخِلَنَّكُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ فَمَنْ كَفَرَ بَعْدَ ذَلِكَ مِنْكُمْ فَقَدْ ضَلَّ سَوَاءَ السَّبِيلِ

شما را کنم داخل در جنان که جوئست زیر درختان آن

پس از این همه حجت و این سخن هرآن کس که او کفر ورزد به من

بگردیده گمراه از راه راست شده دور از شیوه ای کان سزاست

بنابراین هر مسلمانی می کوشد برای بهره مندی از بخشش و مغفرت الهی و رهایی از آتش دوزخ و ورود به بهشت رضوان الهی، با احترام گذاری و تکریم پیامبران الهی، از این نعمت ها برخوردار گردد. از این رو همان تکریم و احترامی را که نسبت به حضرت محمد صلی الله علیه و آله روا می دارد در حق دیگر پیامبران الهی و کتب ایشان روا داشته

و حقشان را به درستی ادا می کند. از نظر مسلمانان، پیامبران الهی به ویژه اولوالعزم از پیامبران، الگوهای هدایتی هستند که می بایست از ایشان و آموزه های وحیانی آنان تبعیت کرد وَ لَقَدْ كُذِّبَتْ رُسُلٌ مِنْ قَبْلِكَ فَصَبَرُوا عَلَىٰ مَا كُذِّبُوا وَ أُوذُوا حَتَّىٰ أَنَّهُمْ نَصَرْنَا وَ لَا مُبَدَّلَ لِكَلِمَاتِ اللَّهِ وَ لَقَدْ جَاءَكَ مِنْ نَبِيِّ الْمُرْسَلِينَ ۳۴ (انعام ۳۳-۳۴-۳۵-۹۰)

دگر مرسلین را از این پیشتر نمودند تکذیب از این بیشتر

علی رغم آزارهای زیاد صبوری نمودند اندر بلاد

نمودند بس روزگاران شکیب که شد یاری حق بر آنها نصیب

کسی را نباشد توان و سزا که آیات حق را کند جابجا

ز دیگر رسولان ازین پیشتر ترا آمد اکنون پیام و خبر

و تمسخر و استهزای پیامبران، مصداق از جرم و تبهکاری و کفر است. ذٰلِكَ جَزَاؤُهُمْ

جَهَنَّمَ بِمَا كَفَرُوا وَ اتَّخَذُوا آيَاتِي وَ رُسُلِي هُزُوًا (کهف ۱۰۶ حجر ۱۱ و ۱۲)

تمسخر نمودند این کافران به پروردگار و به پیغمبران

پس اکنون به دوزخ بیفتند زار بسوزند در آتش بی قرار

قرآن در زندگی بشر کجاست؟

نقش قرآن در زندگی بشری در ابعاد مختلف فردی، اجتماعی و حتی بین المللی، قابل

دقت و بررسی است که به طور مختصر به بعضی از آنها اشاره می شود

یک انسان نیازمند ارتباط مستقیم با آفریننده و هستی بخش خود است. این ارتباط

اگر چه از طریق مناجات و رازگویی درونی و قلبی انجام می گیرد؛ اما دسترسی به کلمات

خود خداوند، بسیار لذت بخش و اطمینان آور است. اگر می خواهی خدا با تو سخن

بگوید، قرآن بخوان. این ویژگی به طور کامل، تنها برای قرآن مجید باقی مانده و هیچ

کتاب آسمانی دیگر، چنین جایگاهی ندارد.

دو انسان در تکاپو و جستجوی آگاهی های صحیح و معارف بلند و پرمعنا است. البته با استفاده از تجربیات بشری و تلاش های علمی، به بسیاری از آگاهی ها می توان دست یافت؛ اما برای اطمینان به درستی یافته های خود و آگاهی به آنچه برای او دست نیافتنی است، نیاز به یک منبع اصیل و غنی بسیار محسوس است؛ چنان که از زبان امام راحل (ره) گفته شده است: اگر قرآن نبود، درهای معرفت بر ما بسته بود. قرآن مجید در این باره جایگاه ممتازی دارد.

تعریفی که قرآن از انسان دارد **إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً** بقره ۳۰

همانا نمایم من کردگار به روی زمین جانشین برقرار

و تعریفی که قرآن از خداوند ارائه کرده **لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ وَهُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ** شوری ۱۱،

که همتا ندارد یگانه خدا **سمیع و بصیرست آن کبریا**

همراه با بیان صفات جمال و جلال و تعریفی که از نظام هستی و حیات و شعور همگانی موجودات ارائه داده **تُسَبِّحُ لَهُ السَّمَاوَاتُ السَّبْعُ وَالْأَرْضُ وَمَنْ فِيهِنَّ وَإِنْ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا يُسَبِّحُ بِحَمْدِهِ وَ لَكِنْ لَا تَفْقَهُونَ تَسْبِيحَهُمْ إِنَّهُ كَانَ حَلِيمًا غَفُورًا** اسراء ۴۴

نه تنها زمین بلکه هفت آسمان ستایش نمایند رب جهان

نبودست چیزی و نه هیچ کس جز آنکه کند ذکر یزدان و بس

ستایش نمایند و ذکر خدا نفهمید تسبیحشان را شما

بسی بردبارست پروردگار غفورست بر بندگان کردگار

و بیانی که از پیوستگی و هماهنگی منظم همه کرات و افلاک و زمین و آسمان دارد **وَ الشَّمْسُ وَ ضُحَاهَا وَ الْقَمَرُ إِذَا تَلَاها وَ النَّهَارُ إِذَا جَلَّاهَا وَ اللَّيْلُ إِذَا يَغْشَاهَا** شمس. و...

قسم باد بر شمس گیتی فروز چو روشن نماید جهان را به روز

قسم باد بر قدر تابنده ماه که دنبال خورشید آید ز راه

قسم باد بر روز چون با حضور

منور نماید جهان را به نور

قسم باد بر شب چو آن تیره شام

جهان در سیاهی کشاند تمام

نیازمندی همه جامعه بشری و پویندگان راه حق و حقیقت را به این کتاب آسمانی ضروری و آشکار ساخته است؛ زیرا بعضی از دانش ها به جز از طریق قرآن، برای بشر دست یافتنی نیست و **يُعَلِّمُكُم مَّا لَمْ تَكُونُوا تَعْلَمُونَ** بقره ۱۵۱ و آنچه را نمی دانستید به شما یاد می دهد... از جمله آگاهی هایی که جز از طریق قرآن راهی برای دریافت آن نیست، آگاهی درباره جهان پس از مرگ و جزئیات جهان آخرت است؛ زیرا هیچ کدام از افراد بشر، تجربه تکرار و رفت و آمد آن را ندارند و درک بشری، هیچ گونه سابقه ذهنی از آن ندارد. در حالی که در سوره واقعه، صافات، مرسلات و... صحنه قیامت به تصویر کشیده شده است.

سه نقش برجسته دیگر قرآن این است که از سابقه تاریخ بشر، خبرهای درست و مطابق واقع را نقل کرده و سرگذشت پیامبران و محتوای پیام آنان را بدون هرگونه تحریف و دسیسه بشری به انسان ها رسانده است. از این رو قرآن حتی بر پیروان تورات و انجیل، منت شایان توجهی دارد که چهره پیامبران بنی اسرائیل را به درستی معرفی کرده و حضرت موسی، عیسی، زکریا و... علیهم السلام را آن گونه که بوده اند به دور از هرگونه تهمت و توهینی شناسانده و دست تحریف گران و دسیسه گران را نقش بر آب ساخته است. مائده ۱۱۶ **وَإِذْ قَالَ اللَّهُ يَا عِيسَى ابْنَ مَرْيَمَ أَأَنْتَ قُلْتَ لِلنَّاسِ اتَّخِذُونِي وَأُمِّي إِلَهَيْنِ مِنْ دُونِ اللَّهِ قَالَ سُبْحَانَكَ مَا يَكُونُ لِي أَنْ أَقُولَ مَا لَيْسَ لِي بِحَقِّ**

به یاد آر کان ایزد بی نیاز

به عیسی ابن مریم چنین گفت باز

که آیا تو بر امت خویشتن

بدین گونه راندی کلام و سخن

که اکنون من و مادرم را شما

بخوانید دورب، سوای خدا

به پاسخ چنین گفت آن مرد نیک

خدایا تویی پاک از هر شریک

کجا هست شایسته قدر من که این گونه ناحق برانم سخن

چهار نقش برجسته دیگر قرآن برای جامعه بشری، این است که ظرفیت جهان شمولی دارد و پیام های آن برای تمام مصلحان جهان و حافظان حقوق بشر، قابل اعتنا و کاربردی است.

تکیه بر نقاط مشترک پیروان ادیان آسمانی و پایبندی به اصول انسانی (مانند عدالت گستری، امانت داری و...)، تلاش برای ریشه کنی هرگونه ناهنجاری، ناپاکی و اختلاف و مخالفت با حق و درستی و... همگی شاخص هایی است که ظرفیت جهان شمولی قرآن را به نمایش گذاشته است.

آیات نورانی قرآن، تمامی اصلاحگران و حق گرایان را به سوی محور وحدت و پاکی، به دور از هرگونه تعصب و خودخواهی، دعوت کرده **قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ تَعَالَوْا إِلَى كَلِمَةٍ سَوَاءٍ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ أَلَّا نَعْبُدَ إِلَّا اللَّهَ وَ لَأُنْشِرَكَ بِهٍ شَيْئاً وَ لَأَتَّخِذَ بَعْضُنَا بَعْضاً أَرْبَاباً مِنْ دُونِ اللَّهِ فَإِنْ تَوَلَّوْا فَقُولُوا اشْهَدُوا بِأَنَّا مُسْلِمُونَ** آل عمران ۶۴

بگو ای پیمبر به اهل کتاب بیایید جوئیم راه صواب

ز امری که شد بین ما مشترک اطاعت نمائیم خود یک به یک

اطاعت نمائیم یکتا اله از او راه جوئیم در طی راه

مبادا بدان ذات اقدس، شریک بخوانیم چون نیست این کار نیک

مبادا کنون جای یکتا خدا پرستش کنیم بعضی افراد را

اگر رخ بتابند از امر حق نپویند بر این ره و این نسق

بگوئید، باشید اینک گواه که ماییم تسلیم یکتا اله

بی تردید گستردگی دانش بشر، تحولات شایان توجهی داشته و شکوفا سازی طبیعت و سلطه بر آن، به دست قدرت علمی و اطلاعاتی انسان و تجربه های بشری، تا حدود

زیادی تأمین شده است. قرآن خود این تحول آفرینی را در گستره ظرفیت های انسان دانسته است **هُوَ أَنشَأَكُم مِّنَ الْأَرْضِ وَاسْتَعْمَرَكُمْ فِيهَا؛ هود ۶۱**

شما را ز خاک آفرید و بداشت بر آبادی این زمین برگماشت

خداوند شما را در زمین ایجاب کرد و وظیفه شکوفایی و آبادانی و استخراج ظرفیت های زمین را به شما واگذار کرد رسالت دین و قرآن، شکوفایی متوازن، متعادل و هماهنگ انسان است.

بر این اساس باید انسان را شناخت و آغاز و انجام او را دانست. باید جایگاه انسان را در کل هستی به درستی تعریف کرد و رابطه او با خدا، خود، جامعه و طبیعت را تنظیم نمود. رسالت علم ساخت جهان و رسالت قرآن، رشد ایمان و جهت دهی به حرکت انسان است و با توجه به اسارت علم در دست برخی از انسان های آلوده به قدرت و ثروت و فزون خواه، ضرورت پایبندی به کتاب آسمانی به دور از تحریف و یک مکتب الهی آشکار شده است.

آورنده قرآن کریم یکی از مسایل مسلم در زندگی رسول اکرم صلی الله علیه و آله که بسیار روشن و غیر قابل انکار است **امی** بودن آن حضرت است. بدین معنا که آن حضرت نه خوانده بودند و نه نوشته بودند و نه اساسا معلمی دیده بودند.

بر این اساس صدور الفاظی مانند کلمات قرآن کریم که آن همه جنبه های اعجازی اعم از فصاحت و بلاغت و اسرار خلقت و اخبار غیبی و به در آن نهفته است از یک چنین شخصی، قطعاً دلیل آن خواهد بود که این کار خدایی است و این علم علمی است که از طریق وحی کسب شده است.

قرآن کریم خود در این مورد می فرماید **وَ مَا كُنْتُمْ تَتْلُوا مِنْ قَبْلِهِ مِنْ كِتَابٍ وَلَا تَخُطُّهُ بِيَمِينِكُمْ إِذَا لَارْتَابَ الْمُبْطِلُونَ (عنکبوت ۴۸)**

از این پیشتر نه سواد و نه خط

نبودی ترا هیچ بر این نمط

مبادا به قرآن بورزند ریب

بگویند هست از محمد(ص) نه غیب

یکی از مهمترین اختصاصات پیامبران است تا با ارائه آن به طالبان حقیقت صدق دعوی خود را بر همگان آشکار سازند. معجزه جاویدان پیامبر اسلام است.

از آنجا که دین محمدی آخرین و کاملترین ادیان، و شریعت اسلام ختم همه شرایع گذشته است و کلام و وحی خدا بر پیامبر ما جاودانه است، معجزه او نیز در طول تاریخ برای گروندگان و راه یافتگان لازم است که جاودانه باشد و این معجزه جاودان، کتاب اوست.

پیامبران پیشین معجزه‌هایی که همگی مقطعی و مخصوص به مخاطبان خاص بوده‌اند و امروز دیگر ما به چشم آنها را نمی‌بینیم؛ ولی قرآن در عین اینکه کتاب محمد است، برهان قاطع رسالت او نیز هست.

برهانی که نه تنها در طول زمان جاودان می‌ماند، بلکه پیشرفت‌های علمی، جنبه‌های مجهولی از اعجاز این کتاب الهی را بیش از پیش بر جهانیان آشکار می‌کند. عصر خاتمیت، عصر رشد علم و فرهنگ است لذا معجزه پیامبر این عصر نیز کتاب است.

معجزه‌ای متناسب با دوران آخرین پیامبر. علاوه بر آنکه وقوع بسیاری از معجزات دیگر چون شق القمر یا جوشیدن آب فراوان از چشمه‌ای خشک شده در جنگ تبوک برای پیامبر ثبت شده است، ولی قرآن معجزه اصلی و ماندگار آن حضرت است.

قرآن کریم برای آینده و مدرن برنامه ای دارد؟

دلیل‌های زیادی را می‌توان آورد که قرآن جاودانه و برای تمام زمان‌ها بوده و مخصوص یک زمان نمی‌باشد:

۱. خطابات عام قرآن: بسیاری از آیات قرآن خطاب‌هایی دارد که برای تمام مردم و هر مکلفی می‌باشد. **يَا أَيُّهَا الرِّسُولُ . يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ . يَا أَيُّهَا الْمَزْمَلُ . يَا أَيُّهَا الْمَدَّثِرُ . يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا . يَا أَيُّهَا النَّاسُ . يَا أَيُّهَا الْإِنْسَانُ**

۲. طرز بیان قصه‌های قرآن: در قرآن داستان‌های فراوانی از پیامبران و امت‌های گذشته ذکر شده، ولی چون هدف قرآن هدایت انسانهاست، این داستان‌ها را به طور کامل و مرتب بیان نکرده و آنچه را برای هدایت مفید بوده، آورده است تا بندگان از آن جریانات پند گیرند. بنابراین نمی‌شود گفت این جریانات برای گذشته بوده و ربطی به آینده ندارد، پندگیری از یک جریان برای همیشه است.

۳. آیاتی که قرآن را جاودانه معرفی می‌کند: قرآن کتابی جهان شمول است و اختصاصی به زمان، مکان، نژاد، آداب و سنن خاص ندارد؛ زیرا قرآن خود را چنین معرفی می‌نماید **ان هو الا ذکری للعالمین** قرآن جز یک پند برای عالمیان نیست. **نذیراً للبشر** بیم دهنده تمام انسان‌ها است. لازمه این کلیت و دوام و نیز نیازمندی همیشگی بشر به آن، این است که هیچ‌گاه گرد کهنگی بر آن نشیند و همیشه تازه باشد.

۴. روایات: از روایات استفاده می‌شود، محتوای قرآن کریم به گونه‌ای تنظیم شده تا همانند سفره‌ای همگان در هر عصری بر سر آن بنشینند، و از نعمت‌های معرفتی آن استفاده برند:

۱. از امام صادق علیه السلام: تازگی قرآن خدای تبارک و تعالی آن را برای زمان موقت یا مردم خاص نفرستاده و چون همیشگی و همگانی است، در هر زمان جدید است، و در نزد هر مردمی تا روز قیامت شیرین و پر جذبه است.

۲. امام باقر علیه السلام: قرآن همانند خورشید و ماه همیشه در جریان است، و زندگی انسان‌ها را تا پایان دنیا روشن می‌سازد.

۳. **باطن داشتن قرآن کریم:** قرآن علاوه بر ظاهر، دارای باطن است. و ظاهر قرآن همان دلالت ظاهری قرآن است که از قرائن، از جمله شأن نزول آیه به دست می‌آید و جنبه خصوصی دارد؛ ولی باطن قرآن با قطع نظر از قرائن موجود، برداشت‌هایی کلی است که از متن قرآن به دست می‌آید، و همه جانبه و جهان شمول است، لذا پیوسته مانند جریان خورشید و ماه در جریان است.

اگر چنین نبود قرآن از استفاده دائمی ساقط می‌گردید. لذا همین برداشت‌های کلی و جهان شمول است که تداوم قرآن را برای همیشه تضمین کرده و آن را همواره زنده و جاوید نگاه داشته است و اگر چنین نبود می‌بایست با از بین رفتن گروهی، آیه مخصوص آنها نیز باطل می‌شد.

امام باقر علیه السلام می‌فرماید: اگر آیه‌ای در مورد قومی نازل شود و آن قوم بمیرد، آیه هم می‌میرد، و برای قرآن چیزی باقی نمی‌ماند، ولی قرآن تا آسمان و زمین باقی است، جریان دارد. پس بنابراین باید از قرآن معنایی به دست آورد که برای عموم افراد تا قیامت باشد:

بت‌پرستی: اولاً بت‌پرستی مخصوص زمان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نبوده، زیرا هم اکنون تعداد زیادی از افراد در کشورهای چین، ژاپن، هند و ... بت‌پرست هستند

ثانیاً بت‌پرستی در هر زمانی جلوه‌ای دارد، در آن زمان چوب و سنگ بود، و هم اکنون صورت‌های دیگری چون دنیاپرستی، پول‌پرستی، مقام‌پرستی و ... دارد.

اما این که قرآن در رابطه با آینده سخنی ندارد، باید گفت: **اعجاز قرآن** را بیان کرده‌اند، یک بخش را اختصاص به اعجاز علمی داده‌اند که قرآن مطالبی را بیان کرده که برای آن زمان مشخص نبود، و بعداً با پیشرفت علم معنای آیه خوب روشن

شده است، مانند دشواری تنفس با افزایش ارتفاع که امروزه، علم به آن رسیده است خداوند در آیه ۱۲۵ انعام می‌فرماید: ... خداوند هر که را خواهد گمراه کند، سینه او را آنچنان تنگ می‌کند که گویا می‌خواهد به آسمان برود.

جامعیت قرآن: یکی از ویژگی‌های مهم قرآن جامع و کامل بودن آن است. جامعیت قرآن بدین معناست که این کتاب آسمانی، در تمامی ابعاد مربوط به شان هدایتگری انسان، به سوی کمال و فلاح، تام و کامل است و هیچ گونه نقص یا نارسایی در آن راه ندارد. خداوند متعال کلیه تعالیم و حقایق لازم برای هدایت و نجات مادی و معنوی انسان را در کتاب خود بیان کرده است: **و نزلنا علیک الکتاب تبیاناً لکل شیء؛** و کتابی را بر تو فرو فرستادیم که بیانگر همه چیز است (نحل ۱۹).

امیرالمؤمنین علیه السلام در سخنی تأکید می‌کند که خداوند بوسیله قرآن، هدایت خود را به کمال رسانده و پیامبر نیز تمام احکام هدایتگر خدا را بیان کرده است: خدای متعال نور هدایت خود را تمام و دین خود را به وسیله قرآن کامل کرده است. زمانی جان پیامبر را گرفت که ابلاغ هدایت‌های قرآنی را به پایان برده بود. پس خدای سبحان را چنان بزرگ دارید که او خود خویشتن را بزرگ داشته؛ زیرا چیزی از دین خود را بر شما پوشیده نداشته. هیچ چیز نیست که او را خشنود سازد یا سبب کراهت او گردد، مگر آنکه برای آن نشانی روشن و آیه‌ای محکم قرار داده که از مکروهات باز می‌دارد و به آنچه خشنود است فرا می‌خواند (نهج البلاغه خ ۱۸۲).

گاه امام علی علیه السلام از جامعیت قرآن این گونه تعبیر کرده: بدانید که علم آینده و سخن گذشته، و درمان دردهایتان و سامان زندگیتان در قرآن است (خ ۱۵۷) **فی القرآن نبأ ما قبلکم و خبر ما بعدکم و حکم ما بینکم؛** خبر و گزارش آنچه پیش از شما و آنچه پس از شماست و حکم آنچه اکنون در میان شماست همه در قرآن است (غررالحکم، ج ۲، ص ۳۱۱).

در جای دیگری پس از گزارش ویژگی‌های دوران جاهلیت، به رسالت پیامبر و نزول کتابی آسمانی اشاره می‌کند که شامل مطالب کتابهای آسمانی پیشین و تصدیق‌کننده آنها و بیانگر احکام حلال و حرام است: پس پیامبر رونوشت آنچه را در صحیفه‌های نخستین بود و تصدیق‌کننده پیامبران و کتابهای پیشین است و شرح و بیان حلال و حرام را برایشان آورد...

در آن، علم گذشته و آینده، تا قیامت موجود است (تفسیر القمی ج ۱ ص ۲). در سخنی دیگر امام با بیان اینکه قرآن منبع تشریح و قانونگذاری اسلامی است و احکام و حدود خدا در آن آمده است، از جامعیت قرآن پرده برمی‌دارد: قرآن امرکننده و بازدارنده است، حدود در آن مشخص و سنت‌های خدا در آن مقرر و مثلها بیان شده و دین در آن تشریح شده است (التفسیر ج ۱ ص ۷).

زبان دل در گرو قرآن

مخاطب قرآن عقل انسان است و قرآن با زبان منطق و استدلال با او سخن می‌گوید. اما قرآن به جز این زبان، زبان دیگری نیز دارد که مخاطب آن عقل نیست بلکه دل است و این زبان دوم، احساس نام دارد. کسی که می‌خواهد با قرآن آشنا شود و به آن انس بگیرد، باید با هر دو این دو زبان آشنا باشد و از هر دو در کنار هم استفاده کند. تفکیک این دو از یکدیگر، خطا و اشتباه را به دنبال خواهد داشت.

منظور ما از دل، احساسی بسیار عظیم و عمیق در درون انسان است که گاهی به آن احساس هستی می‌گوییم؛ یعنی احساسی از ارتباط انسان با هستی مطلق. کسی که زبان دل را بداند و با آن انسان را مخاطب قرار دهد، او را از اعمال هستی و کنه وجودش به حرکت درمی‌آورد، آن وقت دیگر تنها فکر و مغز انسان تحت تأثیر نیست بلکه سراسر وجودش تحت تأثیر قرار می‌گیرد.

یکی از عالی‌ترین غرایز و احساسات هر انسان، حس مذهبی و فطرت خداجویی اوست و قرآن این حس شریف و برتر را مخاطب خود قرار می‌دهد. قرآن توصیه می‌کند که

او را با آهنگ لطیف و زیبا بخوانند. با همین نوای آسمانی است که قرآن با فطرت الهی انسان سخن می گوید و آن را تسخیر می کند. چرا تلاوت قرآن عبدالباسط این قدر در تمام کشورهای اسلامی گسترش یافته است؟ برای اینکه عبدالباسط با صدا و آهنگ عالی و با دانستن انواع قرائت ها و آهنگ ها و شناختن آهنگ هر سوره آن را می خواند.

در احادیث آمده است که بسیاری از ائمه از جمله امام سجاد و امام باقر علیهم السلام قرآن را با صدا و آهنگ بلند و دلپذیر می خواندند، به گونه ای که صدایشان به کوچه می رسید و هر کس از کوچه می گذشت، برای شنیدن صوت قرآن می ایستاد. هنگامی که امام در خانه اش قرآن را با آهنگ لطیف و زیبا قرائت می کرد، پشت در خانه جمعیت جمع می شد و راه، بند می آمد. به بیان قرآن، کتاب الهی دوزبان دارد؛ قرآن گاهی خود را کتاب تفکر و منطق و استدلال معرفی می کند و گاهی کتاب احساس و عشق. به دیگر سخن، قرآن فقط غذای عقل و اندیشه نیست غذای روح هم هست

آهنگ پذیری قرآن

مسئله آهنگ پذیری قرآن خیلی عجیب است. تا آنجا که نشان داده اند در زبان ها جز شعر چیز دیگری آهنگ نمی پذیرد، آهنگ واقعی که یک نفر موسیقیدان بتواند برای آن آهنگ بسازد، شعر است که آهنگ می پذیرد. البته هر نثری را می شود با آواز بلند خواند اما آن کسی هم که آهنگها را نمی شناسد می فهمد که اگر این راه ساده بخوانند بهتر از آن است که با آواز بخوانند.

ولی یک چیز آهنگ پذیر آن چیزی است که وقتی آن را با آهنگ می خوانند آن را بهتر بیان می کند تا وقتی که ساده می خوانند. به این می گویند آهنگ پذیری؛ یعنی آهنگ، آن را بهتر می توان بیان کند از غیر آهنگ. قرآن از طرفی ما می بینیم شعر نیست، چون نه وزن دارد نه قافیه و نه هجاهایش هماهنگ با یکدیگر است.

از نظر محتویات هم، چون شعر اصلا به تخیل بستگی دارد، تخیل در آن نیست، آن تشبیهات و خیالات شاعرانه در آن نیست.

قرآن یگانه نثری است آهنگ پذیر. همین قرائتهایی که می خوانند. کسانی که اهل قرائت هستند- با آهنگ می خوانند. حالا شما یک کلام دیگر، خود خطبه های پیغمبر را بیایید با آهنگ بخوانید، اصلا نمی پذیرد. تنها قرآن است که آهنگ پذیر است و این همان مطلبی است که از صدر اسلام به آن توجه شده است. اینکه توصیه شده است که قرآن را به صوت حسن بخوانید برای همین بوده است که در قرآن چنین استعداد و پذیرشی بوده و با آهنگ بهتر می توانسته است خودش را نشان بدهد و نمایان کند.

منابع : قرآن مجید و تفاسیر : المیزان، نور و نمونه

تفسیر تسنیم : آیت الله جوادی آملی

برداشت های مؤلف

قرآن منظوم امید مجد